کارگران همه کشورها متحد شوید!

اتحاد کارگران

ارگان مرکزی اتحادکارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

قیمت: ۱۰۰ ریال

شماره ۱ اسفندماه ۱۳۶۸

سرمقاله

چرا فعالیت مستقل ؟..

طبقه کارگر ایران انقلاب عظیمی را تجربه کرد و نسل جدیدی از پیشروان کارگری در مبارزه حاد طبقاتی یکدهه اخیر وارد صحنه مبارزات کارگری شده اند. طبقه کارگر متناسب با رشد کمی و کیفی اش، اراده آگاه، انقلابی و مستقل اش، سازمان داده نشده و در سیمای سازمانهای تاکنونی تجلی نیافته و در بحبوحه یکی از فرازهای مبارزه طبقاتی اش از تشکل حزبی بمثابه یک طبقه بی بهره بوده است. فائق آمدن بر این مشکل بستگی به نگرش و برخورد مارکسیست - لنینیست ها به برنامه سیاسی و اسلوبهای فعالیت حزبی - توده ای دارد.

بقیه در صفحه ۲

قطعنامه ها و مصوبات کنفرانس:

● قطعنامه وحدت ● قطعنامه در محکومیت مشی راستروانه تاکتیکی جناح دفتر سیاسی در برخورد به احزاب غیر پرولتری ● بحران تشکیلاتی ● قطعنامه درباره چشم انداز آتی و وظائف ما ● ضوابط مبارزه ایدئولوژیک علنی و... ● درباره اساسنامه موقت ما ● راجع به اختلافات برنامه ای ● راجع به انترناسیونالیسم پرولتری، ...

پیام های کنفرانس:

★ پیام به زندانیان سیاسی، خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی

★ پیام به کارگران و زحمتکشان ★ پیام به اعضاو هواداران راه کارگر

★ پیام به سازمانها، محافل و عناصر کمونیست و انقلابی.

آیا بر مناقشات درونی رژیم پایانی متصور است؟

وفاق همگانی میان جناحهای مختلف هیئت حاکمه بر سر توقف و تخفیف مناقشات و تضادهای درونی در شرایطی صورت گرفته بودکه "احساس خطر" واژگونی تمامی ارکان رژیم در نتیجه احتمال وقوع نارضایتی متراکم توده ها، بیش از پیش حکومتگران را مرعوب خویش ساخت. تغییر و اصلاح مفادی از قانون اساسی، تعیین "مجمع تشخیص مصلحت نظام"، "تفکیک شرط مرجعیت از رهبری"، حذف پُست نخست وزیری، بالا بردن اختیارات رئیس جمهوری و... آندسته از اقدامات ضربتی و شتاب زده ای بوده اندکه در روزهای پایانی مرگ خمینی به منظور جایگزینی خلأ قدرتی که در نتیجه فقدان حضور بلامنازع وی در جایگاه "ولایت مطلقه فقیه" حاصل می گردید، با دخالت و نظارت خمینی به انجام رسید.

گزینش خامنه ای در مقام "ولی امر مسلمین" از طرف شورای نگهبان، "بیعت" تمامی جناح های حکومتی با وی، انتخاب رفسنجانی بعنوان رئیس جمهوری، کسب رای

بقیه در صفحه ۳

جنبش چپ و فعالیت آتی ما

اتحادکارگران انقلابی ایران (راه کارگر) در شرایطی فعالیت خود را آغاز می نمایدکه جنبش کمونیستی کشورمان ضمن کسب بسیاری از دستاوردهای تئوریک، هنوز هم حول مجموعه ای از مسائل مهم برنامه ای، اساسنامه ای و تاکتیکی درگیر و متمرکز است. از طرف دیگر تغییر و تحولات جدی و عمیقی که اخیرا در کشورهای سوسیالیستی بوقوع پیوسته و تداوم دارد باعث خواهد شد تا مباحثات جاری اخیر به عمق کشیده شده و دامنه وسیعتری به خود بگیرد. چپ انقلابی ایران به این عمق نگری و پاسخ گوئی همه جانبه نیاز دارد، چراکه عملکرد تاکنونی اش نشان داده است که هنوز از آتشبار قوی لنینی، نه به مفهوم کُدبرداری و کپیه سازیهای کلیشه ای و متداول بلکه بمفهوم قدرت تجزیه و تحلیل و استدلال و تفکر مستقل در کمیت و کیفیت مورد نیاز، برخوردار نیست.

بقیه در صفحه ۶

تریبون اعضا برای بیان نظرات مخالف

اتحادکارگران انقلابی ایران

راه کارگر

نقدی بر مواضع کنفرانس در قبال: جمهوری دمکراتیک خلق

در صفحه ۲۲

★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★

یاد شهدای جنبش را زنده نگهداریم

★ ★ ★ ★ ★ ★ ★ ★

رفیق ضیاءالدین نادری

ستون آزاد

و اما چه کسانی همرنگ جماعت می شوند؟..

در صفحه ۱۹

راجع به اختلافات برنامه ای در توضیح مصوبهٔ کنفرانس

در ابتدا ضمن پوزش از خوانندگان، در نگارش بند ۴ این مصوبه اشتباهی رخ داده است که بدین وسیله اصلاح میگردد: در این بند آمده است: "۴- مضمون مرحله انقلاب برنامه انتقالی و سمتگیری سوسیالیستی است و دولت جمهوری دمکراتیک خلق دولت نوع پرولتریست و نه نوعی از دیکتاتوری پرولتاریا." بجای کلمه "نوعی" که با خط تاکید مشخص شده است باید کلمه "شکلی" بیاید. بنابراین مصوبه کنفرانس ما بدین قرار است:

بقیه در صفحه ۲

در صفحات دیگر



... از میان نشریات

آرزوهای پابرجای "اکثریت"

باز هم اتهام!

در صفحه ۸

راجع به اختلافات برنامه‌ای در توضیح مصوبهٔ کنفرانس

ازصفحه اول

" ۴ـ مضمون مرحله انقلاب برنامه انتقالی وسمتگیری سوسیالیستی است ودولت جمهوری دمکراتیک خلق دولت نوع پرولتری است ونه شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا. "

درمورد این مصوبه درزیر مختصراً توضیح می دهیم :

این مصوبه که به منظور تدقیق وصراحت دادن به موضع ماوبه اختلاف باجناح دفتر سیاسی تنظیم شده است ، اختلافات را اساسا در ۲ محورکلی ودرچهارجزء فرموله میکند.

براساس درک رسمی کنونی جناح دفتر سیاسی جمهوری دمکراتیک خلق شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا وبلوکی مرکب ازکارگران ونیمه کارگران وبعبارت دیگر همان جمهوری شوروی سوسیالیستی می باشد، اقشارگوناگون خرده بورژوازی جزونیروهای محرکه انقلاب بحساب می آینداما در دولت جایگزین شرکت ندارند،وعلیرغم اعتقادبه دیکتاتوری پرولتاریا به مثابه آلترناتیوجمهوری اسلامی اصولا شرکت در " حکومت موقت " ویاجمهوری بورژوائی رامجازمی دانند.

این مجموعه که نظررسمی فعلی جناح دفتر سیاسی ازمرحله انقلاب راتشکیل می دهد،بخودی خودحامل یک تناقض اساسی است که آنها بایک موضع انحرافی وغیر مارکسیستی نسبت به رابطه نیروهای محرکه انقلاب ودولت آلترناتیوجانشین به آن پاسخ می گویند.

اگرمطابق بادرک این رفقا ،ضرورت دیکتاتوری پرولتاریامطرح باشد،درآن صورت مرحله انقلاب درایران رابایدخالصا سوسیالیستی ارزیابی نمود،که دراین صورت دیگرخرده بورژوازی رانمی توان بمثابه نیروی محرکه انقلاب بحساب آورد،بلکه دراین حالت دیگرنه خرده ـ بورژوازی مرفه بلکه این خرده بورژوازی میانی است که باید بمثابه نیروئی بینابینی ومتزلزل ویاضدانقلابی ،منزوی گردد،ودریک انقلاب سوسیالیستی شرکت پرولتاریا در حکومت موقت برپایه برنامه حداقل همراه با آنها اصولا غیرمجازمی باشد. امارفقا،همزمان ازشرکت پرولتاریا در حکومت موقت بلحاظ اصولی دفاع می کنندوبدنبال آن خرده بورژوازی میانی راجزو "نیروهای محرکه انقلاب " بحساب می آورند.

بدین ترتیب براساس نظر رفقا اولا ، آنها ازیک انقلاب خلقی انتظار دیکتاتوری پرولتاریا را دارند، درحالی که ازنقطه نظر دیدگاه مارکسیستی ،دیکتاتوری پرولتاریا نتیجه نهائی مبارزه طبقاتی پرولتاریا و بورژوازی وبه عبارت دیگرمحصول انقلاب سوسیالیستی است.

ثانیا ،رفقابرای رهائی ازاین تناقض " نیروهای محرکه انقلاب " راتنها بمثابه نیروهای پیشاسرنگونی مطرح می نمایند.این نظربین " نیروهای محرکه انقلاب " و طبقات تشکیل دهنده دولت آلترناتیو،تفکیک قائل میشود واین درک که مفهوم " انقلاب " رااز " دیکتاتوری " جدا می کند،انحراف ازمارکسیسم ـ لنینیسم انقلابی است.

ازنظرما جمهوری دمکراتیک خلق محصول قیام پیروزمند وثمره انقلاب حقیقتا خلقی است ، این انقلاب ماشین دولتی بوروکراتیک نظامی بورژوائی راخردمی کندویک حکومت انتقالی به دیکتاتوری پرولتاریا ویایک حکومت موقت کارگران وزحمتکشان راتاسیس می نماید.

جمهوری دمکراتیک خلق همان حکومت موقت انقلابی است که درنتیجه پیروزی انقلاب حقیقتا خلقی برسرکارخواهدآمد، وهیچ حکومت موقت دیگری که نه بر مبنای برنامه انتقالی بلکه برپایه برنامه حداقل تشکیل شود،موردحمایت پرولتاریا نیست. بعبارت دیگر در ایران فردامابادونوع " حکومت موقت انقلابی " مواجه نیستیم،تنها حکومت موقت انقلابی ،همان جمهوری کارگران وزحمتکشان ،یعنی جمهوری دمکراتیک خلق است.

خرده بورژوازی میانی دراین انقلاب جزءنیروهای محرکه انقلاب شمرده می شود،وازآنجاکه نمیتوان نیروهای " بوجودآورنده یک انقلاب " ویانیروهای محرکه یک انقلاب راازنیروهای تشکیل دهنده حکومت آلترناتیوانقلابی جدانمود، پرولتاریا وظیفه هدایت خرده بورژوازی میانی رادرهمین دوره وبرپایه همین هدف مشترک وبرای تشکیل دولت طرازنوین انقلابی و یا دولت نوع پرولتری بعهده دارد،ونه فقط در دوره پیشاـ سرنگونی. تجزیه طبقاتی خرده بورژوازی میانی نیز درهمین روندانجام می پذیرد.

اما جمهوری دمکراتیک خلق تنها **موقتا** قادربه درهم شکستن دستگاه بوروکراتیک نظامی دولت بورژوائی وتاسیس حکومت شورائی خواهدبود. انقلاب تنها زمانی به **پیروزی قطعی** می رسدکه ماشین دولتی بورژوائی وتمامی امکانات بازسازی آن رابطور**کامل** نابود سازدواین **تنها** ازپرولتاریا ودیکتاتوری پرولتاریا ساخته است.

پرولتاریا ونیمه پرولتاریا بمثابه **ستون فقرات** این انقلاب بایدبکوشندتابااستقرار وتثبیت قطعی نظام شورائی ونابودکردن **تام وتمام** ماشین دولتی بورژوائی و ایجادمانع درقبال هرنوع بازسازی مجددآن ،این حکومت کارگران وزحمتکشان رابه دیکتاتوری پرولتاریا وبه حکومت خالص سوسیالیستی ارتقاءدهند.

این است مفهوم انقلاب مداوم!

اگردرک پوپولیستی ازمرحله انقلاب ونیروهای محرکه آن ازدرک خصلت موقتی ودلایل انقلابیگری خرده بورژوازی عاجزاست ،درک لیبرال رفرمیستی جناح دفتر سیاسی از مرحله انقلاب بانفی ظرفیت خرده بورژوازی درامرشرکت درقدرت شورائی بطورموقت ،عملامبنای ائتلاف خودرا باخرده بورژوازی حول برنامه حداقل ومبارزه ضداستبدادی قرارداده وبدین ترتیب **عملا** مبنای ائتلاف اونه خرده ـ بورژوازی دمکرات وانقلابی که ازگام برداشتن بسوی سوسیالیسم نمی هراسدوحاضراست برای تحقق مطالبات حداقل ازچارچوب نظم بورژوائی فراتررود،بلکه ،بخش فوقانی خرده بورژوازی ،که درانقلاب مانقش بینابینی وبعضا ضدانقلابی دارد،یعنی لیبرال دمکراتهاست! این واقعیتی است که این درک درهمین دوره فعالیت اخیر راه کارگرجناح دفتر سیاسی درحوزه تاکتیکها وائتلافها بخوبی انعکاس داشته است ـ حتی اگرشکست آن درعمل مجدداورا دراین حوزه هم به عقب نشینی تاکتیکی وادارد.

هیئت تحریریه اتحادکارگران

چرا فعالیت مستقل؟!

ازصفحه اول

لازمه کاربست شیوه کمونیستی درحل وبرخوردبه معضلات مذکورفراترنگریستن ازحصارفرقه ها ،کنار گذاشتن رقابت های فرقه ای وترجیح منافع کل جنبش کمونیستی برفرقه خودمیباشد،که این خودزمینه ساز مباحثات رفیقانه وثمربخشی است که درمبارزه با گرایشات انحرافی وصیقل دادن خط وبرنامه کمونیستی، پایان دادن به فرقه گرائی وپراکندگی دردنا ک کنونی کمونیستهای کشورمان ،تحرک مارا افزایش خواهدداد.

نقدبینش ،عملکردوروحیات فرقه گرایانه نباید بمعنای نادیده گرفتن ارزشمندیها وتوانائیهای سازمان های کمونیستی کشورمان تلقی شود،بلکه ناظربر واقعیات موجود،قانونمندیهای تغییروضعیت کنونی ازطریق حفظ وارتقاءعناصرسالم وکمونیستی ،طرد آلودگیهای پوپولیستی (پوپولیسم لیبرالی یا پوپولیسم آنارشیستی) ،وسوق دادن حیات سیاسی ـ تشکیلاتی خود به میدان مبارزه زنده طبقاتی طبقه کارگرمیباشد.

خصیصه کنونی جنبش کمونیستی درعرصه جهانی وملی باشکستهای ناشی ازتاثیرات گرایشات انحرافی از مارکسیسم ـ لنینیسم وعمده گشتن خطرسوسیال دمکراسی مشخص میگرددکه تاثیرات مهمی برمبارزات طبقه کارگر وکمونیستها خواهدداشت.

تلاش ومبارزه نقادوپویا ،صادقانه وفداکارانه مارکسیست ـ لنینیستها درعرصه تئوری وپراتیک ،طبعا در دوره ای نه چندان کوتاه می تواندجراحات وارده برپیکر جنبش کمونیستی راالتیام بخشیده وراه پیشروی راهموار نمایدوازاینجاضرورت مبارزه کمونیستها درسنگرمشترک بمنظورتداوم وارتقاءدستاوردهای جنبش کمونیستی کشورمان مطرح میشود. مبانی نظری راه کارگردرمبارزه بارفرمیسم وپوپولیسم شکل گرفت وتحکیم یافت ،که هم اینک این مبانی ازدستاوردهای مهم کمونیستهای کشورمان است ، لیکن مقاومت بقایای پوپولیسم در راه کارگروسیاست مماشات گرانه نسبت بآن زمینه ساز تکوین بحران وانشعاب گردید.

اتحادکارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ،درمبارزه علیه مقاومت بقایای پوپولیسم وبطورمشخص مبارزه با فرقه گرائی ومحفلیسم درعرصه حزبیت ،تجلیات رفرمیسم درحوزه مبانی برنامه ای واپورتونیسم راست درمشی تاکتیکی شکل گرفت ومادرشرائطی فعالیت مستقل حزبی خودراآغازمی کنیم که توجه مسئولانه ما به وضعیت کنونی جنبش کمونیستی وضرورت وحدت مارکسیست ـ لنینیستها وتلاش پیگیرانه مادرجهت وحدت اصولی دردوره پیشاکنفرانس بامقاومتهای فرقه ای محفل حاکم برسازمان مواجه گشته وبی ثمرماند.

...واما مبارزه ما برای دمکراسی ،انقلاب وسوسیالیسم ادامه دارد، اینست ضرورت موجودیت سیاسی ـ تشکیلاتی ماوانتشاراتحادکارگران ، ارگان مرکزی اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) !

آیا برمناقشات درونی رژیم پایانی متصوراست؟

ازصفحه اول

اعتمادهیئت وزیران بااکثریت بالای نمایندگان مجلس، بدنبال همین وفاق صورت پذیرفت . "تنظیم برنامه پنجساله" نه پلاتفرم یک جناح بلکه حاصل اشتراک نظر تمامی جناحهای حکومتی درراستای همین وحدت همگانی بودزیرا: "طلیعه" دولت کار "برنامه‌ای نبوده که آورده برنامه‌ای که بتصویب رسیده حاصل جان کندن وتلاش دولت گذشته بودمگریک دولت درعرض چندماه میتواندیک برنامه پنج ساله به این وسعت تنظیم نماید" (قنبری نماینده مرودشت درمجلس رژیم- روزنامه کیهان) آنچه که عامل ازسرگیری وتشدیدتضادهای درونی رژیم طی همین مدت کوتاه پس ازمرگ خمینی گردید، اختلاف برسرچگونگی اجراوپیشبرداین برنامه وازطرفی ناتوانی وذهنی بودن آن درتخفیف بحران بوده است .

درگیری ومناقشات جناحهای حکومتی ازآنجائی اوج می گیردکه جناح رفسنجانی ضمن سلسله اقداماتی درجهت جذب ومشارکت سرمایه جهانی در "راه اندازی اقتصاد نیمه ویران کشور" خواستارترغیب وتشویق بورژوازی سوداگرتجاری به منظورسرمایه گذاری در "بخش تولیدی صنعتی" می گردد، واتخاذاین شیوه برای حل بحران، بدون "حذف" جناح "حزب الله" مقدورنبود . افزایش نقش بورژوازی سنتی درتجارت آزادوغیرقابل کنترل، حزب الله رابیش ازهمه درکسب منافع اش متضررساخته است، در حقیقت جناح حزب الله باکنارگذاشته شدن ازصحنه قدرت اجرائی کشورقربانی یک سازش گردید . مابین جناح خامنه‌ای- رفسنجانی علیرغم عدم انطباق کامل وجایگاهی که "حفظ نظام" برایشان مافوق منافع جناحهای مختلف بورژوازی قرارداردازیک طرف، وجناح بورژوازی سنتی به اتکاء میلیاردهاتومان نقدینگی که ازقبل جنگ ویرانگرارتجاعی حاصل نموداز طرف دیگراساحل بحران اقتصادی بدون مشارکت ونقش فائقه سرمایه مالی (بانک وبورژوازی صنعتی) نه تنهامیسرنیست ،بلکه عدم کنترل ونظارت بورژوازی تجاری بدلیل ماهیت سوداگرانه- اش خودعامل تشدیدبحران است .

تعرض همه جانبه جناح خامنه‌ای- رفسنجانی علیه "حزب الله" تحت شعارهای "آغازدوران بازسازی"، "برقراری صلح وثبات ودوستی درمنطقه وجهان"، "اطاعت ازولایت فقیه"، "دولت کار" "علیه" دولت شعار" ودرمقابل مقاومت فعال حزب الله برای کُندو آچمزنمودن سیاست های حریف ،پشت سنگر "دفاع از ارزش های اصولی انقلاب"، "مبارزه علیه رفاه طلبی"، "تداوم راه امام فقید"، "صدورانقلاب اسلامی" بروشنی بیانگرحدت یابی تضادهای آشکاررژیم درمرحله کنونی است .

رفسنجانی بخوبی واقف است که حاصل ۱۱ سال حاکمیت ننگین رژیم اش جز ورشکستی، فقروفاقه کارگران وزحمتکشان، ویرانی مطلق صنایع تولیدی پنج استان کشور، کاهش هفتاددرصدازظرفیت تولیدبخش صنایع، ارمغان دیگری نداشته است، قطعابه گردش درآوردن عادی چرخ عظیم این "اقتصادراکد" تنهابه اتکاء سرمایه گذاری "سرمایه داران محترم داخلی" برای "کسب سودحلال" مقدورنیست . بنابراین باید "شیطان بزرگ" با "حسن نیت خویش، درآزادسازی دارائی های بلوکه شده ایران" وخوداوهم درمقابل "باآزادی گروگانهای امریکائی درلبنان" مشترکاقدمهای اول رادرجهت برقراری ارتباطی وسیع و آشکاربردارند . درراستای چنین هدفی رفسنجانی درپاسخ به سئوال تایمزمالی اعلام میدارد: "درموردتغییرسیاست ما باغرب، هیاهوئی که راه افتاده واقعیت ندارد، مااز اول بنا نداشتیم باغربی هاروابط بدی داشته باشیم، نظرغالب درایران این است که اگرغرب سیاست غیرزورگویانه‌ای راباایران درپیش بگیرد می تواندروابط حسنه‌ای باکشورما داشته باشد، همچنان که ما بابعضی ازکشورهای غربی چنین روابطی داریم." (اول آبان- کنفرانس مطبوعاتی رفسنجانی)

اگردرمقطعی "شیطان بزرگ" بافرستادن "کیک و انجیل" توسط مک فارلین برای ایجادمقدمات ارتباطی علنی ووسیع پابه میدان میگذاردودراین راه از "بی اعتبار ساختن" مهره هائی همچون سرهنگ الیورنورث" درماجرای "ایران گیت" ابائی نداشته، اینبارهمان رسالت را رفسنجانی دراوضاعی به مراتب وخیمتر، بعهده گرفته است، تنهابااین تفاوت که بجای "کیک وانجیل" با هدیه‌ای باارزشتر، یعنی وعده آزادی گروگانهای آمریکائی درلبنان قدم پیش میگذاردودراین بین هم ازتوسل به حربه خطرناک حذف جناح "تندرو" ابائی ندارد . بنابر- این باپذیرش "دوطرزتفکردرایران" به غربیها اطمینان میدهد: "ولی آنچه که اکثریت مردم ومسئولان فکرمیکنند درمحدوده رادیکالیسم نمی گنجد ."

کیفرخواستی که ازطرف جناح رفسنجانی دردفاع از "میانه روی" خویش برعلیه "تندرو" های باصطلاح "رادیکال" جناح حزب الله اقامه میگردد، بدون کم و کاست وبلافاصله موردواکنش محتشمی، این شاخص ترین فرد این جناح، قرارمی گیرد . محتشمی درمصاحبه با خبرگزاری جمهوری اسلامی درتاریخ ۱۳آبان (سالروز تسخیرسفارت آمریکا) اعلام میدارد: "براساس برداشت ازآیه قرآنی کسی که همراه باپیامبروپیروا سلام ناب محمدی است، نسبت به کفارشدیدیعنی تندرواست، تندوشدید برخوردمی کندو وجه دیگری هم وجودندارد ." استنادبه دومورداز حجم متمرکزووسیع گفتارها، موضع گیری های "حزب الله" درحمله به سیاست های رفسنجانی برای برقراری ارتباط علنی باآمریکا، شایدبتوان میزان و چگونگی واکنش هیستریک حزب الله رادراین رابطه بازگو نماید . نجفقلی حبیبی نماینده مجلس درتاریخ ۷آبان با "فرض سه استراتژی درمقابل آمریکا" اعلام میدارد: "۱- مبارزه باآمریکاو زنده نگهداشتن روح انقلاب، ۲- تردیدو تذبذب واین که ببینیم چه می شود، ۳- تسلیم وپذیرش شرایط آمریکا، که دراین بین ملت مامبارزه با آمریکارا انتخاب می کند." محمدابراهیم اصغرزاده یکی دیگرازنمایندگان مجلس این موضع رابالحن شدیدتری بیان میدارد: "کورخوانده‌اندآنهاکه فکرمی کنندباپا ئین کشیدن شعارمبارزه بافقروغنامی توانندراه رابرای بازگشت سرمایه دارهاوصاحبان گردن کلفت صنایع ونهایتابازگشت غرب بازکنند" .

نیازرفسنجانی برای "اطمینان خاطر" غربی هاتنها با "حسن نیت" اش در "اقدامی هماهنگ برای آزادی گروگانها" ختم نمی گردد . اوبایدقبل ازآن، برای برقراری ثبات ودوستی درمنطقه هم به اقداماتی مشابه دست زند، و دراین مسیرازفتوای "امام" "علیه حکومت" وهابی وکافر حجاز" به بهانه اینکه "شرایطی که درجنگ ومحاصره دشمنان داشتیم دیگرنداریم" صرفنظرنماید . بدین لحاظ "کنفرانس بین المللی خلیج" فرصت مناسبی است تا "خواهان صلح وثبات پایداردرمنطقه ازطریق همکاری و دوستی باکشورهای منطقه گردد." (۱۲آذر- کیهان)

حمله "حزب الله" علیه سیاست های حریف بمنظور آچمزآن، اینبارآهنگ موزونتری می یابد، نطق های پیش از دستورنمایندگان مجلس، سرمقالات روزنامه‌ها، موضع- گیری سران این جناح پشتوانه محکمی برای به مبارزه طلبیدن رفسنجانی درهمین نقطه می باشد . نمایندگان حزب الله درمجلس باحمله شدیدویکپارچه علیه رجائی خراسانی (نماینده مجلس) که بابیانی صریح ترازمنظور رفسنجانی اعلام نمود: "... معنی ندارد که صحنه عربستان سعودی صرفادراختیارعراق باشدخیلی خوب خواهدبوداگرمانیزدرآن جاحضورفعال داشته باشیم" (۲۸شهریورکیهان)، پیشروی حریف رادرهمان نقطه متوقف نمایند .

نماینده ورامین درمجلس درواکنشی مشابه اعلام داشت: "کسانی که درصددتطهیرآل سعودبرمی آیند، مطمئن باشندلکه ننگی که آمریکابردامان آل سعودنهاد، به تعبیرامام باآب زمزم وکوثرنیزپاک نخواهدشد، منطق برخی ازافرادنیزآن است که اگرمادرمکه تظاهرات نمی- کردیم، حکام سعودنیزمارانمی کشتند، این منطق عمروعاص است، مردم درمقابل این حرکت خواهندایستاد." (۱۲مهر ماه- کیهان هوائی)

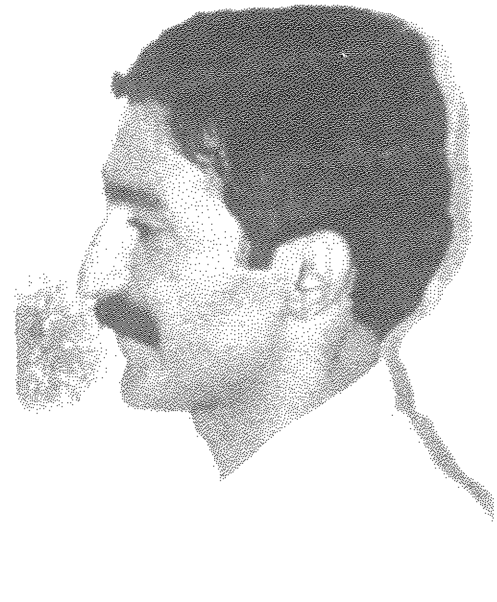
بنابراین روند حدت یابی اعتراضات حزب الله علیه سیاست های رفسنجانی برای دست یابی به "صلح ودوستی باعربستان" جائی رابرای پیگیری "مانورهای مشترک (نظامی) هوائی، دریائی وزمینی باشرکت ترکیه، پاکستان وایران" باقی نمی گذارد.(روزنامه اطلاعات- لاریجانی معاون وزارت امورخارجه- ۱۸آبان)

رفسنجانی بعکس جناح "حزب الله" که هنوزدرعالم "فداکاری حزب الله دررد نعم مادی" سیرمی کند، بیش ازهر کس درمیان حکومتگران ازتعمیق نارضایتی توده‌ها وقوف یافته ومی داندکه تنهابااتکابه "تامین مواداولیه" چندکارخانه ویاحتی رساندن ظرفیت تولیدی صنایع موجودبه سطح قبل ازسالهای ۵۷ هم قادرنخواهدبود پاسخگوی نیازهای اولیه مردم درشرایط کنونی باشد . پس آنچه که وی هم اینک بدان نیازمنداست، "تامین اعتبار ۱۵الی ۲۰میلیارداستقراضی" برای ساخت کارخانجات درصنایع تولیدی، اجرای پروژه‌های سدسازی، تامین نیروی برق وکشاورزی، پروژه گازرسانی به خارج و... می- باشد، که آنهم بایدازجانب کشورهای "غربی" با ۱۵الی ۲۰درصدبهره دراختیارش قرارگیرد . طرح قضیه "استقراض فرصتی دیگربرای تاخت وتاز "حزب الله" علیه جناح رفسنجانی است . امااینبارعلاوه براعتراض نمایندگان مجلس، سرمقالات روزنامه‌های این جناح، منتظری جانشین مخلوع خمینی هم مخالفت آشکارخودرا در "دیداربا عده‌ای ازمردم به مناسبت شهادت حضرت فاطمه سخن می گفت به موضوع استقراض دربرنامه پنج ساله اعلام میدارد" (۲۷دی ماه کیهان هوائی) . بدنبال

←

یاد شهدای جنبش را زنده نگهداریم

رفیق ضیاءالدین نادری



رفیق ضیاءالدین نادری (رفیق کوروش) درسال ۱۳۲۳ دریك خانواده متوسط بهائی در شیرگاه قائم شهر بدنیا آمد. تحصیلات ابتدائی ومتوسطه خودرا در همان شهر بپایان رساند ودر ۱۹ سالگی وارد دانشگاه علم وصنعت تهران دررشته مهندسی میکانیك گردید.

بعلت ذهن تیزوپویایش درمحیط دانشگاه خیلی زود به وجود دو قطب نابرابر ومتضاد درجامعه سرمایه داری وهمچنین به ماهیت دولت سلطنتی حاکم برایران پی برد. آرمانهای عدالت خواهانه وی درون مایه محکمی بود تا ضمن ارتباط باهسته های مترقی دانشجوئی ودرروند حرکت این هسته ها با ایدئولوژی مارکسیستی آشنا شود. اواولین تاوان این آشنائی را درسال ۵۴ با گرفتار آمدن بدست دژخیمان ساواك تجربه نمود، لیکن بعلت برخورد هوشیارانه وی وخالی بودن دست ساواك از اطلاعات موردنظر از رفیق بیش از ۴۸ ساعت درزندان نماند. دوران قیام پرشکوه بهمن ۵۷ دوران فعالیت شبانه روزی رفیق در سازماندهی جنبش اعتراضی ـ اعتصابی دانشجویان ودانش آموزان بود. فعالیت تشکیلاتی رفیق درآغاز با سازمان فدائی بود لیکن با درغلتیدن اکثریت رهبران این سازمان به دامان رفرمیسم وخیانت، رفیق کورش نیزبدون هیچ تردیدی رابطه اش را با آن گسست وفعالیت خودرا با خط انقلابی راه کارگر آغاز نمود.

کوروش جزواولین دسته رفقائی بود که تشکیلات هواداری قائم شهر را سازمان داد وپس از چندی مسئولیت آن نیزبه وی محول گردید. مسئولیت پذیری وتوانائیهایش، شرکت فعال درهمه جا، ازاکیپهای کمك دربرنحزارهای دهقانان تا تیمهای کوهنوردی، ازافشاگریهای ضدرژیم تا برگزاری نمایشگاهها ازوی چهره ای گرم، سازنده وصمیمی درمحیط فعالیت وتشکیلات به نمایش میگذاشت. وی جزوآخرین رفقائی بود که دربی یورش فاشیستی رژیم درسال ۶۰ مجبوربه ترك شهروگزینش زندگی مخفی درتهران گردید. توجه مسئولانه نسبت به روابطش ـ چه زمانیکه برای سازماندهی ووصل مجدد تشکیلات مازندران به سازمان وچه زمانیکه باروابطش درتهران فعالیت میکرد. ازجمله نقاط برجسته رفیق بود. ومسئولیت درقبال آرمان رفقائی که دستگیرویا شهیدمیشدند نیزهمانا تداوم پیگیرانه تر راهشان بود. ملاحظه کاری درپذیرش مسئولیتهای هرچندهم خطرناك باسرشت کوروش دمساز نبود واین امر را تمامی رفقائی که با او بودند هرگزازخاطر نبرده اند.

سال ۶۲ که همزمان با دستگیری وشهادت تعدادی از رهبران ارزنده راه کارگر بود وفقدان آنان، تلاش بازهم بیشتری را طلب میکرد، کوروش باشایستگی پذیرای مسئولیت دریکی ازکمیته های نواحی تهران گردید. این دوره که همزمان باسمتگیری کارکارگری وتوده ای بود، رفیق درآنجا نیزقابلیت خویش را درمضمون فعالیت جدید وسازماندهی مخفی کارگران پیشرو کارخانه اش نشان داد.

رفیق کوروش دربهمن ماه سال ۶۵، درحالیکه بیش از ۲ ماه از ازدواجش نمی گذشت، به همراه همسر وچندتن دیگر ازرفقای تحت مسئولیتش، دستگیرشد. کوروش علیرغم اطلاعات قابل توجهی که درسینه داشت وباوجودآنکه شکنجه گران نیزبراین مسئله وقوف داشتند، آنانرا در کسب این اطلاعات ناکام گذاشت. رژیم درطول دوره شکنجه ودرحالیکه که قفسه سینه اوراشکسته بودند، به مدت ۹ ماه هیچگونه اطلاعی ازوضعیت وی به خانواده اش نداد. رژیم که نتوانسته بود لبهای کوروش را به سخن بگشاید، انتقام خودرا با شهیدکردنش گرفت. کوروش درتابستان ۶۷ به همراه تنی چند از رفقای همرزمش: رفقا یوسف آبخون، رفیق فرهاد (مصطفی) برادرهمسرش و... بدست پاسداران جهل وسرمایه تیرباران گردید، ودرکنار هزاران رزمنده کمونیست درقبرستان "بلشویکها" درجاده خاوران آرمید.

یادش را باتداوم راهش گرامی میداریم!

واکنش منتظری، تظاهرات پراکنده ای درشهرهای نجف آباد واصفهان برله او صورت گرفت، هرچند اظهارات منتظری منجر به واکنش سریع جناح رفسنجانی می گردد، ودروحشت ازآن علاوه برمحاصره منزلش درقم ازطرف جناح رفسنجانی، روزنامه جمهوری اسلامی هم اظهارنظر وی را "بعنوان کسی که امام وی را به ساده اندیشی توصیف فرموده وعدم درك صحیح آنان نسبت به مسائل روشن جامعه برای همگان مبرهن است غیرمنطقی" دانست. (جمهوری اسلامی ۶۸/۱۰/۱۳) اما اعتراض منتظری نشان ازاین دارد که موانع پیشروی رفسنجانی برای پیشبرد موفقیت آمیز سیاستهایش بسیار عمیق تر از آن است که خود بدان اذعان دارد.

اعتراضات و درگیریهای درونی رژیم هر روز اوج تازه ای می یابد. کافی است اتفاقی هرچند کم اهمیت رخ دهد، تا "حزب الله" بتواند ازآن طریق حمله تازه ای را علیه جناح حریف سازمان دهد. حال که جناح مقابل برخلاف "امام که همچون پدری همه جناحهای سیاسی را هدایت می نمود" (رضوی نماینده یزد ـ ۱۱ دی کیهان) درفکر حذف "حزب الله" است، پس چه سوژه ای مناسب تر از سفر چائوشسکو میتواند باعث بی آبروئی حریف گردد. درخواست ۴۵ تن نمایندگان مجلس ازوزیرامورخارجه برای حضور درمجلس، وبدنبال آن سئوال ۸۴ نماینده ازولایتی، اقدام یکپارچه ای بود ازجانب "حزب الله" تا جناح رفسنجانی را مورد بازخواست قرار دهد. یداله اسلامی نماینده بافت درمجلس اعلام میدارد: "من ازآقای خلخالی تشکر می کنم که هم روز ورود چائوشسکو وهم درنطق دیروزشان مطالبی فرمودند، ولی آیا موارد اشتباه وزارت خارجه مربوط به همین یك مورد است..." (۵ دی ماه کیهان هوائی)

دفاع رفسنجانی ازسیاست وزارت خارجه وحتی با کشاندن پای خامنه ای دراین ماجرا، قادرنیست خشم "حزب الله" را فرونشاند: "کاری که نظرایشان (خامنه ای) نباشد دراین دولت انجام نمی شود، مگراین که غفلتی شود، متاسفانه بخاطرنکاتی که دراین دوسه روز دیده شده بعضی ها قدری قلب ایشان را مکدر کردند، نکته دیگری که رهبری به آن تاکید داشتند حمایت ایشان ازسیاست وزارت امورخارجه بود." (۷ دی ماه ـ کیهان هوائی)

بدنبال آن، عظیمی نماینده طرقبه با موضع گیری تند و تهدیدآمیز علیه مخالفین اعلام میدارد: "مگرمیشود در دورانی که باهمه سیاستهای استکبار ومتجاوز روبرو هستیم اجازه دهیم مسئولان دیپلماسی کشورمورد تهاجم افرادبی مسئولیت قرارگیرند!، مگرما می گذاریم، مردم سئوال می کنند این افرادبی مسئولیت چه کسانی هستند که دل رهبر را این طوربدرد می آورند." (۱۱ تیر ـ کیهان)

تمامی اقدامات بازدارنده جناح رفسنجانی قادر نیستند "حزب الله" را وادار به عقب نشینی نمایند. ولایتی با اصرار نمایندگان به مجلس احضار شده وپاسخ وی مورد اقناع نمایندگان واقعی نمی گردد، سئوال برای پیگیری "به کمیسیون بررسی سئوالات" ارجاع میگردد.

مسئله وخیم تر ازحدی است که جناح رفسنجانی تصور می کند: "همگی دیدیم که سئوال درمجلس شورای اسلامی مطرح شد ونه تنها موجب تضعیف وزارت خارجه نشد که برعکس توضیحات وزیرخارجه وبرکناری سفیرما دررومانی ابهامات ما را برطرف کرد وازاین سئوال وجواب کردن ها گردی هم بدامن نظام ننشست." (اطلاعات ـ ۱۳ دی)

بنابراین راهی نمانده بود جزآنکه خامنه ای باامید به تخفیف بحران، طی پیام تهدیدآمیز ۱۸ دی ماه خطاب به مجلس ومردم، لب به سخن بگشاید. خامنه ای دراین پیام ضمن "پرهیز نمایندگان ازکشاندن اختلافات سلیقه ای وسیاسی وشخصی به تنازع وتفرقه" اعلام داشت: "دراین مجلس رای باید تابع معرفت وبحث باید دوراز تنازع وجدال باشد، درهرموضع گیری وهرسخنی باید رضای خدا و مصلحت انقلاب وخواست ونیاز مردم درنظر گرفته شود، همواره دراین مجلس معدودافرادی بوده اند که ازاین تکالیف غفلت ورزیده وراه کج کرده اند وشاید امروز نیز باشند." خامنه ای که بخوبی از "خدشه دار شدن التزام به ولایت فقیه" واقف است، می پندارد "معدود نمایندگان راه کج کرده "کنونی همان لیبرالهای رانده ازمجلس سال ۶۰

بقیه در صفحه ۱۳

اعلامیه

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

بمناسبت

۱۱ دی ماه، روز شهدای راه کارگر

۱۱ دیماه روز تجدید پیمان با شهدای سازمان است. ما بدینوسیله به تمامی شهدای راه آزادی، انقلاب وسوسیالیسم درود میفرستیم ودر مقابل ایثار، فداکاری، شهامت وقهرمانی شان در پیکار علیه ستم واستثمار، سر تعظیم فرود می آوریم ویادشان را گرامی میداریم!

رژیم ددمنش جمهوری اسلامی از بدو حکومت ننگینش در دفاع از نظام بهره کشی با تهاجم به شوراها در شهر وروستا وپایمال نمودن کامل حقوق دمکراتیک مردم، به سرکوب جنبش کارگری وتوده ای پرداخت وبا اعمال وحشیانه ترین جنایات تاریخ بشریت دهها هزار تن از ارزنده ترین فرزندان مبارز، انقلابی و کمونیست را به جوخه های مرگ سپرد.

این رژیم ارتجاعی تاکنون نه تنها پاسخگوی ابتدائی ترین خواسته های توده ها نبوده، که نمی توانست جز گرانی، بیکاری، بی خانمانی، تشدید چپاول واستثمار، سوق دادن کشور بسوی تباهی وفلاکت، بی حقی عمومی، فرستادن خیل عظیمی از فرزندان طبقه کارگر وزحمتکشان به قتلگاههای خود، زندانها و جبهه های جنگ وسرکوب تشکلهای مستقل کارگری به ارمغان بیاورد!

در دوران سیاه حکومت اسلامی همواره مبارزه کارگران وزحمتکشان، کمونیستها، انقلابیون ومبارزین علیه رژیم ارتجاعی ادامه داشته وما نیز در سنگر راه کارگر برای رهائی طبقه کارگر وتوده های ستمدیده جنگیده ورفقای بسیاری را از دست داده ایم.

ما در این روز عهد می کنیم که راه رفقای شهید وکمونیستهای انقلابی کشورمان را ادامه داده وبا درس گیری از دلاوریهای انقلابی وتجارب کمونیستی آنها، ادامه دهندگان وفادار وخستگی ناپذیر پیکار انقلابی شان باشیم!

خانواده شهدا وزندانیان سیاسی!

راه نجات توده های کارگر وزحمتکش از ستم واستثمار وفقر وفلاکت فزاینده، راه جلوگیری از کشتارهای رژیم اسلامی ونجات جان زندانیان سیاسی، تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری رژیم شورائی است. مبارزات خودرا از طریق گسترش اتحاد وهمبستگی با تمامی خانواده های شهدا وزندانیان سیاسی هماهنگ کنید! تشکل خانواده شهدا وزندانیان سیاسی سنگری است برای دفاع از جان زندانیان سیاسی، افشاء جنایات جمهوری اسلامی در زندانها ورساندن پیام مقاومت وقهرمانی اسرای دربند بگوش توده ها! علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی مبارزه تان را تشدید کنید! بی تردید بار دیگر توده ها حصارهای زندانها را بر سر جلادان فرو خواهند ریخت وشعار زندانی سیاسی آزاد باید گردد، بر سراسر میهن بخون نشسته ما طنین خواهد افکند!

جاودان باد یاد تمامی شهدای انقلاب!

پیروز باد مقاومت قهرمانانه زندانیان سیاسی!

درود بر خانواده شهدا وزندانیان سیاسی!

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

شورای رهبری

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۱ دیماه ۱۳۶۸

جنبش چپ و فعالیت آتی ما

ازصفحه اول

بعلاوه، بی ارتباطی جنبش چپ با طبقه کارگر و زحمتکشان متحدوی، بی ریشگی و عدم نفوذش درمیان طبقه ای که خود را متعلق به آن میداند، وطبیعتا محرومیت این چپ انقلابی از تاثیرپذیری متقابل و بستر محک و اصلاح پراتیک تئوریهایش در وسعتی به بزرگی میدان عمل کارگران و زحمتکشان و در بستر یک فعالیت سیاسی جاندار، مزید بر علت گردیده و بیماریش را مزمن تر نموده است؛ به گونه ای که جنبش چپ ما تا حد فرقه های بسته و محافل در خود، که در فعل و انفعالات توده ای هیچگونه نقشی ندارد، تنزل نموده است.

البته در فعالیت سیاسی سازمانها و احزاب مختلف همواره گرهگاههای تئوریک در حوزه مسائل مختلف بروز کرده و می کند و هرگز نمی توان توقع داشت که برای یک حزب کمونیست توده ای و پرنفوذ که در حوزه تئوریک نیز موفق باشد چنین معضلاتی بروز ننماید. آنچه که می بایست مورد توجه ما باشد خود ویژگی و ضعفهای اساسی جنبش کمونیستی ماست. در همین رابطه باید پرسید که آیا گرهگاهها و معضلات برنامه ای، اساسنامه ای و تاکتیکی برای چپ انقلابی ایران به گونه ایست که می بایست اساسا معطوف به تئوری باشد؟ بعبارت دیگر، اکنون ما با یک دوره فعالیت تئوریک بعنوان مقدمه فعالیت سیاسی- توده ای مواجه ایم؟ آیا همین چپ انقلابی با مشخصات مفروض در بطن یک برآمد توده ای و با تنش ها و جنگ داخلی طولانی مدت در ایران امکان رشد سریع و جهش وارندارد؟

ازنظر ما ضمن آنکه سازمانها، گروهها و محافل کمونیستی می بایست حول مسائل تئوریک بیش از پیش متمرکز شده و موانع تئوریک شکل گیری حزب کمونیست را برطرف نمایند، از طرف دیگر لازم است که در شرایط ویژه امروز و در بطن بیماری عمومی که با شدت و ضعفی نه کیفیتا متفاوت همه سازمانها، گروهها و محافل چپ را بعنوان مجموعه های بی ریشه و بعنوان فرقه های بدون نفوذ در بین توده ها در آورده است) به امر فعالیت کارگری و کار درمیان توده ها بمثابه امری فوق العاده جدی و مهم توجه شود. در بین چپ ایران، خط و نشانهای معطوف به اجزاء برنامه- و نه مبانی برنامه ای- مناسبات سفت و خفه درون سازمانی و مراودات تنگنظرانه، اخلاقی، سکتاریستی و خودمحوربینانه مابین سازمانی در حوزه همکاریها، ائتلافها، تاکتیکها و سیاستها بعنوان مظاهر و وجوهات تام و تمام فرقه ایسم مورد پذیرش قرار گرفته اند. لیکن باید افزود که اگرچه تمامی اینها مظاهری جدی و اساسی از بینش و منش فرقه هامی باشند اما آنچه که ممیزه اصلی یک فرقه از یک سازمان و یا حزب توده ایست همانا بی اعتنائی و بی نیازی به توده ها و جایگاه و نقش آنها در معادلات سیاسی و سازمانی و در بهترین حالت کم توجهی و ناتوانی در امر توده ای شدن است. بهرحال آنچه نهایتا حاصل می آید برجای ماندن دستجات محصور در حصار، حصاری که مرز بین توده ها و فرقه هاست، میباشد. جنبش کمونیستی میهنمان امروزه می بایست بیش از پیش به این ضعف اساسی توجه نماید، بخش قابل توجهی از مراودات، برخوردها و مباحثات سازمانها، گروهها و محافل کمونیستی می بایست حول سازماندهی طبقه، کار توده ای و چگونگی حل این معضل، چه بلحاظ سیاسی و چه بلحاظ فنی- تکنیکی متمرکز شود.

امروزه در شرایطی که جنبش کمونیستی ما پس از پشت سرگذاری یک دورسطحی نگری و باروهای کپیه- بردارانه تئوریک از آموزگاران بزرگ مارکسیست- لنینیست و با درجاتی متفاوت از خراشهای انتقادی نسبت به الگوهای موجود احزاب در قدرت، معطوف به عمق میشود، تا وان بخش قابل توجهی از شیوه نگرش قبلی در کنار عوامل دیگر، همانا گرایش و سقوط لایه هائی به سوسیال دمکراسی و پاسیفیسم است. موج بی نظران و شک یافتگان جوینده نظر نیز که البته اهمیت خود و جایگاه خاص توجه خویش را دارد. آیا این همه با مباحث تئوریک اقناع خواهند شد؟ یا در کنار مباحث تئوریک وضرورت پاسخگوئی لنینی به مسائلی که امروزه اهمیت صدچندان یافته است، با رفع نواقص در حوزه نفوذ درمیان کارگران و زحمتکشان و سازمان دادن اقتدار آگاهانه درمیان طبقه، نتایج مورد نظر بدست خواهد آمد؟ اکنون دوره ایست که سوسیال دمکراسی بطور تجربی و خودبخودی و پیش از آنکه بلحاظ تئوریک قادر باشد آتشبار جدید و استدلالی قابل توجهی از خود به نمایش بگذارد، با همان خرده تئوریها- یش مارکسیسم لنینیسم را به جنگ طلبیده است. سوسیال دمکراسی نوپای ایرانی حتی قدرت آتشباری معادل همکیشان بین المللی چندین دهه پیش از این سرا هم از خودنشان نداده است. با اینهمه بعلت مجموع شرایط بین المللی و داخلی در سطح فعالین رفرمیست، که در حال پوست اندازی اند، و همچنین لایه های بمراتب کمتری از فعالین رادیکال جنبش چپ، جذبه یافته و در حال رشد است. چپ انقلابی باید قادر باشد که نه تنها در حوزه تئوریک قوی ترین نقاط قوت سوسیال دمکراسی را مورد حمله قرار دهد بلکه باید از طریق نفوذ درمیان کارگران و زحمتکشان و کار توده ای نیز وی را منزوی نماید، خوش خیالیست اگر فکر شود سوسیال دمکراسی در بین توده ها از زمینه های مساعدی برخوردار نیست. ارج و عظمت دمکراسی درمیان توده ها، ظاهرفریبی و شعارهای کاذب سوسیال دمکراسی در حوزه دمکراسی ناب، عقب ماندگیها و ضعفهای جدی چپ انقلابی، وامروزه تحولات جاری در کشورهای سوسیالیستی و کارنامه بوروکراتیک بسیاری از احزاب در قدرت، مجموعا امتیازاتی را به نفع سوسیال دمکراسی رقم زده است. با توجه به این ملاحظات، تاکید ویژه ما بر یکی از ضعفهای اساسی نیروهای کمونیست، یعنی فعالیت کارگری- توده ای، ضمن تمرکز بیشتر حول مسائل تئوریک، نه یک جانبه نگری بلکه پافشاری و تکیه هرچه بیشتر بر وجهی از فعالیت است که مورد کم توجهی واقع قرار گرفته. کمونیستها نه تنها می بایست در جنگ علیه رقبای فعلی پیروز شوند، بلکه این امر می باید با نقد و بررسی بیرحمانه عملکردهای فاجعه آفرین و با جبران اشتباهات و کج رویهائی باشد که بانام کمونیسم صورت گرفته است و اساسا اینکه پیروزی بر رقبا و جریانات انحرافی بدون این امر ممکن نخواهد بود، با نقد و بررسی گذشته و کاربست عملی و وفاداری کامل به نتایج برگرفته شده.

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ضمن آنکه بر اهمیت برخورد به مسائل تئوریک توسط سازمانها، گروهها، محافل و شخصیتهای کمونیست پای می فشارد، معتقد است که می باید به مسئله چگونگی پیوند با طبقه کارگر، بردن آگاهی سوسیالیستی و فعالیت معطوف به درون آنها، مضمون فعالیت کارگری و سازمان دادن طبقه توجه صدچندان بشود. می بایست حول این مسئله تمرکز ویژه ای بخرج داد و موانع موجود بر سر راه آنرا- که جدی و بسیارند- مورد بررسی و برخورد چندین و چندباره قرار داد. این آن چیزیست که ما در مورد کلیت جنبش چپ انقلابی معتقدیم و حتی اعتقاد داریم که پایبندی جدی و عملی در این راستا بایستی یکی از معیارها و ضوابط وحدت چپ در شرایط ویژه امروزی باشد.

یکی از موانع مهم در پیشبرد دو جانبه کار تئوریک و فعالیت کارگری بعنوان دو وجه برجسته از مجموعه وجوه فعالیت کمونیستها، همانا تکه پارگی سازمانها و محافل موجود است. این پراکندگی دردناک که ناشی از سطح بلوغ جنبش کمونیستی بطور عام و فرقه گرائی، ناتوانی و ندانم کاریهای سازمانها و گروه ها و رهبران آنها بعنوان تئوریزه کنندگان این بینش بطور خاص است، باعث گردیده که حتی در صورت اعتقاد عمیق به فعالیت کارگری- کمونیستی توسط هریک از سازمانها و محافل، بعلت مشکلات متعدد و محدودیتهای بسیار، هیچکدام نتوانند قدم جدی در راستای این امر مهم بردارند. از اینرو مجموعه ای از آنها که بلحاظ مبانی برنامه ای (و نه اجزاء خردوریز) در طیفی مشترک قرار دارند، بجای سازمان- دادن یک کارخانه بزرگ با تقسیم کار پیچیده و برنامه- ریزی شده که هم در حوزه تئوری و هم در حوزه فعالیت کارگری کارائی لازم را داشته باشند، به مانوفاکتورهای کوچکی شباهت دارند که حاصل کارشان چه بلحاظ کمی و چه بلحاظ کیفی در راستای وظائف تاریخیشان برای بسیاری از فعالین نیروهای مستعد نه جوابگوست و نه جاذب.

در بطن چنین اوضاعیست که ما به تدوین برنامه کار دوره ای مان می پردازیم. حقیقت آنست که مجموعه مسائل یادشده در بالا در مورد جمع ما نیز صدق می کند، تمرکز حول مسائل تئوریک، محدودیتهای کمی و کیفی و امکان سازی که باید از صفر آغاز شود، سازمان دادن ارتباطات و تدارکات و مالی و... باعث میگردد که خصلت این دور از فعالیتمان فراهم کردن این مقدمات در راستای فعالیت کارگری- سازمانگرانه باشد. ما بعنوان بخشی از نیروهای کمونیست که تعیین و تکلیف با بورژوازی خودی را وظیفه مقدم خود میدانیم، معتقدیم که از هم اکنون قطب نمای حرکتمان میبایست در جهت فعالیت کمونیستی درمیان کارگران باشد. اینکه چه وقت این مهم تحقق خواهد یافت، بستگی به تحلیلمان از توانمندی کمی و کیفی نیرو، تدارکات و مالی و همچنین احیای روابط و سرنخهای کارگریمان دارد. کنفرانس با ارزیابی از وضعیتمان، فعالیت اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) را به سه دوره تقسیم نمود. این سه دوره متاثر از ارزیابی مان از عوامل یادشده در بالا میباشد.

در رابطه با خطوط کلی دوره اول، باید بگوئیم که مرحله اول فعالیتمان با توجه به محل شکل گیری و اقدامات اولیه، دوره تثبیت سیاسی خود و اساسا تلاش در جهت ارتقاء کمی و کیفی، سازماندهی مالی، تدارکاتی

بقیه درصفحه ۲۰

ترس از انقلاب یا «پرسترویکا»ی دی کلرك

روزجمعه دوم فوریه درحالی که فریاد " Awandla Ngaweth " (همه قدرت به خلق) ده ها هزارکارگروزحمتکش درجلوی ساختمان پارلمان درفضاطنین افکنده بود، فردریك ویلم دی کلرك رئیس جمهوررژیم نژادپرست آفریقای جنوبی درپارلمان این کشورواقع درشهرکاپ رفرم های خودرابدون ذکرتاریخ اجرای آن اعلام نمود ۰ درراس این رفرم ها آزادی نلسون ماندلا پس ازبیش از ۲۷سال مقاومت درزندان رژیم نژادپرست پرتوریا قرارداشت ۰ علاوه برآن ،این رفرم هاموارد زیررانیز شامل میشد :

ـ آزادی کنگره ملی آفریقا ANC و۳۳سازمان دیگر،

ـ کاستن ازشدت وضعیت فوق العاده که ازسال ۸۶وضع شده است (ضمن تاکیدبراین که وضعیت فوق العاده همچنان برقوت خودباقی خواهدبود)،

ـ آزادی تمامی زندانیان سیاسی که جرم جنائی ندارند،

ـ محدودکردن حداکثرمدت مجازنگه داشتن بازداشت شدگانی که شاکی یامدرکی بر علیه آنها وجودندارد به شش ماه،

ـ لغومجازات اعدام ۰

سرانجام نلسون ماندلا ، سمبل مبارزه برای آزادی وعلیه نژادپرستی اکثریت سیاه پوست آفریقای جنوبی درروزیکشنبه ۱۱ فوریه درسن ۷۱سالگی اززندان آزادگردید ۰ آزادی ماندلا که محبوبترین چهره آفریقای جنوبی است ،قطعانه به خاطرآن بودکه وی مشهورترین زندانی دنیابحساب می آید،بلکه ازآن جهت رژیم پرتوریادست به این "اقدام شجاعانه " (عنوانی که بوش درگفتگوی تلفنی باکلرك به اقدام وی ودست زدن به رفرم های ذکرشده، داد ۰)زده است که رژیم نژادپرست درزندان ماندلاو ANC و جنبش هرروزاوج یابنده کارگران وزحمتکشان آن کشورقراردارد ۰

ماندلا درپیشگاه دهها هزارنفر ،که به هنگام آزادی به استقبال او آمده بودند،اعلام کرد که : "مبارزه تابراندازی آپارتایدادامه خواهدداشت ! " واین درحالی است که کلرك در سخنرانی خوددرهنگام اعلام رفرم های خودگفته بود : "زمان خشونت به پایان رسیده ودوران نوسازی وآشتی فرارسیده است ۰" دبیرکل Sicula ANC درپاسخ به رفرم های اعلام شده وموضع "آشتی "کلرك اعلام نموده بودکه:" مامبارزه خودمان را به اشکال قانونی وغیرقانونی، مبارزه سیاسی ومسلحانه پیش برده ایم وهمین شیوه رانیز ادامه خواهیم داد، چراکه تغییراساسی ایجادنشده است ! " وبالا رفتن میزان خرید اسلحه توسط مردم که توسط یك روزنامه لیبرال گزارش شده است حاکی ازپاسخ مناسب توده ها به این امرمیباشد ۰

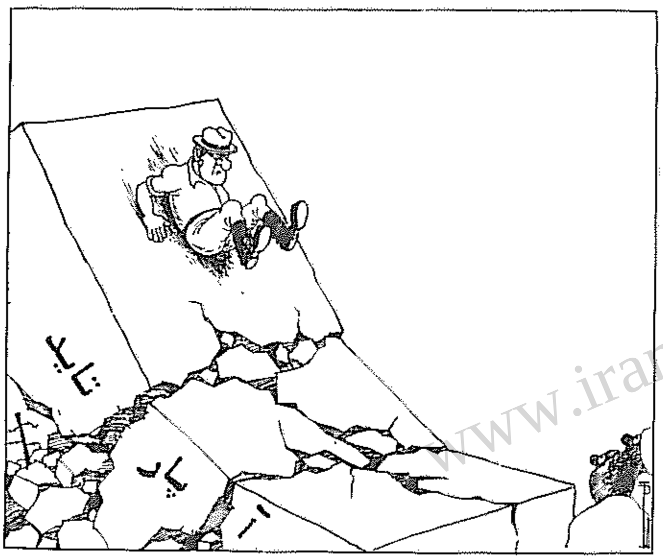
حال که خشم توده های بپاخاسته کارگروزحمتکش رژیم آپارتایدرابه عقب نشینی واداشته است ،امپریالیستهاکه تادیروزـ زمانی که حکومت نژادپرست باسیاستهای مافوق ارتجاعی خودزمینه های انزوای خودرافراهم می نمودـ ازتحریم نظامی واقتصادی افریقای جنوبی ـ حتی برای ظاهرسازی هم که شده ـ طفره می رفتندرابرآن داشته است تا پس ازمعلق زدنهای گذشته اکنون برسردعوت ازماندلا برای دیدارازیکدیگربه مسابقه برخیزند ۰

دراین میان حزب بغایت ارتجاعی محافظه کاربافراخوانی اعتصاب سراسری ویژه قصد مجبورکردن حکومت به برگزاری انتخابات جدیدرادارد وNP حزب ناسیونالیست درواکنش نسبت به اقدامات کلرك وبه گفته سخنگویش Koos van der Marwc هشدارداده است که مقاومت سفیدهاراعلیه این رفرم هاسازمان خواهدداد ۰ اودرروز ۷فوریه بخاطر زدن اتهام خیانت به کلرك ازپارلمان اخراج شد ۰ ودرروزشنبه ،روزاعلام تاریخ ازادی ماندلا، راسیستها درحالی که اکثرامسلح بوده ودرجلوی ساختمان دولت رژه می رفتند،تهدید نمودنددرصورتی که رژیم به رای عمومی سفیدهاگردن نگذاردست به مبارزه مسلحانه خواهندزد ۰

البته گروه هائی چون جنبش اینکاتا (Inkatha) به رهبری بوتلزی رئیس قبیله زولوهم که تاکنون بعنوان سازشکاران باحکومت پرتوریاعمل کرده اندوبمثابه مهره های امپریالیزم برای آلترناتیوسازی درمقابل ANC بکارگرفته می شدند ـ هرچندکه درمحاسبات اخیرامپریالیستهاجای چندانی نمی توانندداشته باشندـ همچنان به تلاش های خودادامه می دهندودرگیری خونین آنها بانیروهای ANC درروز دوشنبه ۱۲ فوریه یعنی یك روزپس ازآزادی ماندلا درده ناتال (Nathal)که بیش از ۵۰ کشته برجای گذاشت نشانگراین امراست ،اماواقعیت این است که افریقای جنوبی دربحران انقلابی به سرمی برد ۰وضعیت افریقای جنوبی وتصمیم رژیم نژادپرست به برخی رفرم هاازجمله آزادی زندانیان سیاسی ماراه به یادقیام بهمن واقدامات هراسان رژیم شاه قبل ازسرنگونی می اندازد ۰

اقدامات دی کلرك وپشتیبانی هراسان امپریالیستها ،این طرفداران دروغین دمکراسی، وحشت ازتحقق شعاریکدست توده ها "تمام قدرت به خلق " ،وحشت ازمواجه شدن باموزامبیك ،آنگولا وزیمبابوه ای دیگراست ۰ وحشت ازتبدیل افریقای جنوبی به "جمهوری دمکراتیك آزانیا " وخلاصه وحشت ازانقلابی است که آپارتایددرافریقای جنوبی این پایگاه اصلی امپریالیزم درمنطقه رابرانداخته وساختمان سوسیالیزم راآغاز نماید ۰ بایدگفت که آزادی ماندلا تنها باروحتر فشارتوده های کارگروزحمتکش بپاخاسته درافریقای جنوبی برعلیه رژیم پرتوریااست ۰

کنگره ملی آفریقا ANC نقش بسزائی درسازماندهی وهدایت مبارزات کارگران وزحمتکشان افریقای جنوبی علیه سیستم آپارتایدویا "توسعه جداگانه نژادها "* داشته است ۰ ANC مهمترین وبزرگترین سازمان سیاسی درافریقای جنوبی ،درسال ۱۹۱۲ به نام "کنگره ملی بومیان افریقای جنوبی جهت متحدکردن مبارزات سیاهان ومبارزه برای بهبودوضعیت اجتماعی واقتصادی آنان ومبارزه باتضادهای قبیله ای تشکیل شد ۰ تاسالهای ۵۰تنهامبارزه به شکل مسالمت آمیزرادنبال میکرد ۰ اماپس ازآنکه حکومت سرمایه داری انحصاری وحزب آن ("حزب متحد")که باتکیه براستخراج منابع ومعادن



طبیعی کشور (طلاوسنگهای قیمتی)ورشداقتصادمصرفی دراین کشورموجبات نارضایتی بورژوازی صنعتی وبخش کشاورزی رافراهم آورده بود،باائتلاف این ناراضیان باخرده بورژوازی سفیدوتشکیل حزب ملی گرا (ANC)درجریان انتخابات ۱۹۴۸ از حکومت برکنارمی شود ،وسیستم آپارتایدبمثابه یك سیستم حاکم باقوانین مافوق ارتجاعی اش حاکم میگردد، ANC باشعار "آفریقای جنوبی ازآن کسانی است که در آن زندگی می کنند " فعالیت خودراتشدیدکرده وبرای مبارزات سفیدپوستان علیه سیستم آپارتایدنیزاهمیت خاص قائل میشود ۰

خطوط اساسی برنامه ANC را "منشورآزادی "که درسال ۱۹۵۵در "کنگره خلق " بتصویب رسیده است تشکیل میدهد ۰ این خطوط عبارتنداز :

۱ـ پذیرش حکومت خلق ،

۲ـ برابری حقوق کلیه ملیتهای ساکن افریقا ،

۳ـ زمین ازآن کسانی است که برروی آن کارمی کنند،

۴ـ برابری دربرابرقانون ،

۵ـ برخورداری کلیه ساکنان ازحق کار ،مسکن وآموزش برابر ۰

متحداملی ANC حزب کمونیست افریقای جنوبی است که چندتن ازاعضای این حزب درارگان رهبری ANC فعالیت می کنندوجواسلوو،دبیراول آن عضودفترسیاسی ANC است ۰

حزب کمونیست درسال ۱۹۲۱ توسط جناح انقلابی کارگران سفیدپوست تشکیل شد ۰ ازسالهای ۳۰ به بعدبه نقش مسئله ملی وتبعیض نژادی درانقلاب افریقای جنوبی پی برد ۰ این حزب نیروهای محرکه انقلاب درافریقای جنوبی را " دهقانان سیاه پوست دراتحادوتحت رهبری طبقه کارگر " می داند ۰ شرکت حزب کمونیست درمبارزه سیاه

بقیه درصفحه ۱۶

* به نقل ازتئوریزه کنندگان این سیستم ۰



بازهم اتهام!

نشریه شماره ۷۱ بهمن ماه راه کارگر، ارگان محفل حاکم برسازمان، طی مقاله‌ای جدائی رفیق باباعلی وتعدادی رفقا را بفال نیک گرفته وفرصت را غنیمت شمرده تا "...دسته‌ای ازانحلال طلبان (فراکسیون "راه فدائی" سابق)" را به شیوه غیر سیاسی مورد اتهام شخصی قرار دهد وعقده‌های دیرینه فرقه‌ای خود را بشکل غیر شرافتمندانه ارضاء نموده ودرپس اتهامات، واقعیات یکدوره ازمبارزه برحق درون تشکیلاتی راه کارگر ودستاوردهای آنرا تحریف کند. ازاینرو لازمست که تحریفات محفل حاکم افشا گردد. مقاله مذکور دررابطه با رفیق باباعلی اظهار داشته: "...همین یکسال پیش خودش را "سخنگوی جناح چپ" سازمان لقب داده بود وزیر شعار "دمکراسی تشکیلاتی" و"سبک کار حزبی" انحلال طلبی را تبلیغ میکرد". پلاتفرم یکسال پیش رفیق باباعلی چه بود؟ ۱ـ نظر اقلیت طرح پیش نویس اساسنامه سازمان ودفاع ازاصلاح سبک کار حزبی ۲ـ افشاء درک لیبرال رفرمیستی اکثریت دفتر سیاسی ازمرحله انقلاب. دربرخورد به بحران تشکیلاتی گرایش چپ بدرستی برمبارزه ایدئولوژیک علنی بمثابه سلاح مبارزه علیه مقاومت فرقه‌ای ـ محفلی تاکیدکرده وحقانیت دفاع اش ازمبارزه ایدئولوژیک علنی وآزادی کامل مباحثه، لااقل درآراء شکننده نتیجه رفراندوم کذائی (که مطمئنا آب خواهد رفت) بخوبی نمایان است، وشکست گرایش انحرافی راست برنامه‌ای وانعکاس آن درتاکتیکها وسیاستهای ائتلافی بویژه دربرخورد به جریان کشتگر وسایر جریانات راست تاکنون برهمگان آنچنان آشکار گشته است که دیگر نیاز به بحث تفصیلی نیست. پس رفیق باباعلی هم نسبت به بوروکراتیسم محفل حاکم برسازمان وهم نسبت به گرایش راست آن درمبانی، یک گام پیش تربوده است. ازاینرو بطورتصادفی سخنگوی جناح چپ نشد! واما اینکه بعدا رفیق دچار لغزش هائی نظری گردیده، نمی توان خدمات بزرگ او را درافشاء راسترویها واپورتونیسم محفل حاکم انکار نمود. مابه مبارزات ر. باباعلی درراه کارگر ارج می نهیم ومعتقدیم که تمامی راه کارگریها باید چنین کنند! ماضمن اینکه نسبت به بخشی ازنظرات رفیق موضع داریم، بشیوه سیاسی بمسئله برخورد خواهیم کرد نه به سبک "خیلی حزبی" محفل موسوم به دفتر سیاسی راه کارگر! نسبت دادن "فرار اززیر پرچم وفرار ازمیدان مبارزه" به رفیق باباعلی، همچون اتهامات وافترائات بیشمار دیگری به رفقای ماست که توسط محفل مذکور سازمان داده میشود.

درمقاله مندرج در ارگان محفل حاکم آمده است که "...سازمان ما به انحلال طلبی راه نداد..." محفل حاکم که مثل جن ازبسم الله، از اراده توده‌های حزبی هراس داشت، ادعامی کند که **سازمان ما** به انحلال طلبی راه نداد، ولی این دروغ آشکاری است که نیروهای جنبش شاهد بودند که کوچکترین مراجعه به بدنه سازمان صورت نگرفت واجازه دخالت درکار "بزرگتر" به آنها داده نشد، ومعلوم میشود که منظور از **سازمان ما**، همان **محفل حاکم** است! بیچاره توده‌های حزبی که بنامشان چه‌ها نمیشود؟!

محفل حاکم که تبعیت اقلیت ازاکثریت را بمعنای اطاعت کورکورانه توده اعضاء ازمحفل حاکم می فهمد، اصل لنینی اتحاد درعمل وآزادی کامل مباحثه وانتقاد درحزب ـ"آزادی درنظر، وحدت درعمل" ـ را عمداً مساوی "امتناع اقلیت ازاجرای رای اکثریت" تفسیر می کند. طبیعتاً طرفداران اقلیت کمیسیون اساسنامه واقلیت جناح دفتر سیاسی، علیرغم درصد قابل توجه ورشد یابنده اش، درسایه "دمکراسی" اعطائی محفل حاکم برنشریه نمی‌توانند لب به سخن بگشایند وازمفهوم لنینی "اتحاد درعمل وآزادی درمباحثه وانتقاد" بشیوه حزبی دفاع نمایند، چراکه چماق عدم تبعیت اقلیت ازاکثریت برسرش فرود خواهد آمد!

محفل حاکم، که آب ازسرش گذشته، ابائی ندارد رفیق باباعلی را باکشتگر مقایسه کند. دراینجا باید به این محفل یادآور شویم که اگر رفیق باباعلی باشما درحوزه تاکتیکها در برخورد به جماعت کشتگر هم‌نظر بوده، شما درمجموع به طیف راست ارادت داشته‌اید. انصافاً باباعلی لااقل این برتری را برشما داشت که باعضوگیری عناصری که درلو دادن نیروهای انقلابی به رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی شرکت داشته‌اند مخالفت ورزد، درحالیکه بخشی ازشما موافق بودید! بنابراین دراین حوزه‌ها سخن کوتاه کنید! ما، با توجه به تجربیات وعواقب تاکنونی این قبیل برخوردهای خودمحوربینانه وفرقه‌ای، شما را به برخورد سیاسی و مسئولانه نسبت به مسائل جنبش دعوت می کنیم!

آرزوهای پابرجای «اکثریت»

همگی بیاد داریم روزی را که "اکثریت" بردرودیوار وبادرشت ترین خط ممکن یعنی تاحدی که "امام پیر" هم قادر به خواندنش باشد، می نوشت: "پاسداران را به سلاح سنگین مجهز کنید"! همگی بیاد داریم که چگونه "اکثریت" دربین حکومت وارتش وسپاه وارگانها، شب وروز دنبال جناح خط امامش میگشت تا درراستای انقلاب، "عزیزانش" را تقویت کند. چندسال پس ازآن قیل وقالها، یعنی پس ازآنکه سپاه مجهز به انواع سلاحها پشت دست "اکثریت" را داغ کرد وخط امام برایش خط ونشان کشید تا دیگر ازاین فرمایشات نکند، به نظر می رسد که جناب "اکثریت" هم بچه خوبی شده باشد، چون بهرحال به خودش زخم زده وبه بخشی از "اشتباهاتش" اعتراف کرده وهوادارانش راپی پاک کردن شعارهای درشت فرستاد، چراکه حضرت امام آنها را به اندازه کافی دیده بود. اما سوزش پشت دست اکثریت که فرونشست، پی گیری قباله‌های گذشته اش دوباره گل کرد و"اکثریت"، هرازچندگاهی یک بندحاجت دیگر به ضریح خط امام می بست تا شاید درغیاب امام، امامزاده‌ها شفا بدهند.

آخرین دخیل "اکثریت" "مقاله "ساختار نیروهای مسلح باید دمکراتیک وواحد باشد" مندرج درکار شماره ۷۰ آذرماه ۶۸ است. ارگان رسمی اکثریت ضمن بررسی بخشی ازتغییر وتحولات درارتش وسپاه نتیجه میگیرد که "به نظر ما، هم سیاست حفظ نهادهای موازی مسلح، سیاست شکست خورده‌ای است" که البته این موضوع را رفسنجانی هم می داند، ولی هرچه تلاش میکند نمی تواند این دونهاد موازی را به هم جوش بدهد" وهم امتناع ازجاری کردن روح دمکراتیک درمناسبات میان نیروهای مسلح وبی اعتنائی به خواست ترقیخواهانه پرسنل نظامی وانتظامی، سیاست فضاحت باری است". آخر تقصیر امامزاده‌ها نیست که معجزه نمیکنند، تقصیر ازنوع معجزات غیرقابل قبولی است که "اکثریت" طلب میکند. مثلا بهتر نیست که "اکثریت" ازحکومت می خواست که دست ازحکومت بردارد؟!! اینکه عملی تر ازدمکراتیزه کردن ارگانهای نظامی توسط رژیم است! تازه پس ازکناره گیری داوطلبانه حکومت اسلامی وبسته به حکومت بعدی، شاید بتوان "روح دمکراتیک درمناسبات میان نیروهای مسلح و..." را متحقق نمود!

مقاله درانتها اظهار اطمینان میکند که "نیروهای میهن پرست ارتش وسپاه علیه اهداف خودغرضانه سران رژیم برمقاومت خود خواهند افزود". اگر رفسنجانی این مقاله "اکثریت" را بخواند، خواهد گفت: اولا، این ارتش وسپاه درجنگ چندین ساله به اندازه کافی نشان دادند که "میهن پرستند" واین دلیل نمیشود که هرکس "میهن ـ پرست باشد" روح دمکراتیک درمناسبات میان نیروهای مسلح ارتش اسلام رابخواهد. نیروهای سپاه ازدم، همه اسلام رامیخواهند نه مناسبات دمکراتیک بین نیروهای مسلح را. ثانیا، خط امام درون سپاه همان خط امام دوران حیات حضرت امام است. هرکدام ازپرسنل سپاه خودشان یک امامزاده‌اند. این امامزاده‌ها شفا نمیدهند، دخیلت را جای دیگری ببند! امامگر "اکثریت" بااین حرفها ازپا مینشیند! باور نمی‌کنید؟ منتظر مقالات بعدی "اکثریت" باشید!

زنده باد آزادی! زنده باد سوسیالیسم!

کنفرانس نیروهای جداشده از سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) پس از ۸ ماه تدارك نظری وعملی، در دو بخش: بخش نخست درآذرماه وبخش پایانی در بهمن ماه امسال برگزارشد ۰ درنخستین بخش کنفرانس ـ که قبلا گزارش فشرده آن داده شد ـ ، مرزهای برنامه ای واساسنامه ای مان با جناح دفترسیاسی ترسیم گردید وقطعنامه راجع به انترناسیونالیسم پرولتری ، کشورهای سوسیالیستی وجنبش جهانی کمونیستی به تصویب رسید ۰ مصوبات و قطعنامه های قسمت دوم کنفرانس به قرار زیرند:

قطعنامه وحدت ـ قطعنامه درمحکومیت مشی راستروانه تاکتیکی جناح دفترسیاسی دربرخورد به احزاب غیرپرولتری ـ بحران تشکیلاتی ـ قطعنامه درباره چشم انداز آتی ووظایف ما ـ ضوابط مبارزه ایدئولوژیك علنی ـ حقوق اقلیت سازمانی درابرازمخالفت بانظرات رسمی و۰۰۰

کنفرانس پیام های زیررا تصویب نمود:

پیام به زندانیان سیاسی، خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی ـ پیام به کارگران وزحمتکشان ـ پیام به اعضا وهواداران راه کارگر و پیام به سازمانها، محافل و عناصر کمونیست و انقلابی ۰

مجموعه نتایج کنفرانس ما درهمین شماره اتحاد کارگران ازنظر خوانندگان می گذرد ۰

قطعنامه ها و مصوبات کنفرانس:

درباره
اساسنامه موقت

کنفرانس باتفاق آراء "طرح جدید اساسنامه" سازمان (نظر اقلیت کمیسیون اساسنامه) رامبنای کارخود قرار داد وباتصویب اصلاحاتی برآن، این اساسنامه اصلاح شده رابعنوان "اساسنامه موقت" تاکنگره سازمانی به تصویب رسانید ۰

اصلاحات مزبوربه ترتیب به قرار زیرند:

۱ـ عبارت "براندازی جمهوری اسلامی وپیکار برای دمکراسی نقطه آغاز این انقلاب است ۰" ازپاراگراف سوم مقدمه "طرح جدید اساسنامه" حذف گردید ۰ کنفرانس بااکثریت آراء حذف این جمله راباتوجه به صراحت یابی اخیرنظرات اکثریت دفترسیاسی که مبارزه برای دمکراسی وبرنامه حداقل رابه یك فازازمرحله انقلاب تبدیل کرده است ، ضروری تشخیص داد ۰ازنظرکنفرانس جملات ماقبل این عبارت بخوبی گویا هستند ۰

۲ـ ازماده ۱۱ (بخش مربوط به نحوه عضوگیری) ،عبارت: "امااین دوره درتشکیلات خارج ازکشورمی تواندتا سه سال افزایش یابد،" وازتبصره مربوط به این بندعبارت: "اماحداکثر دوره آزمایشی سه سال خواهدبود ۰" حذف میگردند ۰

عبارات فوق ازنظرکنفرانس اضافی تشخیص داده شده است ،واستدلالات این امربه قرارزیرندکه:

اولا: باتوجه به تبصره بند ۱۲، که احتمال لزوم تجدید دوره آزمایشی راپیش بینی می نماید؛

ثانیا: باتوجه به تبصره ۴بند ۱۱، که حق ك ۰م رابرای تغییرمدت دوره آزمایشی درفواصل کنگره ،باتوجه به شرایط ، محفوظ می داردواین تبصره خود ناظربراحتمال اتخاذسیاستهای دوره ای متفاوت می باشد؛

تعیین حدنصاب سه ساله برای خارج کشوراضافی است ۰

بنابراین ماده فوق همراه باتبصره ۱ مربوطه به صورت زیربه تصویب کنفرانس رسیدند:

"ماده ۱۱ـ طول دوره آزمایشی نامزدهای عضویت برای کارگران شش ماه و برای غیرکارگران یك سال است ۰"

"تبصره ۱ـ دوره آزمایشی درمورد افرادی که ازگروه ها وسازمانهای دیگربه سازمان می پیوندند،بسته به اوضاع واحوال مشخص و پیشنهادمعرف وتصمیم ارگان تصویب عضویت متفاوت است ۰"

۳ـ ازماده ۲۰ (بخش مربوط به ضوابط انضباطی): فرمول پیشنهادی اقلیت کمیسیون اساسنامه بخش دوم حذف میگردد ۰

این بخش ازاین ماده که به اعمال ضوابط انضباطی درمورد اعضای ك ۰م ۰ اختصاص دارد،حق اخراج اعضای ك ۰م راازسازمان با ۳/۴ آراء اعضا واعضای مشاورك ۰م ۰وکمیسیون کنترل مرکزی که همه اعضای مشاوردراین مورد ازرأی قطعی برخوردارخواهندبود،به رسمیت می شناسد ۰ اما ازآنجاکه اولا این ماده باضوابط سانترالیزم دمکراتیك مطابقت ندارد،به همین دلیل نیزنمی تواندجائی در اساسنامه داشته باشد، ثانیا اعضای ك ۰م ۰بوسیله کنگره انتخاب می شوندوکمیته مرکزی حق تعیین ترکیب اعضای خودراندارد، بنابراین ماده ۲۰ بصورت زیر مورداصلاح وتصویب قرارگرفت:

"ماده ۲۰ـ توبیخ وسلب مسئولیت ازاعضای ك ۰م ۰ دراختیارپلنوم کمیته مرکزی است ۰اخراج عضویامشاورك ۰م ۰وکمیسیون کنترل مرکزی (*) ازاختیارآت کنگره سازمان است ۰"

۴ـ قسمت دوم تبصره ماده ۲۳ حذف وعبارت دیگری جایگزین آن گردید ۰

این قسمت ازاین ماده ،اختیاروحق برگماری اعضای جدیدبرای ك ۰م تا ۱/۳ تعدادرابه کمیته مرکزی واگذارمی کند ۰به عبارت دیگراین تبصره اختیارتعیین ترکیب کمیته مرکزی رابرای اعضای ك ۰م بوجودمی آورد ۰حال آنکه تعیین اعضاء ك ۰م ۰واعضای مشاورآن تنها دراختیارکنگره سازمانی است ۰

بنابراین ازتبصره ماده ۲۳،عبارت زیرحذف گردید:

"درشرایطی که ترمیم ارگان کمیته مرکزی برای رسیدن به حدنصاب لازم مصوبه کنگره ازمیان اعضای مشاورمقدورنباشد، اعضای ك ۰م ۰می توانندتا ۱/۳ تعدادخود،اقدام به برگماری اعضای جدیدبرای ك ۰م ۰نمایند ۰"

وعبارت زیربعنوان جایگزین موردتصویب قرارگرفت:

"کنگره بتعداد ۱/۳ کل کمیته مرکزی اعضائی رابه عنوان مشاوردرك ۰م ۰ برمی گزیندکه کمیته مرکزی تنها ازمیان آنهامی تواندبه ترتیبی که درکنگره انتخاب

(*) کنفرانس باتفاق آراء ضمن پذیرش اصولیت "کمیسیون کنترل مرکزی" در اساسنامه معتقدبودکه ایجادنهاددائمی کمیسیون کنترل مرکزی باسطح فعلی رشدتشکیلاتی ماانطباق ندارد،وایجادیك دادگاه حزبی بمثابه نهادی غیردائمی راضروری تشخیص داد ۰

شده‌اندخودراترمیم‌نماید ."

طبیعی است درشرایطی که بدلائلی بخش اعظم اعضای کمیته مرکزی یا مشاورین منتخب کنگره غایب گردند، لزوم فراخوانی کنگره اضطراری برای تجدید انتخابات ودستیابی مجددبه حدنصاب لازم مطرح خواهدبود .

علاوه براصلاحات فوق در "طرح جدیداساسنامه" (نظراقلیت کمیسیون اساسنامه) وتصویب آن، کنفرانس تدوین وتصویب قوانین وآئین‌نامه‌هائی رادر رابطه با:

۱ـ ضوابط مبارزه ایدئولوژیک علنی،

۲ـ وظائف دادگاه حزبی که درحال حاضر، متناسب باسطح رشدتشکیلاتی مان بجای کمیسیون کنترل مرکزی برمی‌گزینیم،

۳ـ شکل فعلی رهبری تشکیلات ونحوه تقسیم کاردرونی

دردستورکارخودقرارداد .

راجع به اختلافات برنامه‌ای

ازآنجاکه کنفرانس قصدنداشته است تابه تمام اجزاء ومسائل برنامه‌ای بپردازد، ازاینروطبق مصوبه مجمع نمایندگان تنهانظرش راحول ۲ مسئله اساسی مورداختلاف ابرازداشت . این ۲محورعبارت بودنداز:

الف : صفبندی نیروهای انقلابی درمبارزه برای تحقق جمهوری دمکراتیک خلق،

ب : رابطه جمهوری دمکراتیک خلق بادیکتاتوری پرولتاریا .

کنفرانس پس ازبحث مکفی حول این دومحورمباحثه جمعبندی خودرابه شرح زیراعلام داشت :

۱ـ پرولتاریا، نیمه پرولتاریاوخرده بورژوازی شهرو روستا (لایه میانی) نیروی محرکه انقلاب برای تحقق جمهوری دمکراتیک خلق بوده که ستون فقرات ونیروی هژمونیک آن پرولتاریاونیمه پرولتاریاست،

۲ـ خرده بورژوازی به خودی خودنه ویرانگر نظام بهره‌کشانۀ سرمایه‌داریست ونه سازنده سوسیالیسم، لایه هائی ازآن پس ازتجزیه طبقاتی که به سمت پرولتاریامیگرایندردوران انتقال به اعتبارپرولتاریاونقش هژمونیک آن باوی همراه میگردند .

۳ـ خرده بورژوازی فوقانی درروندمبارزه برای تحقق جمهوری دمکراتیک خلق موضعی متزلزل وبخشاً ضدانقلابی دارد .

۴ـ مضمون مرحله انقلاب برنامه انتقالی وسمتگیری سوسیالیستی است و دولت جمهوری دمکراتیک خلق دولت نوع پرولتریست ونه شکلی ازدیکتاتوری پرولتاریا .

قطعنامه راجع به انترناسیونالیسم پرولتری، کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی

نظربه اینکه :

۱ـ ارزیابی مجدداین موضوع به دوره مباحثات برنامه‌ای، تدارک قبلی و اختصاص زمان کافی برای نیروهای تشکیلاتی مشروط می باشد،

۲ـ بازبینی درک ماازانترناسیونالیزم پرولتری بمثابه یکی ازپایه‌های وحدت حزبی مادرصلاحیت کنگره سازمانی است، کنفرانس اعلام میداردکه تم مزبورازدستورکارکنفرانس حذف وبه کنگره سازمانی موکول میگردد .

وازآنجاکه مبانی تاکنونی ماپاسخگوی تحولات اخیردراین کشورهانمی باشد، کنفرانس بحث حول این موضوع رادردستورمباحثات پیشاکنگره قرارمیدهد .

امادرمرزبندی بامشی مصلحت گرایانه وپراگماتیستی تاکنونی د.س.ـ توانیم دراتحادبادستاوردهای سوسیالیزم ومبارزه بانقصانهای موجوددر کشورهای مذکور، چارچوب موضع گیریهای آتی مان رامعین کنیم .بنابراین کنفرانس مقررمیداردکه :

الف ـ ماازجنبش های کارگری دراین کشورها، درجهت : گسترش دمکراسی سوسیالیستی وآزادیهای وسیع سیاسی ومدنی وبهبودسطح معیشت درراستای نظام شورائی ودیکتاتوری پرولتاریاونهایتاانتقال قدرت ازدست حزب به طبقه دفاع می‌کنیم وهم چنین پیشگامی ویاهم سوئی آن دسته ازاحزاب حاکم راکه برای متحقق ساختن این اصلاحات می‌کوشند، موردحمایت خودقرارمی دهیم .

ب) ماخواهان اصلاحات عمیق اقتصادی ـ سیاسی واجتماعی دراین کشورها هستیم ومعتقدیم که تنهااصلاحات عمیق سیاسی به مفهوم گسترش ونهادی کردن دمکراسی سوسیالیستی، دخالت مستقیم طبقه کارگروتوده‌هادراداره دولت و جامعه، متضمن پیروزی هرگونه اصلاحات دیگردرعرصه‌های اقتصادی واجتماعی است .

ج) ماباهرگونه سیاست ویاجنبش هائی که بعنوان آلترناتیودول حاکم قصد لیبرالیزه کردن حیات سیاسی، تقویت ویااحیای پارلمانتاریسم واحیای سرمایه‌داری رادارندمرزبندی داشته ومعتقدیم که سیاست مستقل کمونیستی تنهاوتنها مبارزه برای دیکتاتوری پرولتاریابه مفهوم حاکمیت واعمال اراده کل طبقه ـ حاکمیت شوراها، مبارزه برای دمکراسی وسیع سوسیالیستی به مفهوم نظام شورائی درتمامی سطوح وارگانهای اداری ونظامی وآزادیهای وسیع وبی قیدوشرط سیاسی ومبارزه برای پابرجائی وشکوفائی نظام سوسیالیستی است .

د) ماسیاستهای کشورهای سوسیالیستی دردفاع ازمبارزات پرولتاریای جهانی، مبارزه مشترک علیه امپریالیزم، جنبش های رهائی بخش وصلح جهانی را موردحمایت قرارداده وآن سیاستهائی که مغایرباوظائف انترناسیونالیستی این کشورهادرقبال انقلابات ویاجنبش های رهائی بخش بمثابه حلقات مقدم انقلاب جهانی هستندرامحکوم می‌کنیم .

بنابراین سیاست مادرقبال احزاب حاکم برکشورهای سوسیالیستی اتحادو مبارزه سیاسی ـ ایدئولوژیک است .

بحران تشکیلاتی

بحران درتشکیلات راه‌کارگربراثرمحفلیسم وفرقه‌گرائی بربسترساختار فوق سانترالیستی تشکیلات بوده است .

رهبری تشکیلات بامسخ تئوری لنینی تشکیلات، متناسب بامنافع فرقه‌ای وفوق‌ـ سانترالیستی واهداف سیاسی خود، باتقسیم کردن تشکیلات به دوبخش فعالین وتوده منفعل ومجری وباعدم بکارگیری اصول سانترالیزم دمکراتیک درمناسبات تشکیلاتی وسبک کار، با :

۱) عدم اعتقادبه رهبری وخردجمعی درتشکیلات، نقش ویامسخ انتخاب کردن وانتخاب شدن درارگانهای سطوح پائین وبویژه عدم انتخابی بودن ارگان مرکزی وملاک قراردادن آشنائیهای دیرینه واعتمادهای محفلی؛

۲) عدم وجودآزادی کامل مباحثه وانتقادآشکارازتصمیمات حزب درچارچوب برنامه واساسنامه سازمان، جایگزینی سازش ایدئولوژیک بجای مبارزه ایدئولوژیک دربالا، بی‌نظری درپائین وبی‌توجهی به ارتقاء سیاسی ـ ایدئولوژیک اعضاء وتوجیه اعضاء باتنهانظررسمی (که آلوده به گرایشات راست وسانتریستی نیزبوده است)؛

۳) جاری نکردن انتقادوانتقادازخودکمونیستی به مفهوم نقدوبررسی کارکرد

ارگانها و افراد در تمامی سطوح، به قضاوت گذاری هرچه وسیعتر و کاربست نتایج آن؛

۴) عدم برگزاری کنگره‌ها و کنفرانس‌ها به مفهوم اعمال اراده توده‌های سازمانی در تصمیمات و مصوبات حزبی و عدم امکان حسابرسی و کنترل از عملکردها و سیاستهای بین دوره‌ای رهبریت در فاصله مجامع سراسری حزبی و بکارگیری توجیهاتی از قبیل امنیتی و تدارکاتی در این رابطه؛

۵) انکار هرگونه حق اعضای سازمان در ابراز نظراتشان و محروم ساختن اقلیت از حقوق سازمانی خویش؛

۶) جایگزینی سیستم بوروکراتیک لیبرالی بجای نظم آگاهانه، بی‌حقی عمومی را عملا تثبیت نموده و بوروکراتیسم را در تشکیلات سازمان داده است.

انشعاب در سازمان ما نیز معلول عوامل ذکر شده در بالا به مثابه مهمترین ریشه‌های بحران و پافشاری رهبری در پاسداری و حراست از آنان بوده است.

● ارزیابی ذکر شده در بالا درباره بحران تشکیلاتی مورد تصویب کنفرانس قرار گرفت. علاوه بر آن و در ارتباط با آن در مورد رابطه مضمون فعالیت با سبک کار غیرکمونیستی دو نظر مطرح بود: نظری که منشاء بحران را سبک کار غیرکمونیستی و مضمون فعالیت پوپولیستی می‌دانست و نظر دیگر که بحران را محصول تضاد سبک کار غیرکمونیستی و مضمون فعالیت کمونیستی ارزیابی می‌نمود، که نهایتا هیچیک از دو نظر از اکثریت مطلق آراء برخوردار نگردید.

قطعنامه وحدت

درشرایط کنونی که،

۱) مبارزات پراکنده و کم‌دامنه کارگری و توده‌ای در کنار وضع بغایت نابسامان اقتصادی و سیاسی رژیم اسلامی هرچه بیشتر حضور فعال و مؤثر کمونیستها را در روند این مبارزات می‌طلبد؛

۲) فقدان آلترناتیو قدرتمند برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق از طریق غلبه بر تشتت و پراکندگی موجود در جنبش کمونیستی ایران هر روز محسوس‌تر می‌گردد؛

۳) با به بن بست رسیدن درکهای انحرافی از سوسیالیزم در کشورهای سوسیالیستی و احزاب دنباله‌رو و بحرانی شدن این کشورها و احزاب مزبور فضائی مناسب‌تر از گذشته برای سوسیال دمکراسی و انواع و اقسام انحرافات از مارکسیسم ـ لنینیسم انقلابی فراهم آمده است، و به همین دلیل نیز بیش از هر زمان دیگر نیاز به متمرکز ساختن نیروها و امکانات کل جنبش کمونیستی ایران برای متحقق نمودن امر سازماندهی طبقه کارگر بمنظور کسب قدرت سیاسی وجود دارد؛

۴) تمامی شواهد حکم بر ناتوانی فرقه‌ها در پاسخگوئی به وظیفه مبرم سازماندهی و هدایت جنبش کارگری و ضرورت وحدت در جنبش کمونیستی و تشکیل حزب واحد طبقه کارگر می‌دهند؛

کنفرانس ضمن تصریح مجدد مبانی وحدت ما ـ علیرغم اختلاف نظراتی که بین ما و سایر جریانات چپ انقلابی ایران حول این مبانی وجود دارد ـ آمادگی خود را برای مذاکره با تمامی سازمانها و جریانات و محافل کمونیست که چارچوب های ذیل مورد پذیرش آنهاست، برای از میان برداشتن موانع نظری و عملی وحدت، اعلام داشته و شورای رهبری را موظف می‌دارد تا با جریاناتی که اعلام تمایل می‌نمایند وارد مذاکره شود:

مبانی وحدت ما

مبانی وحدت ما، که همان اصول و بنیادهای برنامه‌ای و اساسنامه‌ای هستند، عبارتند از:

۱ـ اعتقاد به دیکتاتوری پرولتاریا و مبارزه برای سازماندهی قدرت پرولتری؛

۲ـ اعتقاد به اجتماعی (ضدسرمایه‌داری) بودن انقلاب آتی ایران با وظائف معوقه دمکراتیک، دولت نوع پرولتری و انتقال بی‌وقفه به سوسیالیزم، و در این راستا سازماندهی هژمونی پرولتاریا بمنظور تحقق نظام شورائی؛

۳ـ تاکید بر سازماندهی عملی طبقه کارگر برای کسب قدرت سیاسی از طریق:

الف ـ تاکید بر تشکیل حزب واحد طبقه کارگر بر مبنای درک لنینی از حزب، که بر اساس سانترالیزم دمکراتیک (۱) سازمان می‌یابد،

ب ـ تلاش برای دست یابی طبقه کارگر به تشکلهای مستقل طبقاتی خود و هدایت این تشکلها،

ج ـ سازماندهی هژمونی طبقه کارگر در تشکلهای توده‌ای؛

۴ـ ارتجاعی و ضدانقلابی دانستن رژیم جمهوری اسلامی در تمامیت آن،

۵ـ اعتقاد به انترناسیونالیزم پرولتری (۲).

زیرنویس

(۱) درک لنینی از حزب و سانترالیزم دمکراتیک به معنای اتحاد در عمل و آزادی کامل مباحثه و انتقاد تاکنون در مباحثات ما پس از بحران و انشعاب تحمیلی مطرح گشته که تبلور آن در اساسنامه موقت مصوبه کنفرانس اخیر ما و در آئین‌نامه‌های مربوطه منعکس است.

(۲) از سه جزء انترناسیونالیزم پرولتری مورد اعتقاد ما، محور کشورهای سوسیالیستی اکنون جزو مباحثات ماست که با تحولات اخیر در کشورهای سوسیالیستی نیاز به برخورد و موضعگیری صریحتر دارد و از نظر ما تا کنگره سازمانی باز است و طبعا باید بعنوان یکی از محورهای مورد مباحثه مطرح باشد. طبیعی است مواضع سیاسی ما حول این محور مبتنی بر قطعنامه "راجع به انترناسیونالیسم پرولتری، کشورهای سوسیالیستی و جنبش جهانی کمونیستی" مصوبه در کنفرانس ماست.

قطعنامه در محکومیت مشی راستروانه تاکتیکی جناح دفتر سیاسی در برخورد به احزاب غیرپرولتری

نظر به اینکه:

الف ـ سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ـ جناح دفتر سیاسی ـ در انطباق با نگرش خود از مرحله انقلاب و نیروهای محرکه آن، مبارزه برای برنامه انتقالی (جمهوری دمکراتیک خلق) را بمثابه هدف فوری پرولتاریا در انقلاب عملا حذف نموده و مبارزه در چارچوب مطالبات بورژوا دمکراتیک (برنامه حداقل) را هدف فوری خود قرار داده است و از این رو ضرورت ائتلاف با کل خرده بورژوازی بر محور دمکراسی را طرح نموده است؛

ب ـ مشی راستروانه جناح دفتر سیاسی در قبال برخورد به احزاب غیرپرولتری در انطباق با جبهه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی (جبهه دمکراتیک ـ ضدامپریالیستی) بوده که بازتاب عملی خود را در قبال سازمان فدائیان خلق (کشتگریها)، بشیوه خزنده، شرمگینانه و نوسانی نشان داده است؛

ج ـ اصلاح و تدقیق درک ما از مرحله انقلاب ضرورت بازبینی و اصلاح شیوه برخورد به احزاب غیرپرولتری و سیاستهای ائتلافی ما را فراهم میاورد؛

بنابراین کنفرانس اعلام میدارد:

۱ـ وظیفه اساسی و حیاتی ما ـ منطبق با درک ما از مرحله انقلاب و نیروهای محرکه آن و نیازهای امروز جنبش طبقه کارگر ـ ایجاد بلوک انقلابی دمکراتیک، از نیروهائی است که ظرفیت مبارزه برای آلترناتیو حکومتی (جمهوری دمکراتیک خلق با برنامه انتقالی) را دارا می‌باشند، و هیچ ائتلافی و یا جبهه‌ای نباید اهمیت و تشکیل بلوک انقلابی ـ دمکراتیک را تحت الشعاع قرار دهد.

۲ـ ایجاد بلوک برای سرنگونی و آلترناتیو حکومتی با لیبرال دمکراتها بلحاظ اصولی مجاز نیست چراکه بلوک سرنگونی نمی‌تواند از آلترناتیو حکومتی (بلوک جانشینی) جدا باشد، حال آنکه آنان فاقد ظرفیت مبارزه حول پلاتفرم انقلابی می‌باشند.

اما می‌توان در پاسخگوئی به الزامات مبارزات دمکراتیک توده‌ای و در راستای منافع

جنبش طبقه کارگر، اتحادعمل های مشروط، موردی وحول مطالبات معین راباارزیابی مشخص سازمان داد، ولی اصولیت اتحادعمل های موردی بااین طیف دلیل برمجازبودن این امردرشرایط مشخص نیست.

بعبارت دیگرهرچندکه کمونیستهامبارزه درکنارلیبرال دمکراتها (طیف توده ای)و سوسیال دمکراتهارابرای اجزائی ازمطالبات حداقل غیراصولی تلقی نمی کنند،ولی مجاز بودن آن رامشروط به ارزیابی ازشرایط مشخص مبارزه طبقاتی ومنافع جنبش کارگری می نمایند.

درشرایط کنونی که :

اولا : کمونیستهاوانقلابیون دمکرات هنوزفاقدجبهه ای پایداربرای سرنگونی و آلترناتیوحکومتی اند؛

ثانیا : سازمانهای چپ انقلابی ودمکرات ازفقدان پیوندلازم بامبارزات انقلابی ـ دمکراتیک کارگران وزحمتکشان رنج می برند؛

ثالثا : اتحادعمل هاوائتلافهای موجودنیزعمدتانه ازبسترواقعی مبارزات کارگران وزحمتکشان ومنتج ازنیازهای واقعی جنبش، بلکه منافع واهداف فرقه ای فِرَق گوناگون رادنبال کرده وازخصلت فرقه ای برخوردارند؛

رابعا :اتحادعمل بالیبرال دمکراتهادرخدمت تطهیرمشی خیانتبارشان وخدمتگزاری به سوسیال دمکراسی قرارمی گیردتاتقویت مبارزه دمکراتیک توده ای وایجادآلترناتیو انقلابی درمبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی ، ماباطیف رفرمیست وسوسیال ـ دمکرات که برنامه شان نه انقلاب بلکه رفرم، نه نفی حاکمیت درکلیت آن، بلکه چشم دوختن به بخشی ازاقدامات وجناحهائی ازآن است مرزبندی قاطع داشته وتشکیل هیچگونه جبهه واتحادعملی راباآنهامتصورنمی دانیم.

۲ـ اعمال "بایکوت " درموردجریانات سیاسی راغیراصولی دانسته ومعتقدیم که این امررامی بایست بامقولات ائتلافی وسیاست دوره ای پاسخ داد.علیرغم درك اخلاقی ومنزه طلبانه جاری درجنبش چپ ایران ، انتقادازخودهرنیروئی رادرقبال همکاری باجمهوری اسلامی وگذشته خیانتبارشان مشروط به آنکه این انتقادازخود ریشه ای ،بینشی وبرنامه ای باشد (ونه هرانتقادازخودبدون توجه به زاویه نقدوجهت گیری بعدی آن) مثبت ارزیابی کرده وازپیوستن نیروهای بینابینی ومتزلزل به صف انقلاب استقبال می کنیم، وهرگونه انتقادازخودناقص وفرصت طلبانه که تاسطح نقدپایه های نظری وبرنامه ای نباشدراافشاء می نمائیم (ازجمله انتقادازخودسازمان فدائیان خلق ایران که باحفظ پایه های نظری به منجلاب سوسیال دمکراسی سقوط کرده است) .

شرط رهبری سازمان درموردرفع "بایکوت "ازسازمانهای طیف راست مبنی بر آنکه "اعلام بدارندجمهوری اسلامی ازابتداضدانقلابی بوده " راشرطی غیراصولی می دانیم،کمااینکه حزب دمکراتیك مردم ایران که صریحابه این امراعتراف کرده وسازمان فدائیان خلق که به شکل غیرصریح به این امراقرارنموده است ،بخودی خودمثبت نبوده وزاویه نقداین جریانات نشاندهنده حفظ موضع اپورتونیستی گذشته درپوششی دیگر است.

ازاینرو، سیاست ائتلاف باسازمان فدائیان خلق (کشتگریها)و"رفع بایکوت " ازاین سازمان بخاطرمضمون راستروانه تاکتیکی اش وبخاطرمغایرت بامشی کمونیستی دربرخوردبه احزاب غیرپرولتری نادرست بوده است.

قطعنامه درباره چشم انداز آتی ووظائف ما

نظربه اینکه :

الف ـ بامرگ خمینی بمثابه میانجی ذینفوذ (اتوریته) دربین جناحهای رژیم اسلامی، "بحران حکومتی " تشدیدگردیده است ، واین جنگ قدرت دربالا هرروز مشهودترمیگردد؛

ب ـ باتشدیدبحران دربالا برزمینه نارضایتی های عمومی (زندگی وخیم اقتصادی سیاسی ـ دمکراتیك ومدنی توده های مردم)، بروزاعتراضات واعتصابات حرقه هائی دربین توده های زحمتکش وسایراهالی لایه های اجتماعی اجتناب ناپذیرگردیده و در این دورنیزماشاهدبرخی ازاین حرکات وجنبش های اعتراضی بوده ایم؛

ج ـ ازنظراقتصادی ، ایجادتحرك دراقتصادونتیجتاحل بحران، ازیکطرف بخاطر بالاگرفتن جنگ قدرت دربالا برسرحکومت وامتناع بخش خصوصی (باوجودانباشت بی سابقه نقدینگی دراین بخش) ازسرمایه گذاری درتولیددرراستای متحقق ساختن امر "بازسازی " واکتفاکردن آن به کسب امتیازات ،وازطرف دیگر (ومهمتر)بخاطر، عمق بحران وخیم اقتصادی وفقروفلاکت توده ای درچشم اندازنزدیك، نامحتمل است ؛

لذا، دردورآتی ماهمچنان شاهدگسترش حرکات ، اعتراضات واعتصابات توده ای خواهیم بود.

امااز آنجاکه :

۱)آلترناتیوواقعی وسازمانگرانه اعتراضات توده ای وجودندارد وسازمانهای انقلابی نیزفاقداتوریته وتوان لازم برای مداخله مؤثردرهدایت جنبش های اعتراضی اند؛

۲) طبقه کارگرایران که رسالت رهبری انقلاب آتی رابعهده دارد،ازتشکل و آمادگی لازم برخوردارنیست ؛

۳) رژیم ازلحاظ قوه قهریه (سپاه ،ارتش ،ساواما، بسیج وکل جیره ومواجب ـ بگیران خود)،ازآمادگی نسبی درمقابله باجنبش های کارگری، توده ای ونیروهای انقلابی برخورداراست ؛

۴) بخش مهمی ازاپوزیسیون بورژوائی (یعنی بخشی ازبورژوازی بزرگ که در جریان انقلاب وبدنبال شاه ازایران گریخت ، طیفی ازلیبرالهاوسوسیال دمکراتها) وهمچنین بخشی ازسوسیال رفرمیسم، چشم به روندتحول این رژیم دوخته ودراین تحولات خودراذینفع می بینند (وبه آن کمك نیزمی نمایند)؛

۵) درمقیاس بین المللی، الف :علیرغم سنگ اندازی حزب الله وعلیرغم عدم وجودامنیت کافی برای سرمایه گذاری های گسترده امپریالیستها د رایران ،عموم محافل امپریالیستی ازموجودیت این رژیم دفاع میکنندوهمچنین روند استحاله در این رژیم رامطلوبترین روندتحولات میدانند، ب : اتحادجماهیرشوروی ودیگر کشورهای سوسیالیستی نیزازموجودیت این رژیم دفاع می نمایندوضمن ترك مخاصمه طبقاتی درمقیاس بین المللی ،همچنان برای حفظ "تعادل قوا " دارای مناسباتی دوستانه باجمهوری اسلامی هستند؛

لذا،

تحولات آتی (قریب الوقوع)، تحولاتی بنیادی (یاتحولی که درآن طبقه کارگرویا چپ درآن هژمونی داشته باشد)نخواهدبودوخصیصه اصلی اعتراضات آتی ،همانا کم دامنگی وپراکندگی آن خواهدبود. وروندتحول تدریجی رژیم بناپارتیستی ـ مذهبی جمهوری اسلامی به یك رژیم حتی الامکان متعارف بورژوائی روندی دردناك ،طولانی وپرتنش خواهدبود.

درچنین شرایطی که بویژه طبقه کارگرازتشکل وآمادگی لازم برخوردارنیست ،حتی درصورت تبدیل احتمالی "بحران حکومتی " به اعتلا وموقعیت انقلابی ،تصرف قدرت سیاسی بوسیله چپ امکان پذیرنخواهدبود (مگرآنکه درمسیریك جنگ داخلی طولانی قراربگیریم). دراین رابطه بایدچپ انقلابی به سبك کاروشیوه فعالیت تاکنونی خودپایان دهدودرجهت فعالیت کمونیستی ـ کارگری گام گذارد.

بنابراین وظیفه اساسی ماعبارت خواهدبوداز :

الف)سازماندهی مستقل طبقه کارگروپی ریزی وتدارك ایجادحزب واحدطبقه کارگر؛

ب) تلاش درجهت ایجادآلترناتیوی نیرومندوواقعی ازطریق ایجادبلوکی انقلابی ـ دمکراتیك بمنظور مداخله مؤثروهدایت جنبش های کارگری ـ توده ای از طریق تبلیغ وترویج وسازمانگری حول مطالبات پایه ای کارگران وزحمتکشان وبرنامه انتقالی؛

ج) تشدیدمبارزه درجهت سرنگونی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی وبرقراری جمهوری دمکراتیك خلق .

ضوابط مبارزۀ ایدئولوژیک علنی

برای کمونیستهاسانترالیزم دمکراتیك متضمن رابطه ارگانیك وزنده رهبری با توده های سازمانی، وهمچنین حزب باتوده طبقه است ،واین تنهاراه دستیابی به حزبی توده ای وتشکیلاتی لنینی باانضباط آهنین است .

وجوداصل سانترالیزم دمکراتیك به مفهوم اتحاددرعمل وآزادی درمباحثه و انتقاددردرون سازمان ،بخودی خودمتضمن پذیرش آزادی کامل مباحثه وانتقادآشکار ازتصمیمات حزب درچارچوب برنامه واساسنامه سازمان است .

اماجاری شدن مباحثات علنی ایدئولوژیك درسازمان، همانندسایرامورجاری زندگی حزبی، بایدازضوابط معینی تبعیت کندتااجراء، حسابرسی وکنترل آن نیز امکانپذیرگردد. این ضوابط به‌قرارزیرند:

۱ـ حق هرعضو درابرازنظر

ابرازمخالفت بامواضع رسمی سازمان، حق انکارناپذیرهرعضوسازمانی است. ازاین روکنفرانس مقررمی داردتاصفحاتی ازارگان مرکزی بدین منظوراختصاص یابد.

۲ـ سازمان دادن مبارزه‌ایدئولوژیك علنی درسازمان

الف ـ قبل از اخذتصمیمات سازمانی بایدمباحثات باشرکت وسیعترین تعداد ممکن ازاعضاء سازمان داده شود.

ب ـ پس ازاخذتصمیمات سازمانی ودرفواصل کنگره‌هاوکنفرانس‌های سراسری، کمیته‌مرکزی (شورای رهبری) موظف است پیشنهادات رسیده‌برای گشایش مباحثات رابه‌اطلاع اعضاءتشکیلات برساند، ودرصورت درخواست $\frac{1}{3}$ ازاعضاء، مباحثات مجددعلنی حول‌تم‌موردتقاضاراسازمان دهد.

۱ـ کنگره‌هاوکنفرانس‌های سراسری می‌توانندتم هائی راجهت مباحثه‌در دوره‌آتی تعیین نمایند. حدنصاب لازم‌برای تصمیم‌گیری جهت جاری نمودن مباحثه ایدئولوژیك حول‌هرتم معین، همانندسایرتصمیمات سازمانی، اکثریت مطلق آراء است. تنهاپس‌ازپایان مباحثات اولیه‌وپس ازاخذتصمیم‌سازمانی وبعبارت دیگر تنهاپس ازشکل‌گیری اقلیت سازمانی، ودررابطه‌باگشوده‌شدن مباحثات مجدد، درخواست $\frac{1}{3}$ اعضای حاضردرجلسه‌برای دردستورمباحثه‌قرارگرفتن تم‌مزبورکافی است.

تبصره: بدیهی است که‌کمیته‌مرکزی (ش.ر.) بمثابه‌ارگان رهبری تشکیلات درفواصل کنگره‌هاویاکنفرانس‌های سراسری همواره‌مجازخواهدبودتامتناسب با تشخیص خودازنیازهای تشکیلات وجنبش مباحثاتی رادرتشکیلات سازمان دهد. تصویب تم برای مباحثه‌عمومی ازجانب ك.م بااکثریت آراءانجام می‌گیرد. طبعاعضو ك.م نیزمانندهرعضودیگرسازمان می‌تواندنظرمخالف خودویانظراقلیت خودرامبنی برگشودن مباحثه‌عمومی حول‌هرتم‌معین ازکانال ك.م به‌اطلاع تشکیلات برساند.

۲ـ تعیین شکل مباحثه‌علنی (یعنی درارگانهای رسمی سازمان ویادربولتن‌های ویژه‌جداگانه‌و...) ومیزان این مباحثه (یعنی زمان شروع وزمان خاتمه‌مباحثه) برعهده‌کمیته‌مرکزی (شورای رهبری) است.

۳ـ کمیته‌مرکزی (شورای رهبری) وتمام‌سازمانهای حزب بایدازطریق مباحثات مقدماتی درسازمانهای حزبی امرمشارکت اعضاءرادرمباحثه‌علنی ازطریق پخش‌کتبی نظرات ومباحثات درون سازمانی، تدارك نماید.

ضوابط عمومی درابرازنظر (بند۱) ویامبارزه‌ایدئولوژیك عموم‌سازمانی (بند۲)

۱) آزادی کامل مباحثه‌وانتقادآشکارازتصمیمات حزب نبایدمانع اتحاددرعمل باشدواقلیت موظف به‌تبلیغ وترویج نظرات اکثریت می‌باشد.

۲) مباحثه‌حول‌تم‌هائی که‌باراطلاعاتی ـ امنیتی داردنبایدعلنی صورت گیرد. همچنین هرگونه‌مواردِاطلاعاتی ـ امنیتی تحت هرعنوانی نبایددرمقالات آورده‌شود.

۳) مبارزه‌ایدئولوژیك علنی بایددرچارچوب اصول‌برنامه‌ای واساسنامه‌ای سازمان باشد. (این امرالبته‌باستثنای مواردی است که‌مباحثات حول‌مبانی ویا مواردی ازاصول‌وچارچوبهای برنامه‌ای گشایش یافته‌است، که‌گشایش آن نیزبه تصمیمات کنگره‌هاوکنفرانس‌های سراسری سازمانی ویاتصمیم‌ك.م (شورای رهبری) ویاتقاضای حدنصاب تعیین شده‌دراین آئین نامه‌بستگی دارد.)

آیابرمناقشات درونی رژیم پایانی متصوراست؟

ازصفحه ٤

بوده واوهم همان ولایت مطلقه‌خمینی رادارااست!

"حزب الله" ظرف‌چندماه‌گذشته‌هرآنچه‌که‌درتوان داشت درمقابله باحریف بکاربست: ازسازماندهی تظاهرات کم‌دامنه‌وقابل‌کنترل (تظاهرات دانشجویان دانشگاه‌تهران تابهشت زهرادرمخالفت باسخنرانی یکی از نمایندگان جناح رفسنجانی) تاطرح "سئوال" ازوزیران کابینه.

بحران حکومتی و به تبع آن مناقشات درونی جناحهای رژیم بیانگر ناتوانی رژیم درحل ابتدائی ترین مسائل جامعه‌است. حوادث وواقعیت‌های جامعه‌درچندماه‌گذشته‌نشان ازاین داردکه‌صرفنظراز اینکه "برنامه‌پنج ساله" تاچه‌حدبتوانددرتخفیف بحران موفق باشدیانباشد، پاسخگوی نیازهای عاجل توده‌ها نبوده‌است.

حذف حزب الله‌ازصحنه‌قدرت اجرائی درکابینه رفسنجانی، به‌معنای پیروزی جناح رفسنجانی درپیشبرد برنامه‌های وی به‌منظوربرقراری ارتباط علنی ووسیع با امپریالیسم‌آمریکا، ایجادمناسبات دوستانه‌باکشورهای منطقه‌خصوصاعربستان، حل‌مسئله "استقراض" برای جذب سرمایه‌جهانی درجذب سرمایه‌گذاری دربخش‌های تعیین‌کننده‌اقتصادو... نبوده‌است، زیرامقاومت حزب الله‌درچهره "اپوزیسیون قانونی" ـ هرچندبدون تشکیلات واحد ـ توانسته‌سیاست های رفسنجانی راکُند ودرپاره‌ای مواردآچمزنماید. ضمن اینکه‌بحران حکومتی درتمامی عرصه‌ها، ازنمازهای جمعه‌تاانجمن‌های اسلامی ازدانشگاه‌هاتاحوزه‌علمیه‌بطوروقفه‌ناپذیری جریان دارد، اماکانونی ترین شکل این مناقشات درمجلس شورای اسلامی قراردارد.

تلاش‌های تاکنونی جناح رفسنجانی ـ خامنه‌ای، قادر به‌تثبیت رهبریِ خامنه‌ای درجایگاه‌ولایت فقیه‌علیرغم سکوت آگاهانه‌اودرپاره‌ای ازسیاست های مشخص مناقشه برانگیز رژیم، نبوده‌است.

حدت یابی تضادهای درونی رژیم درچشم‌اندازآتی مابین جناح خامنه‌ای ـ رفسنجانی باجناح "حزب الله" برسرتثبیت ولایت فقیه ازیك‌طرف، وتمرکزقدرت در مجلس ازطرف دیگرکه‌درمعادلات سیاسی واجتماعی بی‌تاثیرنخواهدبود، میتواندشفافیت وعمق بیشتری پیدا نماید!

بمناسبت فرارسیدن سال نو

سالی دیگرازراه‌میرسد. شکفتنی دیگر. جوانه‌های کوچك ازدل سرماباسماجت سربرمی‌کشند تابرگی شوند. برگ. برگ. هزاران برگ. اوراق سبزِ تاریخ بهاری دیگر. شکوفه‌هاجان بربهارمی‌گشایند. جان ازبهارمی‌گشایند. باخون دل به‌خنده‌می‌شکفند. باقلب صبحگون سیاهی راپس می‌زنند. جان برسرنسیم، تابه‌ثمربنشینند.

درخت جهان به‌پوست‌کهنه‌اش می‌نگردکه‌آرام‌آرام ترك برمی‌داردتاحلقه‌تازه‌ای ازطراوت به‌اندام‌کهنسالش بیافزاید. دل صحراازخون، به‌شقایق می‌نشیند. زمین می‌چرخدومی‌رودتاسفردیگری به‌گردخورشیدراتجربه کند.

زخمی اززمستان. بایادهزاران جوانه‌سرمازده. دل بروی بهاربگشائیم. بشکفیم. شکوفاکنیم. یخهاراآب. آبهاراورود. رودهاراودریا. چرخشی دیگر به دور خورشید، پویشی دیگردرقلب خورشیدرابیازمائیم. بهارمان رابچنگ‌آوریم. بهارمان راپای بفشاریم. چونان درختی که باریشه‌هایش، باغی راکه‌بادرختانش، جهانی باانسانهایش پای بفشاریم‌تابهارِ شکفتن، تاشکفتنِ بهار!

پیام های کنفرانس :

پیام به زندانیان سیاسی، خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی

رفقای دربند، انقلابیون و مبارزان اسارتگاههای جمهوری اسلامی!

کنفرانس ما با اعلام گرمترین درودهای انقلابی، مقاومت شما در شکنجه‌گاههای قرون وسطائی جمهوری اسلامی، که مظهر شکست ناپذیری پیکار انقلابی طبقه کارگر و مبارزه برحق توده‌های محروم کشورمان، علیه حکومت ننگین جمهوری اسلامی است را ارج می‌نهد.

مقاومت و قهرمانی‌های بیش از یکدهه کمونیستها، انقلابیون و مبارزین و شهادت حماسی قافله‌ای از بهترین فرزندان کارگران و زحمتکشان، دلیل غیرقابل انکار پایداری و استواری شماست و داغ ننگی است بر پیشانی رژیم اسلامی که هرگز از خاطره تاریخ بشریت فراموش نخواهد شد. رژیم اسلامی بخاطر وحشت از انقلاب توده‌ها، انتقامجوئی خود از طبقه کارگر و توده‌های محروم جامعه را، با توسل به ناجوانمردانه‌ترین و ضد انسانی‌ترین شکنجه‌های روحی و جسمی و ایجاد سخت‌ترین شرایط و فضا در سیاهچالها، در رابطه با شما نشان داده، با این تصور واهی که گویا میتواند با این اقدامات رشد آگاهی توده‌ها و مبارزه انقلابی آنها را سد کرده و بقاء خود را تضمین نماید، ولی هر سال ماهیت ضد مردمی این رژیم بیشتر بر کارگران و زحمتکشان عیان میشود، مبارزه طبقاتی تعمیق مییابد، حقانیت شما و آرمانهای انقلابی بر توده‌ها آشکار میگردد. امروز که جمهوری اسلامی بهانه‌ای برای فرار از پاسخگوئی بمسائل و معضلات توده‌ها ندارد در مقابل مردمی قرار گرفته است که بار بحران اقتصادی و استثمار و چپاول و فلاکت عمومی از یکسو و اختناق و سرکوب و محو کامل آزادیهای سیاسی از جهت دیگر بر دوش آنها سنگینی می‌کند. تردیدی نیست که مقاومت و مبارزه شما در اسارتگاهها، مبارزه کارگران و زحمتکشان و مبارزه یاران شما به ثمر خواهد نشست و بار دیگر توده‌ها زندانها را بر سر جلادان ویران خواهند کرد و زندانیان سیاسی، که مظهر مقاومت انقلاب اند، به آغوش مردم باز خواهند گشت.

خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی!

عزیزان شهید و یا دربند شما، یاران کارگران و زحمتکشان، در راه مبارزه علیه استثمار و استبداد و برای آزادی بپاخواسته بودند و شما بهتر از هر کس شاهد عشق و وفاداری شان به پیروزی کارگران و زحمتکشان بوده و هستید. پرچم مبارزه‌ای که این فرزندان دلیر انقلابی برافراشته‌اند هرگز بزمین نخواهد افتاد، چرا که همسنگران رفقای شهید و یا دربند، کارگران و زحمتکشان آگاه و انقلابی، رهائی خود را در ادامه راه آنان میجویند!

کمونیستها، انقلابیون و مبارزین دربند، فریادشان در چارچوب سیاهچالهای رژیم اسلامی محصور است. شما زبان آنها، فریاد مقاومت آنها، افشاگر چهره کریه و سفاک رژیم اسلامی و پیک قهرمانان دربند هستید.

شعار پیکار برای آزادی زندانی سیاسی را بگوش توده‌ها برسانید! صفوف رزمنده خود را فشرده‌تر کنید، تشکل خانواده شهدا و زندانیان سیاسی را سراسری کنید! مبارزات علنی خود را گسترش دهید و جنایات رژیم در زندانها را افشا کنید!

تنها راه وفاداری به آرمان شهدا، تنها راه نجات جان زندانیان سیاسی، تشدید مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق است.

جاودان باد یاد تمامی شهدای انقلاب!
پیروز باد مقاومت قهرمانانه زندانیان سیاسی!
درود بر خانواده‌های شهدا و زندانیان سیاسی!
سرنگون باد جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!

پیام به سازمانها، محافل و عناصر کمونیست و انقلابی

یکسال پیش در نتیجه شیوه‌های ضد دمکراتیک و سرکوبگرانه رهبری خودمنتخب راه کارگر، انشعابی به سازمان ما تحمیل گردید، و اکنون که بیش از یکسال از قلع و قمع وسیع کادرها، اعضاء و هواداران توسط دفتر سیاسی می‌گذرد و ما در این مدت شاهد ابعاد فاجعه بار و رسوائی این شیوه برخورد در احزاب در قدرت بودیم؛ متاسفانه رفقا نه تنها تاکنون نسبت به اقدامات خود اظهار پشیمانی نکرده و حاضر به پاسخگوئی نسبت به کردار غیرمسئولانه شان به جنبش و انتقاد از خود علنی نگشته‌اند، بلکه همچنان به سبک کار فرقه‌ای و عقب مانده خود ادامه میدهند. اقدامات رهبری خودمنتخب در شرایطی انجام گرفت که بیش از هر زمان دیگر کمونیستها موظف بودند صفوف خود را فشرده سازند و دوش بدوش هم در پیوند با طبقه کارگر، مبارزات خود را سازمان دهند و ما با توجه و احساس مسئولیت نسبت به همین ضرورت وحدت کمونیستها بود که "قطعنامه وحدت" مصوبه مجمع نمایندگان معترضین را در سطح جنبش طرح نمودیم، ولی در پاسخ، نشریه راه کارگر ارگان محفل حاکم بر سازمان، ما را انحلال طلب، فراکسیونیست و ... خطاب نمود و اتهامات نارفیقانه‌ای را به رفقای ما نسبت داد و نشان داد که آنان منافع فرقه‌ای ـ محفلی خویش را برتن دادن به اصولیتها و منافع کل جنبش ترجیح می دهند.

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، با احساس مسئولیت نسبت به الزامات مبارزه طبقه کارگر و در پاسخگوئی با این نیاز، فعالیت خود را آغاز می‌کند و بدور از فرقه گرائی‌های مرسوم، بر پایه اصول برنامه‌ای و حزبی خود، جهت وحدت کمونیستی تلاش خواهد نمود.

محافل و عناصر کمونیست!

جنبش کمونیستی کشور ما علیرغم ضعفها و کاستی‌های جدی، دارای نقاط قوت و برجستگی هائی است که ظرفیت و شایستگی پیوند با طبقه کارگر و هدایت مبارزات توده‌ای را داراست. وحدت مارکسیست ـ لنینیستها و روند تشکیل حزب طبقه کارگر امری است که برخورد مسئولانه نه تنها سازمانهای کمونیست، بلکه تلاش پیگیرانه و شرکت فعالانه یکایک محافل و عناصر کمونیست را طلب میکند.

جنبش کمونیستی که یکی از حساس‌ترین شرایط تاریخی خود را از سر می‌گذراند، از رفقای کمونیستی که از ظرفیت فعالیت حزبی برخوردارند، ولی بدلایلی منفرد بوده و یا در محافل متشکل هستند، می‌طلبد که در این شرایط دشوار تنها ناظر گر نبوده و نقش و جایگاه خود را در این روند دریافته و خود نیز برای چیره شدن بر معضلات مذکور مداخله فعال عملی نمایند. ما، سازمانها، محافل و عناصر کمونیست را به تشدید مبارزه برای تسریع روند وحدت مارکسیست ـ لنینیستهای انقلابی دعوت میکنیم؛ زیرا که این نیاز امروز و عاجل طبقه کارگر و توده‌های ستمکش ایران است، و در پاسخ به مبارزات توده‌ای برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، ما ایجاد بلوک انقلابی ـ دمکراتیک (بر پایه پلاتفرم جبهه کارگری) را، بمثابه ستون اصلی جبهه براندازی پیشنهاد می‌کنیم!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!
زنده باد وحدت رزمنده مارکسیست ـ لنینیستهای ایران!

پیام به کارگران و زحمتکشان

بیش از یک دهه از انقلاب شکوهمند شما گذشت و در این مدت که بر ویرانه های نظام ستم شاهی، استبداد فقاهتی حکومت راند، ماحصل سیاستهای ضدکارگری و ضدمردمی و جنایتکارانه جمهوری اسلامی را شما با پوست و گوشت خود لمس کردید.

حمله به دستاوردهای انقلاب شما با سرکوب شوراهای کارگران و دهقانان، تعقیب و پیگرد کمونیستها و انقلابیون شروع شد و بسرعت اختناق و سرکوب، شکنجه و اعدام و بی حقی عمومی ابعاد فاجعه آمیز یافت و کمتر کارخانه و محله ای را می توان سراغ گرفت که از دست رژیم مرگ و جنایت در امان بوده با شد و انقلابیون و مبارزینی را در راه آزادی و سوسیالیسم از دست نداده باشد.

رژیم اسلامی با اهداف توسعه طلبانه و بقصد ایجاد امپراتوری اسلامی باستقبال جنگ ارتجاعی ۸ ساله شتافت که سرمایه هنگفت معنوی و مادی شما کارگران و زحمتکشان را بنابودی کشاند که آثار لطمات وارده تا سالیان دراز از سیمای کشورمان زایل نخواهد شد!

رژیم اسلامی زیر پرچم دروغین مبارزه با امپریالیسم بدفاع از منافع واقعی امپریالیستها که همانا حفظ و بازسازی نظام سرمایه داری است، پرداخت و از همین رو کاهش شدید سطح معیشت توده ها، گرانی، بیکاری، بی خانمانی، گسترش فقر و فلاکت و استثمار و چپاول شما از یکسو و از سوی دیگر محو کامل آزادیهای سیاسی، حاکمیت خفقان، سرکوب، شکنجه، اعدام و تجاوز بی حد و حصر به حقوق انسانی مردم، ارمغان رژیم اسلامی برای شما بوده و این خود رسالتی بود که جمهوری اسلامی بهتر از هر مزدور امپریالیسم در دشمنی با منافع شما انجام داده است.

جمهوری اسلامی در طول جنگ ارتجاعی از پاسخگوئی به حتی ابتدائی ترین نیاز طبقه کارگر و زحمتکشان به بهانه جنگ طفره رفته است و اکنون که مدتهاست جنگ متوقف شده و بایستی خواسته های متراکم گشته چندین ساله را پاسخ میداد، نه تنها کوچکترین گامی در جهت ارتقاء و بهتر شدن وضع توده ها بر داشته نشده است بلکه بالعکس شرایط زندگی طبقه کارگر و توده های شهر و روستا بمراتب دشوارتر گشته و در عین حال شرایط مساعدتری برای استثمار و چپاول بیشتر توسط بورژوازی و علی الخصوص "تجار محترم" فراهم گردیده است.

تشدید بحران اقتصادی، گسترش بیسابقه فقر و فلاکت و درماندگی رژیم اسلامی در حل مسائل جامعه زمینه ساز گسترش نارضایتی توده ای بوده است که این روند رو به رشد بوده، کما اینکه در چند ماه اخیر شاهد اعتصابات کارگری، مبارزات توده ای و دانشجوئی، مبارزات سیاسی خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی بوده ایم و بحران درونی رژیم نه تنها کاهش نیافته بلکه عمیق تر شده، بخصوص که سیاست بی اثر ساختن خط حزب الله (باصطلاح جناح تندرو) پیش گرفته شده است.

جناح حزب الله در مقابله با حریفان خود، با اتکاء به شعارهای ضدامریکائی و مستضعف پناهی، به پایه حمایتی اش رومی آورد و در فقدان اتوریته ای چون خمینی، تضمینی برای کنترل اختلافات در بالا نبوده و چه بسا که شکاف در بالا به پائین منتقل گشته و موجبات سرباز کردن خشم فروخفته توده ها گردیده و زمینه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی را مهیا سازد.

تجربه انقلاب بهمن نشان داد که در فقدان حضور طبقه کارگر متشکل در صحنه مبارزه طبقاتی و عدم حضور حزب پیشاهنگ کمونیستی اش، طبقات و اقشار بورژوائی که سازمانیافته اند، بقدرت چنگ خواهند انداخت، کما اینکه قدرت گیری جمهوری اسلامی خود محصول عدم آمادگی طبقه کارگر برای کسب قدرت سیاسی و ضعف و منفوریت احزاب بورژوائی بوده است.

طبقه کارگر ایران برای اینکه بتواند بمثابه یک طبقه متشکل و ستون اصلی انقلاب اقدام نماید، بایستی از یکسو خود را در تشکل های اتحادیه ـ صنفی، در اشکال علنی و مخفی و در بستر مبارزه حول خواستهای بیواسطه خویش متشکل سازد و از سوی دیگر پیشروان کارگری با مجهز ساختن خود به مارکسیسم ـ لنینیسم، علم رهائی طبقه کارگر، در محافل کمونیستی خود را سازمان دهند و با ایجاد ارتباط با سازمانهای کمونیست، مبارزه برای تشکیل حزب انقلابی توده ای خود را تشدید نمایند.

کارگران، زحمتکشان مبارز!

راه کارگر بیش از یکدهه مبارزه انقلابی و کمونیستی خود را پشت سر نهاده است. کارنامه سازمان ما نمونه درخشانی از تسلیم ناپذیری و مقاومت و مبارزه حماسی کمونیستهای کشورمان در پیکار علیه رژیم جمهوری اسلامی است.

زمانیکه احزاب و سازمانهای رفرمیست و اپورتونیست به چکمه لیسی رژیم اسلامی مشغول بودند، یاران و فرزندان طبقه کارگر، کمونیستهای وفادار به انقلاب و سوسیالیسم مبارزه علیه آنرا سازمان میدادند و در بیدادگاههای جمهوری اسلامی حماسه های مقاومت آفریده و در راه رهائی طبقه کارگر، مرگ سرخ را بجان پذیرا می شدند.

اما علیرغم فداکاری و قهرمانیهای کمونیستهای انقلابی ایران و از جمله راه کارگریها، طبقه کارگر هنوز از تشکل های مستقل طبقاتی و از حزب کمونیست توده ای خویش بی بهره است و پاشنه آشیل جنبش انقلابی و مردمی کشورمان در همین دو امر نهفته است که برای غلبه بر آن بایستی کمونیستها دست در دست هم داده، صفوف خود را متحد ساخته و تمامی تلاش خود را در راه ایجاد حزب شما، حزبی که پیشروان کارگری و رهبران طبیعی شما صفوف رزمنده آنرا تشکیل دهند، بکار بندند.

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، کارگران مبارز و کمونیست، سازمانها، محافل و عناصر کمونیست را به تشدید مبارزه در راه ایجاد حزب طبقه کارگر دعوت میکند.

کارگران، زحمتکشان!

رهائی شما از یوغ استثمار و استبداد، سرکوب و اختناق، شکنجه و اعدام و خطر فلاکتی که پیش روی شما دهان گشوده است، درگرو پیکار برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و کسب قدرت سیاسی توسط شما و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق، حاکمیت شوراها و اعمال اراده مستقیم کارگران و زحمتکشان است!

سرنگون باد جمهوری اسلامی!
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!
زنده باد سوسیالیسم!

پیام به اعضاء و هواداران راه کارگر

رفقا!

جنبش کمونیستی یکی از سخت ترین دوران حیات خود را از سر می گذراند و گرایشات انحرافی از مارکسیسم ـ لنینیسم انقلابی در ابعاد جهانی و ملی به بن بست رسیده اند، حمل این انحرافات زیر پرچم کمونیسم، موجب وارد آمدن لطماتی بر کمونیسم و مارکسیسم ـ لنینیسم گردیده است. امروز وظائفی بس مهم و ده چندان بیش از گذشته پیش روی ما قرار گرفته است، ما باید با دفاع از مارکسیسم ـ لنینیسم بمثابه علم رهائی طبقه کارگر در مبارزه علیه ستم و استثمار و آگاه ساختن کارگران نسبت به انحرافات گذشته و کنونی حاکم بر احزاب در قدرت با دفاع از مبارزات طبقه کارگر در سطح جهانی و ملی، تلاش برای تدقیق مبانی نظری و تشکیلاتی خود، در بستر مبارزه بی امان برای سرنگونی رژیم ددمنش جمهوری اسلامی، فعالیت کمونیستی مان را با عزمی استوار و اراده پولادین سازمان دهیم! بی تردید نقد کمونیستی ضعفهای گذشته ما را برای نبردهای آتی قویتر میسازد و توانمان را در سازماندهی طبقه کارگر برای سوسیالیسم ارتقاء خواهد داد.

رفقا! پس ازتحمیل انشعاب توسط رهبری خودمنتخب سازمان، که درمقام پاسداری ازسبک کارفرقه‌ای ـ محفلی وفوق سانترالیستی قرار دارد، معترضین سازمان کنفرانس خودراتشکیل داده ومبانی نظری وسیاسی ـ تشکیلاتی خودرا اعلام کردند.

مادرشرایطی مبارزه کمونیستی وانقلابی مان رازیرپرچم جدیدآغازکرده ایم که تلاش های ما، در دوره پیشاکنفرانس درجهت وحدت مجدد، بامقاومت فرقه‌ای ـ محفلی رهبری وترجیح منافع محفلی حاکم بروحدت ویکپارچگی کل سازمان، راه هرگونه حرکت اصولی درراستای تامین وحدت ویکپارچگی سازمان رامسدودساخته بود.

کنفرانس ماباصراحت بخشیدن به مبانی نظری وتشکیلاتی خود، تصمیم گرفت تابانام "اتحادکارگران انقلابی ایران (راه کارگر)" فعالیت کمونیستی خودرا ادامه دهد و ارگان سیاسی خود ـ اتحادکارگران ـ رامنتشرنماید.

اتحادکارگران انقلابی ایران (راه کارگر) مصمم است باحفظ دستاوردهای مثبت ورادیکال تاکنونی راه کارگر درمبارزه علیه رفرمیسم، پوپولیسم وسوسیال دمکراسی، وبا تاکیدبرسبک کارحزبی وبدوراز گرایشات اپورتونیستی سیاسی ـ تشکیلاتی رهبری خودمنتخب، فعالیت انقلابی خودرا سازمان دهد!

مادرحالی فعالیت خودرابطورمستقل ادامه می دهیم که پراکندگی کنونی کمونیستهارابنفع طبقه کارگرنمی دانیم، ودرراستای وحدت رزمنده مارکسیست لنینیستهای انقلابی وفائق آمدن برپراکندگی کنونی جنبش متناسب باتوانمان وبرپایه مبانی برنامه‌ای وحزبی مان تلاش خواهیم نمود.

فرقه گرائی جنبش چپ ماوعوارض آن برهمگان آشکاراست وازدیده هیچ انقلابی جدی نمی تواندپنهان باشدکه نیازمبارزاتی طبقه کارگروتوده‌ای ستمکش برای رهائی ازفلاکت عمومی، نمی تواندمحدودبه تلاش های فرقه‌ای باشد، ازاینروبیگانه راه برون رفت ازوضعیت کنونی وداع باروحیات فرقه‌ای ـ محفلی ودامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک رفیقانه درجهت وحدت کمونیستی وفعالیت معطوف به سازماندهی مبارزات طبقه کارگردرتمام اشکال آن است.

اعضاء وهواداران سازمان درداخل کشور!

مبارزه خودراجهت سرنگونی رژیم جنایتکارجمهوری اسلامی تشدیدکنید! درجهت سازماندهی مبارزات جاری طبقه کارگروایجادتشکل های مستقل طبقاتی شان، اشاعه آگاهی سوسیالیستی وجلب کارگران بصفوف اتحادکارگران انقلابی ایران (راه کارگر) بمثابه الویت تخطی ناپذیرمبارزه انقلابی بکوشید! بارعایت ضوابط امنیتی ـ ارتباطی بامرکزارتباطات تماس بگیرید!

صدای مارابگوش تمامی رفقا، اعضاء وهواداران، دوستداران راه کارگر، خانواده‌های شهداوزندانیان سیاسی برسانید! درتکثیروپخش ارگان سیاسی ما ـ اتحادکارگران ـ بکوشید! اعلامیه ها، تراکتهاوتبلیغات خودرابانام هواداران اتحادکارگران انقلابی ایران (راه کارگر) منتشرکنید!

سرنگون بادجمهوری اسلامی!
برقرارباد جمهوری دمکراتیک خلق!

ترس از انقلاب یا «پرسترویکا»ی دی کلرک

ازصفحه ۷

پوستان اساسا ازطریق ANC انجام میگیردونقش زیادی درسازماندهی سفیدپوستان انقلابی درراستای جنبش انقلابی وبردن آگاهی سوسیالیستی درمیان کارگران داشته است.

طبق قوانین فوق ارتجاعی آپارتاید، باوجودآنکه بیش از ۸۳درصدجمعیت این کشوررا سیاه پوستان تشکیل میدهند، آنان تنهامجازنددر ۱۳درصدکل مساحت این کشورزندگی کنندوخارج ازاین محدوده ازهیچ گونه حقوقی برخوردارنیستند. تنهابرای فروش ارزان نیروی کارخودمی توانندبااجازه عبورازمناطق سفیدوبااجازه اقامت موقت درمناطقی که به نیروی کارآنهانیازمی باشد، اقامت گزینند. این اجازه اقامت به محض اینکه کارفرما دیگرنیازبه نیروی کارنداشته باشدلغومیگرددوسیاهان بایدبه منطقه خودبازگردند. این امرباقانونی تحت عنوان "استقلال وخودمختاری قبیله ها" حاکم گردیده است. بدین ترتیب حکومت بخوبی می تواندازیکطرف نیروهای منفعل زنان وکودکان سیاه و ازطرف دیگرسیاهان بیکاررامجبوربه زندگی درمناطق جداگانه کند، که این امرچه بلحاظ وضعیت اقتصادی مناطق سفیدپوست وچه ازنظرکنترل ارتش بیکاران به نفع رژیم است.

نقض قراردادکارتوسط کارگران جرم جنائی محسوب می شودوحداکثرحقوق حتی متخصصین سیاه پوست درحدحقوق کارگرساده سفیدپوست است. سیاه پوستان ازحق رای برخوردارنیستند، سطح آموزش آنهابسیارپائین است، بطوریکه بودجه تربیتی مدارس سفیدپوست چهاربرابربودجه مربوطه درمدارس سیاه پوست است وحق ازدواج بین نژادهاممنوع است.

سیاست رژیم نژادپرست دربرخوردبه تعرضات توده‌ای، عقب نشینی اخیررئیس جمهورورفرمهایش، باآنکه برخی ازقوانین ارتجاعی بارشدجنبش توده‌ای تاحدی تعدیل گشته اند، اساسا برتشدیدفشاروسرکوب استواربوده است واین موردتائیدمشارکین امپریالیست رژیم پرتوریانیزبوده است. اعطای حق رای به دورگه ها، آزادی حق ازدواج، بالابردن سطح حقوقی برخی وازاین طریق تلاش درجهت ایجاداقشارمیانی سیاهپوست، گردن گذاشتن به برخی خواسته‌های اقتصادی کارگران دراثراعتصابات گسترده وبا عقب نشینی درقبال تشکیل اتحادیه‌های کارگری درسال ۷۳ودرنتیجه تشکیل فدراسیون وکنفدراسیون اتحادیه‌های افریقای جنوبی (کوساتو) که نزدیک به ۸۰۰/۰۰۰ عضو رسمی دارد، (هرچندکه این عقب نشینی مجددابا پیشروی سرکوبگرانه ایجادحکومت نظامی واعلام ممنوعیت فعالیت برای کوساتووتمامی سازمانهای علنی وازجمله "جبهه متحددمکراتیک" بزرگترین جبهه علنی ضدآپارتاید که بدرستی بمثابه بازوی علنی ANC بحساب می آمدند، درسال ۸۶پایان یافت) ازجمله این تعدیل های نامبرده هستند.

اهمیت ویژه آفریقای جنوبی بخاطرواقع بودن این کشوردردماغه امیدنیک است که محل عبورکشتی های تجاری وبازرگانی است. بدین جهت افریقای جنوبی بااهمیت ترین پایگاه امپریالیزم درقاره افریقاست. افریقای جنوبی علاوه براینکه صاحب معادن سرشاراورانیوم، مس، روی ونیکل است، دارای منابع بسیارغنی کروم، منگنز وطلا است. ۶۰درصدذخیره کروم و۷۷درصدذخیره منگنزجهان درافریقای جنوبی است، و۷۰درصد طلا والماس دنیاازآنجااستخراج میگردد.

اولین جرقه‌های انقلاب درافریقای جنوبی به سال ۱۹۶۰برمیگرددکه پلیس هارافریقای جنوبی دردهکده شارپ ویل (Scharpeuille) برروی تظاهرکنندگان بی سلاح آتش گشودو۶۹کشته وده هازخمی برجای گذاشت. پس ازاین واقعه بودکه ANC بازوی نظامی خود "پیکان ملت" راتاسیس نمودوپس ازآن بودکه نلسون ماندلا درسال ۱۹۶۲بجرم "خرابکاری" دستگیروبه زندان ابدمحکوم گردید.

بعدازفاجعه شارپ ویل واوج خفقان وسرکوب درکشور، جنبش انقلابی توانست مجدداتازه نفس ترمبارزه راپی گیرد. این جهش نوین باحمله وحشیانه پلیس به تظاهرات هزاران دانش آموزسیاه پوست که دراعتراض به تدریس اجباری زبان آفریکانز درخیابانهای شهرسووتودست به اعتراض زده بودندوقتل عام ۷۰۰نفروزخمی کردن صدهامبارزپاسخ داده شد. فاجعه ۱۶ژوئن ۷۶کارنامه سیاه سیستم آپارتایدورژیم پرتوریاراسیاه تروخشم توده‌های برافروخته راغیرقابل مهارنمود.

ازاین به بعدافریقای جنوبی شاهدسازمانیافتگی هرچه بیشترمبارزات کارگران و زحمتکشان وبخصوص تشکل یابی هرچه بیشترطبقه کارگردرتشکل های طبقاتی خود و پیش بردن مبارزه ازاین کانال نیزبوده است.

ANC پس ازکنفرانس آوریل ۸۵خودسیاست تشدیدمبارزه مسلحانه و"غیرقابل حکومت کردن کشور" (که علاوه برمبارزه مسلحانه ازطریق تظاهرات، اعتصاب، تحریم و...آن راعملی می ساخت) رادرپیش گرفت واین درحالی بودکه کشوردربی سابقه ترین بحران اقتصادی قرارداشت واین سیاست جدیدهم باتوجه به اکثریت قوی سیاهان نقش بسزائی درتشدیدهرچه بیشتربحران اقتصادورشکسته ووضعیت سیاسی آشفته داشت. انفجاردرمعدن طلای "کین لاس" دراول اکتبر ۸۶وفراخوان بزرگترین اعتصاب تاریخ معادن افریقای جنوبی توسط MVM ـ پرقدرت ترین اتحادیه کارگری وابسته به کوساتو که بیش ازسیصدهزارنفررابه اعتصاب کشانیدواعتصاب پیروزمندکارکنان راه آهن برای به رسمیت شناختن اتحادیه شان وبازگردانیدن اخراجی هابرسرکارشان که ازاواخرسال گذشته آغازواخیرابه پایان رسید، نقطه عطفی درمبارزات طبقه کارگرافریقای جنوبی ورشدجنبش انقلابی بحساب می آید.

←

بایپشروی انقلاب تلاش طرفداران امپریالیست سیستم آپارتاید- که همواره با توسل به سیاستهای رنگارنگ دفاع از رژیم پرتوریا، حمایت سیاسی، نظامی واقتصادی آن را برعهده داشتند- درجهت تعدیل سیستم آپارتاید برای حفظ آن، پیشبرد سیاست "تعهد سازنده" آمریکا ویا ایجاد یك آلترناتیو در مقابل جنبش انقلابی که نقش آن را "اسقف توتو" و "بوتلزی" بازی می نمودند وتشویق آپارتاید به سازش با این آلترناتیو خیالی، راه بجائی نبرد. ۱۲ ژوئن ۸۶، ۴ روز قبل از فرارسیدن سالگرد قیام سووتو که دولت نژادپرست پس از دستگیری بیش از دوهزار نفر از فعالین سازمانهای سیاسی و دمکراتیك واتحادیه های کارگری (از جمله برخی رهبران اتحادیه ها ودبیر کل کوساتو)، ۱۷ سازمان وتشکل علنی ضدآپارتاید را ممنوع اعلام کرده واعلام حکومت نظامی نمود، و پاسخ آن که اعتصاب وتظاهرات بیش از ۹۰ درصد کارگران سیاهپوست در روز ۱۶ ژوئن همان سال باخواست آزادی بی قید وشرط زندانیان ولغو حکومت نظامی بود، در ابتدا با سکوت کامل از جانب محافل خبری امپریالیستی برگزار شد.



نلسون ماندلا، پس از آزادی اززندان درجلوی تجمع استقبال کنندگان

امپریالیستها درماندگی خود را با عقب نشینی از سیاست گذشته مبنی بر عدم مذاکره وبرسمیت شناختن ANC وبادعوت از "الیورتامبو" (رهبر ANC) نشان دادند، واین آغازی برای درانزوای بین المللی قرارگرفتن (والبته نه بطور کامل) این رژیم نژادپرست بودکه آتش انقلاب موجب آن بود.



هم اینك افریقای جنوبی به حساس ترین مرحله تاریخی خودنزدیك می شود. فردریك دی کلرك رئیس جمهور رژیم نژادپرست با رفرمهای خود وارد میدان میشود. محافل خبری امپریالیستی تمایل زیادی دارندکه این رفرمهای آقای کلرك را که حتی درصورت اجرای تمامی آنها تحول اجتماعی که هیچ بلکه حتی بسیاری از قوانین بربری حاکم نیز همچنان پابرجا خواهندماند، رابعنوان "پروسترویکای "کلرك جابزنند. این رفرمها تنها به قصدبازکردن منفذتنفسی برای رژیم نژادپرست، برای نجات منافع امپریالیسم بین المللی وشرکاء داخلی است ونه جز آن! سقوط آپارتاید وبه قدرت رسیدن حکومت انقلابی درافریقای جنوبی عوارض مرگباری رابرای کشورهای امپریالیستی بدنبال خواهدداشت واین همان چیزی است که امپریالیستها وسایرکشورهای سرمایه داری را به مسابقه برسر دعوت از نلسون ماندلا به کشورشان پس از آزادی، واداشته است، واعتراف محافل خبری آنهاکه: "حل معضلات آفریقای جنوبی بدون ماندلا دشوار، وبدون ANC غیرممکن است." اماکنگره ملی افریقا (ANC) وحزب کمونیست این کشور باید مبارزه خود را تابراندازی حکومت پرتوریا ورژیم نژادپرست وجایگزینی حکومتی انقلابی ادامه دهند!

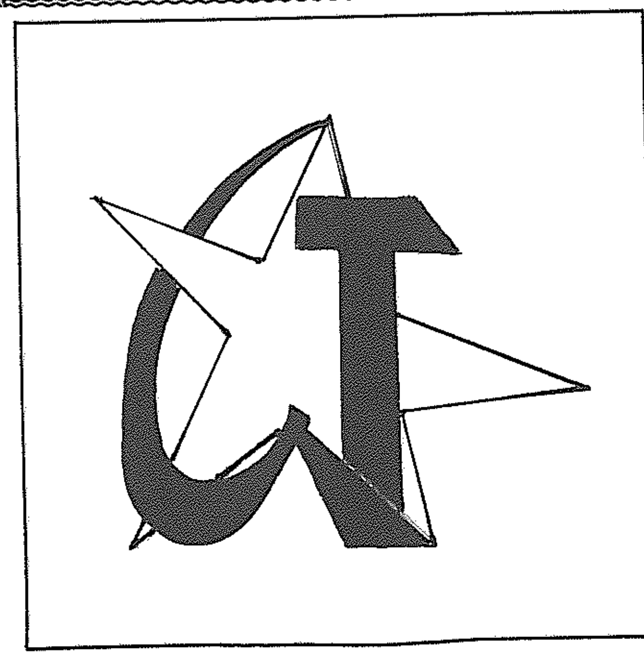
به یاد انقلاب شکست خورده بهمن:

انقلاب سرخ

نوشم به‌شادمانی آندم شراب سرخ،
کز شرق انقلاب دمد آفتاب سرخ.
قربان آندمی که ز خون توانگران،
دریای انقلاب شود پر حباب سرخ!
نازم به‌آن زمان‌که به‌نیروی پتك وداس،
دهقان نهد به‌گردن سلطان طناب سرخ.
ای خواجه، خون رنجبر امروزکم بریز،
فردا حساب از توکشد انقلاب سرخ.
زاهد زمن ز آتیهٔ خود سؤال داد،
تیغی به او نمودم کاینك جواب سرخ!
خان را شراب سرخ به‌جام و، زفرط جوع،
ریزد ز دیدهٔ دختر دهقانی آب سرخ.
درخون شیخ وشحنه وشه واجبست غسل
درشرع انقلاب به نص‌کتاب سرخ.
لاهوتی، آن زمان شود آیاکه دست علم
گیرد ز روی دختر مشرق نقاب سرخ؟

لاهوتی

آوریل ۱۹۲۲



درسهای انقلاب بهمن ؛

تجربه‌ای برای انقلابی دیگر !

یازده سال از انقلاب شکوهمند بهمن می‌گذرد ۰ انقلابی‌که برپایه خواستهای برحق توده‌های مردم شکل‌گرفت وتوسط ارتجاع به‌قدرت رسیده سرکوب گردید۰ یازده سال خفقان، کشتار، فقرو ویرانی دستاورد رژیمی‌است‌که برپایه توهم توده‌ها به‌قدرت رسید و به‌سرکوب انقلاب پرداخت تا حاکمیت ضدانقلابی‌خویش را استوار سازد۰ طبقه کارگرکه ستون فقرات رژیم شاه را درهم شکسته بود، به‌زیر شلاق استثمار هرچه بیشترکشیده شد۰ توده‌های زحمتکش‌که نیروی اصلی انقلاب را تشکیل می‌دادند، درفقر و محرومیت بیشتر فرورفتند۰ تشکلهای مستقل‌کارگری، شوراهای‌کارگران و زحمتکشان وتشکلهای دمکراتیک‌که ثمرات اصلی‌انقلاب بودند، سرکوب و برچیده شدند۰ حق بیان‌که از مهمترین دستاوردهای انقلاب برای همه بود، به حق دستگیری، شکنجه‌واعدام برای رژیم تبدیل‌گشت ۰ زنان به وحشیانه‌ترین شکل به‌زنجیر قوانین قرون وسطایی بسته شدند۰ دیوارهای فروریخته بالا آمدند، درهای شکسته دوباره بسته شدند، زندانهای قفل‌گشوده از انقلاب دوباره به‌صدها شکنجه‌گاه بدل شدند تا دهها‌هزار نفر از بهترین فرزندان خلق را درخود به‌خون کشند۰ مرگ ــ این پیامبر رژیم ــ با داس جنگ به‌دروی مردم و بویژه جوانان پرداخت ۰ چندین میلیون کشته،زخمی،معلول و آواره، ثمره‌جنگی شدکه‌رژیم‌فقها‌باجنون برآن پای‌می‌فشردوآنرانعمت‌می‌خواندتاسرانجام‌نکبت‌آن‌گریبانش راگرفته و اورا‌واداربه‌پذیرش تحمیلی‌آتش‌بس‌نمود۰

اگرچه‌بابدست‌گیری‌حاکمیت ازسوی‌فقها،انقلاب ازادامه‌خویش‌بازماندودستاوردهایش رااز‌دست‌داد،امااهداف‌انقلاب که‌ازعمق محرومیت وخواست دگرگونی نظام‌نشأت‌گرفته‌بود، نه‌تنها‌فراموش‌نگشته‌وهمچنان‌پابرجاست،بلکه‌باحدتیابی استثماروخفقان،لزوم تحقق آن بیشتراحساس شده‌وبیش‌ازپیش دردستورکارانقلاب قرارگرفته‌است ۰پرونده‌سیاه‌جمهوری اسلامی‌دربازسازی سرمایه، استثمارروزافزون،چپاول وبیکاری هرلحظه امرپایان دادن به‌حیات سرمایه‌داری،بمثابه‌وظیفه اصلی‌انقلاب راروشنترمی‌سازد۰ این‌امراماجزبارهبری‌طبقه‌کارگردرانقلاب امکان ناپذیراست ۰ شعله‌های‌جنبش‌انقلابی توده‌های‌زحمتکش که‌درطی این سالها‌خاموش نگشته، تنها‌باتکیه بررهبری این‌طبقه قادرخواهدبودبه‌آتشی‌سوزان علیه جمهوری‌اسلامی بدل‌شود، طبقه‌ای‌که‌باگذشت یازده‌سال ازعمرننگین‌جمهوری‌اسلامی ،نسبت به‌اقشاردیگربیشترین حرکات اعتراضی‌رابرای‌کسب خواستهایش سازمان داده،تنهانیروئی می‌باشدکه‌قادراست نظام‌سرمایه را درهم‌کوبدو خواستهای واقعی انقلاب رامتحقق سازد۰

واقف بودن‌بروظایف اصلی‌انقلاب،لزوم پافشاری‌برمبارزه‌درراه سازماندهی‌مستقل کارگران رابعنوان یك طبقه **متشکل** نمودارمی‌سازدواین‌امربایددرصدروظائف نیروهای‌کمونیست وانقلابی قرارگیرد۰ امروزه بارشدجریانات سوسیال‌دمکرات ورفرمیست،گرامیداشت انقلاب بهمن ویادآوری اهداف‌آن ازاهمیت‌بیشتری برخوردارمی‌گردد۰باید "یادآور" شدکه‌انقلاب ایران تنهاباسرنگونی جمهوری‌اسلامی ونابودی حاکمیت سرمایه به‌اهداف خوددست خواهد یافت‌وخواست نابودی‌حاکمیت سرمایه، خواست‌اساسی انقلاب بهمن‌بوده است‌واهداف آن‌نه‌درچارچوب یك نظم بورژوائی وتبدیل طبقه‌کارگربه‌زائده طبقات دیگر،بلکه برعهده‌یك‌انقلاب اجتماعی به رهبری طبقه‌کارگروپیشروی بی‌وقفه بسوی سوسیالیسم‌است ۰

یادآوری درسهای انقلاب بهمن، علاوه برهزاران زخمی‌ومعلول، مارا به‌یاد ده‌هاهزارشهیدانقلاب می‌اندازد که در راه‌اهداف شریفشان جان‌باختند، به‌یادتمامی‌استثمارشدگان،گرسنگان‌ومحرومانی که درباتلاق نظام‌سرمایه داری وخفقان سیاه‌جمهوری‌اسلامی گرفتارندوعلیه‌آن‌چاره‌اندیشی ومبارزه‌میکنند۰

درسهای انقلاب بهمن تمامی‌کمونیستها‌رابه‌برخوردجدی وریشه‌ای به‌ضعفهای گذشته‌وحال ولزوم هرچه‌بیشتر سازماندهی‌طبقه‌کارگربرای‌دفاع‌ازدستاوردهاوبه‌انجام‌رساندن‌انقلاب آتی‌فرامیخواند :فراخوان به‌سازماندهی طبقه‌ای که‌آگاه‌ومتشکل فداکاریها‌وتلاش خستگی‌ناپذیرتمامی‌شهدائی‌که‌درراه دمکراسی، استقلال وسوسیالیسم جان‌باختنددرا دنبال نموده‌وبه‌سرانجام رساند۰

سرنگون‌بادجمهوری‌اسلامی ! برقرارباد‌جمهوری‌دمکراتیك‌خلق !

شورای‌رهبری

اتحادکارگران‌انقلابی‌ایران (راه‌کارگر)

۲۲بهمن ۱۳۶۸

ستون آزاد تریبونی ست برای انعکاس نظرات اعضاء، هواداران ودوستان اتحادکارگران

ستون آزاد

واماچه کسانی همرنگ جماعت می شوند؟..

جنبش های توده ای کشورهای سوسیالیستی خصوصا مجارستان، لهستان، ... وسرانجام قیام خونین مردم رومانی برعلیه رژیم دیکتاتوری خاندان چائوشسکو، دفتر سیاسی سازمان به اصطلاح کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) رادچارتب ولرزکرده وایشان هم مجبور شدند برای حفظ ظاهر وخفه کردن صدای ناراضیان درونی، نان رابه نرخ روزبخورند وضمن انتقاد ازعقب افتادگی رهبران احزاب کمونیست این کشورها درجوابگوئی به اقدامات گورباچف در دمکراتیزه کردن جامعه لب به انتقاد وبررسی بازکنند!

آقایان چه باوجدان راحت فراموش کرده اندکه درست حدودیکسال پیش قریب بیش ازیک سوم ازاعضاء وهواداران خودشان رابه جرم دفاع ازحق بیان آشکارنظرات سازمانی وبدون سانسور درونی وبیرونی، اعتراض به روش های غیردمکراتیک وحقوق ویژه دفترسیاسی تحت چه عناوینی اخراج نمودند واگردراروپانبودچه گورهای دست جمعی که برای معترضین بپانمی کردند! امااگرگلوله های معتمدین دفترسیاسی سینه مخالفان راهدف قرارنداد، امازبان وادبیات ضدکمونیستی وتوده ای آنهاآنچه در "فضای رفیقانه" داشت در "ستونهای آزاد" نشریه راه کارگر وصحبت های شفاهی نثارمعترضین شد. مدعیان سینه چاک آزادیهای بی قیدوشرط سیاسی حتی درحکومت پرولتری!!!؟ برای اینکه چندصباحی دیگرقایق شکسته‌شان رادرمقابل انحطاط راه وروش های استالینی روی امواج توفانی تحولات اخیرروی آب نگاهدارند، طرفدار ابرازعقایدمخالفان شدند! امامشت عوام فریبان همیشه بسته نمی ماند. کسانی که ازواقعه شکل گیری معترضین تحت نام هیئت اجرائی موقت اطلاع دارندوروندحرکت مارادنبال می کنند، قطعا اعلامیه ماراتحت عنوان "بایکوت سیاسی نیروهای انقلابی محکوم است" خوانده اندومی دانندکه مادرآن اعلامیه خواستارتشکیل کمیسیونی برای رسیدگی به ادعاهای دفترسیاسی مبنی بر "اقدامات ضدامنیتی" دوتن ازرفقاوتقسیم امکانات سازمانی شدیم. اماآقایان که گویااموال سازمانی ارث پدرشان است نه عمدتامحصول کاربی دریغ شبانه روزی همین نیروهای معترض، نه تنهاجوابی نداده اندبلکه ازآنها درخدمت اتهام ودیگرگون کردن خواست های برحق مخالفان نمودند وآنانرا "مشتی خارج کشورنشین"، "بریده" و"سوسیال‌دمکرات" وغیره نامیدند. آنهانه تنهادرمحروم کردن معترضین ازامکانات سازمانی برای بیان نظراتشان کوشیدند، بلکه هرجاکه حرکتی دمکراتیک یاکمیته ای برای اقدام برعلیه حقوق پناهندگان ومبارزه ضدنژادپرستی شکل گرفت آنهاحضورخودرامشروط به اخراج نیروهای معترضین نمودند (نمونه برلین، هامبورگ وهانوفر). این است معنای واقعی آزادی سیاسی تحت حکومت دفتر سیاسی، تازه آنهم درمحل های فعالیت نیروهای ایرانی دراروپا.

آقایان فراموش کرده اندکه بیش ازنیم قرن درکشورهای سوسیالیستی گرایش استالینی همین دفترسیاسی حاکم بوده است، ودرآنجانه خبری ازتروتسکی، نه غول سوسیال‌دمکراسی، نه آزادی بی قیدوشرط اعضاء حزب دربیان نظراتشان وغیره بوده. آنچه امپریالیسم وعمال آشکارآن به کمک تبلیغات واقدامات خودنتوانستندهیستری ضدکمونیستی، احیاوبازگشت سرمایه داری وانحطاط روحی وسیاسی مردم دربسیاری ازاین جوامع بدست آورندبه برکت تسلط همین "روشنفکران جاه طلب" و"باندباز" بررهبری این احزاب، این پدرخوانده های به اصطلاح طبقه کارگرفراهم شد، وهرجاکه دراین کشورهابرای کمونیست ها آبروئی هست متعلق به معترضین، اخراجیون، تبعیدی ها وسربه نیست شدگان است که رد تن خون آلودشان بدست نارفیقان به اصطلاح کمونیست درتاریخ بیش ازشش دهه گذشته جنبش کارگری کمونیستی دیگرقابل حاشای دفتر سیاسی سازمان به اصطلاح کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) هم نیست!

عدم تسویه حساب بنیانی بااین گرایش منحط وبازنگری راه طی شده آن خطری اساسی است که هستی این جنبش عدالتخواهانه وبشری - یعنی جنبش کارگری وکمونیستی - رانشانه گرفته است.

بهروز

آزادی کامل بیان، مباحثات ایدئولوژیک علنی و اقلیت سازمانی

اولین قدم برای جاری نمودن مباحثات ایدئولوژیک فعال و سازنده در یک سازمان کمونیستی، ایجاد راه‌های قانونی و حزبی برای بیان علنی نظرات مخالف با مواضع اکثریت (و یا رسمی) سازمانی است.

حق انکارناپذیر هر عضو سازمانی در ابراز نظراتش و استفاده از آن، خود بمثابه ابزاری مهم برای سازمانیابی گرایشات متفاوت نظری در حزب، شناخت معضلات و گره‌گاههای واقعی در درون یک تشکیلات و جنبش و خلاصه زمینه‌ساز شرایط برای مبارزه ایدئولوژیک علنی سازمان یافته در سطح کل یک تشکیلات حول نیازهای واقعی جنبش طبقه کارگر و نتیجتا پالایش حزب از گرایشات و نقطه‌نظرات انحرافی محسوب می‌شود.

عدم وجود این حق ابتدائی در تشکیلاتها و سازمانهای سیاسی انقلابی، عموما یا در بهترین حالت به سازش ایدئولوژیک در بالا و بی‌نظری در بدنه تشکیلات و یا به بروز اختلافات پنهان شده به اشکال غیرحزبی و انفجار بمثابه زاده اجتناب‌ناپذیر این کمبود، منجر می‌گردد.

بدین منظور و برای برداشتن این اولین قدم، باید صفحاتی از ارگان مرکزی سازمان جهت ابراز مخالفت و برخورد با نظرات اکثریت (و یا رسمی) سازمانی اختصاص داده شود.

این ستون از نشریه، که از **ضوابط عمومی مبارزه ایدئولوژیک علنی** تبعیت خواهد نمود، همیشه برای اعضاء تشکیلات جهت بیان مخالفت با نظر رسمی سازمانی و یا اظهار نظر در عرصه‌هائی که موضع رسمی وجود ندارد، باز خواهد بود.

چنین ابزار تشکیلاتی، در کنار روال طبیعی کار نشریه ـ پیشبرد و تبلیغ و ترویج مواضع رسمی و یا اکثریت یک سازمان ـ در واقع آئینه‌ای است برای شناخت و انعکاس اولیه گرایشات و اختلاف نظرات ـ این ستون از نشریه برخلاف بولتن‌های مباحثاتی که بحث‌های عموم تشکیلاتی توسط آنها گشوده می‌شود و محدودیتهای معینی را بلحاظ تعدد تم‌ها و یا زمان بحث دارند، بغیر از ضوابط عمومی مبارزه ایدئولوژیک علنی از هیچ محدودیتی تبعیت نمی‌کند.

اما تنها اختصاص این صفحات حقوق اقلیت‌های سازمانی در ابراز و هم چنین تبلیغ و ترویج نظراتشان را تامین نمی‌کند. در اینجا اشاره به این نکته لازم است که چگونگی تامین حقوق اقلیت دریک سازمان کمونیستی، متناسب با شرایط مشخص می‌توانسد اشکال متنوعی داشته باشد. بعبارت دیگر دریک تشکیلات کمونیستی بدون آنکه تحت هر شرایطی حق اقلیت سازمانی در تبلیغ و ترویج نظراتش انکار شود، جاری ساختن این امر در اجرا می‌تواند اشکال کاملا متفاوتی بخود بگیرد. ولی آنچه مهم است همواره باید اشکال حزبی متناسب با شرایط را شناخت و آن را به قوانین جاری حزبی تبدیل نمود!

دریک تشکیلات کمونیستی، که بر اساس اصول سانترالیزم دمکراتیک اداره می‌شود، قبل از اخذ تصمیمات حول خط مشی و سیاستهای عمومی، باید مباحثات با شرکت وسیعترین تعداد ممکن از اعضاء، سازمان یابد.

بعبارت دیگر در روند طبیعی کار تشکیلاتی تجدید نظرهای برنامه‌ای و اساسنامه‌ای و یا تصمیم‌گیری و موضعگیریهای خارج از چارچوبهای تعیین شده در کنگره‌ها و یا کنفرانس‌های سراسری تشکیلاتی، از اختیارات کمیته مرکزی خارج، و بعهده کنگره سازمانی خواهد بود، و قبل از اخذ چنین تصمیماتی ک. م. می‌باید مقدمات امر تصمیم‌گیری تمام تشکیلاتی را از طریق سازماندادن بحث‌های سراسری فراهم نماید.

تشخیص معضلات و گرهگاهها برای بحث جهت تصمیم‌گیری، از جانب کنگره‌ها و یا کنفرانس‌های سراسری و یا کمیته مرکزی انجام میگیرد و حد نصاب آراء لازم همانند هر تصمیم دیگر تشکیلاتی نیاز به اکثریت مطلق آراء دارد.

اما طبیعی است که تنها در روند مباحثات قبل از اخذ تصمیم است که نظرات متفاوت شکل می‌گیرند و تنها پس از اخذ تصمیم است که رفیق و یا درصد معینی از اعضاء سازمان، با تصمیم و یا تصمیمات اتخاذ شده توسط اکثریت مخالفند و به عبارت دیگر تنها از آنجاست که اقلیت نظری مفهوم پیدا می‌کند.

علاوه بر آن در فاصله اخذ تصمیمات تا کنگره بعدی سازمانی همیشه این احتمال وجود دارد که در اوضاع سیاسی و یا پارامترهای متفاوت تغییر و تحولاتی ایجاد شود که عده‌ای از اعضاء سازمان خواهان مباحثه مجدد حول تم و یا تم‌های مربوطه باشند. در این حالت لازم است برای درخواست اعضاء حد نصاب کمی معینی تعیین گردد، که وجود این حد نصاب کمیته مرکزی را موظف به سازمان دادن مباحثات علنی حول تم و یا تم‌های مورد تقاضا می‌نماید: حد نصابی که نظر اقلیت با اتکاء به آن کمیت معین می‌تواند بمثابه اقلیت سازمانی درخواست گشوده شدن بولتن‌های ویژه مباحثاتی برای تبلیغ و ترویج نظراتش حول تم و یا تم‌های معین را داشته باشد. میزان این حد نصاب که در شرایط متفاوت میتواند کاملا متغیر باشد، خود گویای عمق و اهمیت موضوع در تشکیلات خواهد بود. وجود حد نصاب کمی از این جهت ضروری است تا مانع از هرج و مرج و درگیر شدن یک تشکیلات کمونیستی و بکارگیری ویژه امکانات مادی ـ فنی و معنوی آن در بحثهای تمام ناشدنی‌ای شود که ضرورتا گویای مسائل و گرهگاههای جنبش نخواهد بود. مرز این حد نصاب از عوامل متعددی تبعیت می‌کند که متناسب با این عوامل می‌تواند محدود و یا گسترده باشد.

از نظر ما، با در نظر گرفتن پارامترهای گوناگون و عمدتاً با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی، وضعیت جنبش توده‌ای در بطن جو شدید سرکوب و اختناق و اوضاع نابسامان اقتصادی در داخل ایران در کنار پراکندگی و عدم انسجام چپ انقلابی، که تسلط فرقه‌گرائی و سکتاریسم از مهمترین دلایل این پراکندگی اند، زندگی فرقه‌ای و ساخت تشکیلاتی بوروکراتیک، و وجود سازش ایدئولوژیک بجای مبارزه ایدئولوژیک با تمامی نتایج اجتناب‌ناپذیرش در عمده جریانات سیاسی انقلابی موجود و در کنار همه اینها مسئله مهاجرت رهبری و بخش زیادی از نیروهای سازمانها به خارج کشور و عدم وجود ارتباط زنده با نیروهای تشکیلاتی در داخل کشور، در شرایط فعلی حد ۱/۳ از کل اعضای تشکیلات، مرز مناسبی میباشد.

مباحثات ایدئولوژیک علنی بلحاظ اجرائی، چه بطور فردی در صفحاتی که در نشریه مرکزی به این منظور اختصاص یافته‌اند و چه سراسری و عموم تشکیلاتی **هریک** بطور جداگانه از ضوابط خاص خود و **هردو** از ضوابط عمومی مشترکی تبعیت می‌نمایند. این ضوابط که از قوانین عمومی زندگی حزبی سرچشمه می‌گیرند، در آئین‌نامه مربوط به ضوابط مبارزه ایدئولوژیک علنی، مصوبه کنفرانس ما، فرموله شده‌اند.

از صفحه ۶

جنبش چپ و فعالیت آتی ما

و زمینه‌سازیهای اولیه و فراهم نمودن مقدمات کار دوره‌های دوم و سوم برای کار در داخل و فعالیت کارگری خواهد بود. این دوره، که تا مراحل نزدیک به کنگره‌مان طول خواهد کشید، دوره فعالیت سیاسی‌مان در خارج، تمرکز حول مسائل گرهی جنبش چپ تا حدی که در توان ماست، سازماندهی کار تخصصی و پرورش نیرو در حوزه‌هائی که نقدا و برای مراحل بعدی بدان نیازمندیم، تلاش برای سازماندهی وحدتهای اصولی بر اساس پرنسیپهای برنامه‌ای و اساسنامه‌ای که به آن معتقدیم، سازماندهی مباحث تئوریک حول مسائل پیشاـ کنگره‌ایمان، سازماندهی و تهیه مقدمات لازم حول تدارکات و مالی خواهد بود.

طبیعی است که نشریه مورد نظرمان در این دوره نمی‌تواند نشریه‌ای اساسا سازمانگر، تبلیغی برای کارگران پیشرو و توده کارگران باشد. ارگان‌مان نشریه‌ای سیاسی و تئوریک بوده که اساسا حول گرهگاهها و مباحث جنبش چپ در زمینه‌های مختلف برنامه‌ای، اساسنامه‌ای و تاکتیکی، مسائل متحول جاری و برخورد حول مسائل ریشه‌ای و گرهی سازماندهی طبقه کارگر و ضعف‌هائی که در این زمینه وجود دارد و ... خواهد بود.

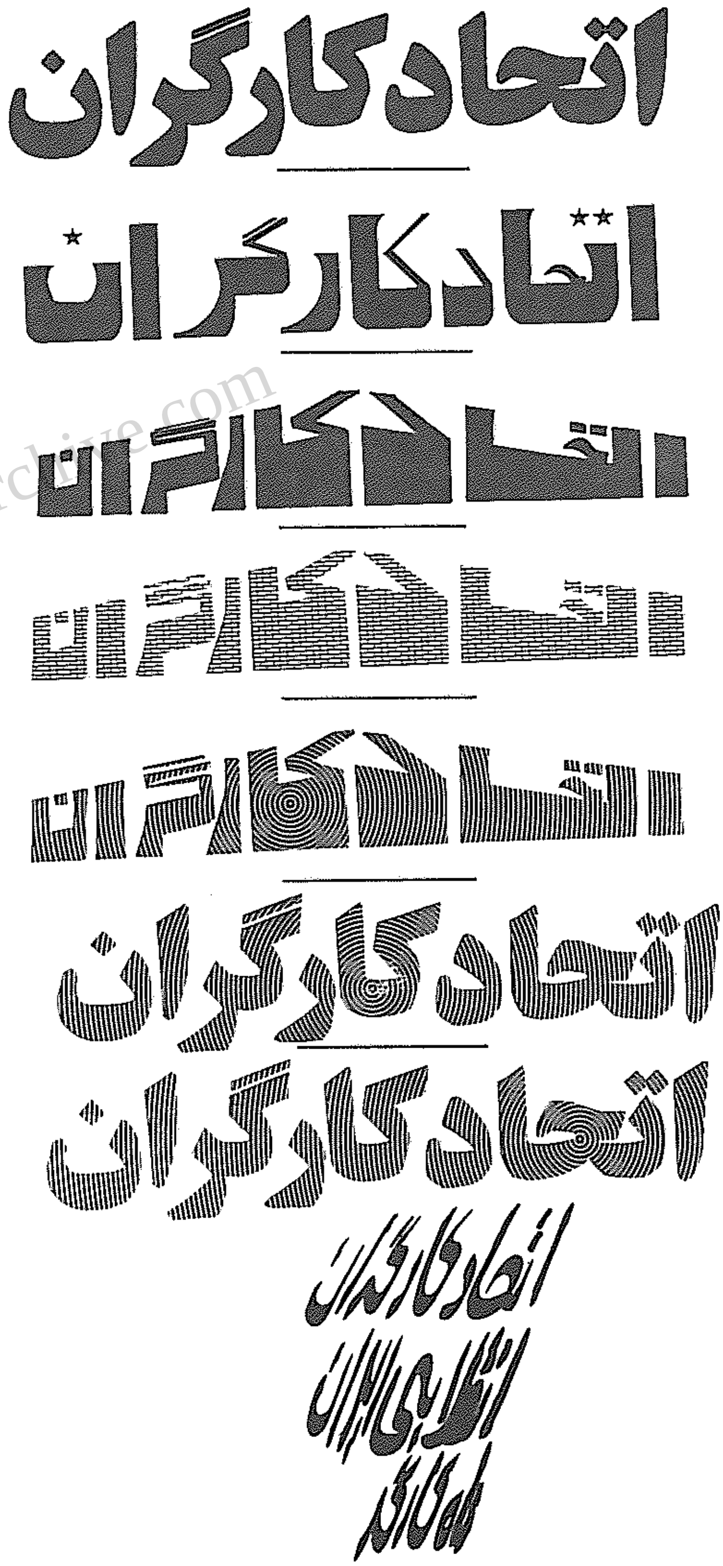
برای تشکیل حزب طبقه کارگر، پیش به سوی برنامه کمونیستی و سازماندهی توده‌ای کارگران!

سپاس!

طرحهای زیربمنظور انتخاب عنوان نشریه و نام تشکیلاتی ما ازسوی دوستان و رفقا دراختیارمان قرارگرفته‌اند. ما طرح حاضر عنوان نشریه را ازمیان آنها برگزیده وامیدواریم بتوانیم از بقیه آنها نیز درموارد مناسب استفاده نمائیم. بدین‌وسیله از همه دوستان و رفقائی که دراین زمینه با ما همکاری نموده‌اند سپاسگزاری می‌کنیم.

اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)





تریبون اعضاء برای بیان نظرات مخالف

اتحادکارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

توضیح !

اتحاد در عمل و آزادی کامل مباحثه و انتقاد توسط اعضاء سازمانی یکی از پرنسیپهای حزب لنینی است. این اصل که راهنمای عمل کمونیستها در مناسبات درون سازمانی در حوزه عمل مشترك و ابراز نظر آزاد اعضاء در مقابل نظر رسمی و ابراز نظر اقلیت در مقابل اکثریت است، می باید در تمامی روند فعالیتمان نمود یافته و پاسداری شود. در همین رابطه کنفرانس ما مقرر نمود که بمنظور جاری داشتن و انعکاس این اصل در فعالیتمان علاوه بر آنچه که به مباحثات عمومی، انتشار بولتنها و غیره مربوط میشود، صفحاتی از نشریه اتحاد کارگران، برای درج نظرات رفقای عضو اتحاد کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) اختصاص یابد. صفحات یادشده امکان ثابتی هستند که در هر شماره برای رفقای مخالف نظر رسمی در نظر گرفته شده است، و در هر شماره که نظرات مخالف دریافت شوند، برای درج و انعکاس آنها باز خواهد بود که ضوابط اجرائی آن منطبق بر آئین نامه مربوطه، مصوبه کنفرانس، خواهد بود.

نقدی بر مواضع کنفرانس در قبال: جمهوری دمکراتیك خلق

دمکراسی باید در کردار انقلابی شود (لنین)

اتحاد کارگران ویژه گزارش کنفرانس ۱ درخصوص مرحله انقلاب ایران قطعنامه راجع به اختلاف برنامه ای را انتشار داده و موضع رسمی اتخاذ نموده است. از آنجاکه رفقای ما در کنفرانس نظرات باباعلی را مبنا قرار داده و تصویب نمودند لازم است تا با آنها برخوردی اجمالی داشته باشم.

اتحاد کارگران می نویسد: از اینرو طبق مصوب مجمع نمایندگان تنها نظرش را حول ۲ مسئله اساسی مورد اختلاف ابراز داشت این دو محور عبارت بودند از:

الف: صفبندی نیروهای انقلابی در مبارزه برای تحقق جمهوری دمکراتیك خلق.

ب: رابطه جمهوری دمکراتیك خلق با دیکتاتوری پرولتاریا.

قبل از هر چیز باید بگویم که رفقا متاسفانه تاکنون مسائل اساسی مورد اختلاف با رفقای د ـ س را نشناخته اند و با بی اطلاعی موضعگیری کرده اند. اختلاف شما رفقا با جناح د ـ س در ترکیب نیروهای محرکه انقلاب نیست بلکه در ترکیب نیروهای شرکت کننده در دولت جمهوری دمکراتیك خلق است که البته این موضوع از جانب شما مسکوت گذاشته شده و بطور کلی و ابهام آمیز نوشته اید، چنانکه جای تفسیر و تعبیر را باز نگهداشته اید. رفقای جناح دفتر سیاسی خرده بورژوازی میانی را جزو نیروهای محرکه انقلاب می دانند اما جزو نیروهای شرکت کننده در دولت جمهوری دمکراتیك خلق نمی دانند. یکی دیگر از اختلافاتتان با آنها در این هست، آیا جمهوری دمکراتیك خلق شکلی از دیکتاتوری پرولتاریا است یا نه؟

جمهوری دمکراتیك خلق و خرده بورژوازی

در سازمان ما همواره تحلیل در باب نیروهای محرکه انقلاب با تزلزلات و نوسانات خرده بورژوائی آلوده بوده است. در جزوات مختلف از جمله متدولوژی مرحله انقلاب و در نشریات مختلف از جمله بیانیه وحدت و جمعبندی مباحثات وحدت از خرده بورژوازی بطور کلی بعنوان نیروهای محرکه انقلاب نام برده شده است. در مقطع ادغام راه فدائی سازش نظری بر سر استالینیسم و نیروهای محرکه انقلاب صورت گرفت. رفقای د.س **بشیوه ای نادرست** در مورد مبارزه ایدئولوژیك علنی تجدیدنظر کردند (منفی) در مورد ترکیب نیروهای شرکت کننده در دولت جمهوری دمکراتیك خلق به همان شیوه نادرست، اما تجدیدنظرشان درست است (مثبت)، البته با توجه به انگیزه های منفی و راست روانه شان. ر ـ باباعلی و رفقای د ـ س درخصوص اینکه خرده بورژوازی میانی را جزو نیروهای محرکه انقلاب می دانند دارای گرایشات راست روانه ای هستند ولی یکی از نقاط مثبت رفقای د.س در این واقعیت نهفته است. آنها خرده بورژوازی میانی را در ترکیب دولت جمهوری دمکراتیك خلق قرار نمی دهند، در ضمن باید به دو نکته اشاره کرد: ۱ـ آنها نیروهای محرکه را از نیروهای شرکت کننده در دولت تفکیك می کنند.

۲ـ تفکیك برنامه به حداقل و حداکثر، جبهه سرنگونی، دولت موقت انقلابی! و غیره قصد دارند تا با طیف توده ای بر سر ارث و میراث انقلاب به سازش برسند.

ر ـ باباعلی تمایلات راست تری دارد، وی نه بخاطر حل تناقضات عدم تفکیك نیروهای شرکت کننده در انقلاب و نیروهای شرکت کننده در دولت جمهوری دمکراتیك خلق، حل سیاست متناقض سازمان در رابطه با سیاستهای ائتلافی یا در مسائل اساسنامه ای با طرح حق گرایش مبارزه ایدئولوژیك علنی کامل و حقوق اقلیت نظری را دچار تناقض نموده است، بلکه بیشتر مبارزه او برای حاکمیت خرده بورژوازی و سهم بیشتر او در کنار پرولتاریا، درگیر است. در واقع منافع خرده بورژوازی را بر منافع پرولتاریا ترجیح می دهد. درکی را که ر ـ باباعلی و جناح د ـ س از درهم شکستن ماشین بوروکراتیك ـ نظامی دولت بورژوائی ارائه می کنند در چهارچوب یك تحلیل مبارزه ضد استبدادی زندانی است.

خرده بورژوازی میانی از جمله نیروهائی است که در صحنه سیاسی جامعه می تواند وجود داشته باشد ولی نیروی محرکه انقلاب نیست، خرده بورژوازی میانی یك نیروی متزلزل و بینابینی و ناپیگیر در امر مبارزه برای خواسته های انقلابی است. آیا باید او را از زیر نفوذ بورژوازی بیرون کشید؟ بله، البته پرولتاریا بایستی او را به صفوف خود جذب کند. توهم پراکنی پیرامون خرده بورژوازی میانی بعنوان نیروی محرکه انقلاب به نادیده گرفتن رابطه پرولتاریا با این نیرو منجر شده و تحلیل دیپلماتیك و مصلحت ـ گرایانه را جایگزین منافع پرولتاریا در سیاستهای ائتلافی می کند.

یك فاکت: ر ـ باباعلی برای اینکه نشان دهد خرده بورژوازی میانی در ترکیب دولت جمهوری دمکراتیك خلق وجود دارد چند فاکت از لنین آورده، از خرده بورژوازی بطور کلی نام می برد، در حالیکه قصد دارد نظر خود را با نقل قول فوق ثابت کند می نویسد: "**خرده بورژوازی آماده است تا همراه با پرولتاریا موقتا ازمحدوده** نظم بورژوائی فراتر رود". لنین می گوید: "جنگ چنان مصائب بی سابقه ای را برای کشورها ی محارب سبب شده است ودر عین حال تکامل سرمایه داری را به چنان درجه فوق العاده ای تسریع نموده، سرمایه داری انحصاری را به سرمایه داری انحصاری دولتی تبدیل نموده است که نه پرولتاریا و نه خرده بورژوازی دمکرات انقلابی **نمی تواند** در محدوده چارچوب سرمایه داری باقی بماند ..." (ص ۳۶ـ نامه به یك رفیق ـ باباعلی) نقل قول از لنین: (بعدالتحریر ۱۹۱۷، ۲۸ سپتامبر ـ برنامه ارضی سوسیال دمکراسی در اولین انقلاب روسیه ۷ـ ۱۹۰۵ مندرج در کلیات آثار جلد ۱۳ ـ ص ۴۳۰)

آیا کل خرده بورژوازی و یا لایه میانی آن دمکرات انقلابی است؟

پایگاه طبقاتی دمکراتهای انقلابی کدام لایه از خرده بورژوازی است؟

بنابراین جا زدن این خرده بورژوازی میانی بعنوان دمکرات انقلابی تلاشی بیهوده است. خرده بورژوازی دمکرات انقلابی لایه پائینی خرده بورژوازی (تهیدستان شهر و روستا) است.

به بند ۲ قطعنامه راجع به اختلافات برنامه ای برگردیم:

" ۲ـ خرده بورژوازی به خودی خود نه ویرانگر نظام بهره کشانه سرمایه داریست و نه سازنده سوسیالیسم، لایه هائی از آن پس از تجزیه طبقاتی که به سمت پرولتاریا میگرایند در دوران انتقال به اعتبار پرولتاریا و نقش هژمونیك آن یا وی همراه میگردند."

(بند ۲، اتحادکارگران، ویژه گزارش کنفرانس ۱)

اولا ـ کلمه خودبخود غلط است زیرا این توهم را ایجاد می کند گویا غیر از این چنین چیزی می تواند وجود داشته باشد. خرده بورژوازی تحت هیچ شرایطی نه ویرانگر نظام بهره کشانه سرمایه داریست و نه سازنده سوسیالیسم، مگر دیگر خرده بورژوازی

نباشدیعنی به‌صفوف پرولتاریارانده وجذب شده‌باشد (تمامی لایه‌های آن).

ثانیا ـ قسمت دوم جمله به‌گونه‌ای تنظیم شده‌که گویاتجزیه طبقاتی وبه‌سمت پرولتاریاگرویدن لایه‌هائی ازآن قبل ازدوران انتقال انجام می‌گیردومشخص نیست کدام لایه‌هابه‌سمت پرولتاریامی‌گرایندکه‌این درتناقض بانیروهای محرکه انقلاب نامبرده دربند۱ قرارمی‌گیرد.

ر ـ باباعلی سخنگوی د ـ س رابه‌عدم تعمق درآثارلنین متهم کرده چون فاکتهائی که ازنامه‌هائی ازدوروتزهای آوریل آورده ویابقول بعضی ازرفقای خودمان تمام مقالات دومین انقلاب روس ۱۹۱۷ متعلق به مرحله انقلاب سوسیالیستی است. مصوبه کنفرانس مرحله انقلاب جمهوری دمکراتیک خلق نوع پرولتری می‌داندامانیروهای محرکه انقلاب وشرکت‌کننده دردولت وهم چنین دیکتاتوری طبقاتی آن راازانقلابات بورژوادمکراتیک به‌عاریه‌گرفته‌است. "پرولتاریادومتفق دارد: توده‌وسیع چندین ده‌میلیونی، یعنی اکثریت عظیم‌اهالی که‌عبارتندازتوده‌نیمه‌پرولتاریاوتااندازه‌ای دهقانان خرده‌پای روسیه...

پرولتاریاباتفاق این دومتفق، بااستفاده‌ازخصوصیات لحظه‌انتقالی فعلی **میتواندابتدادرراه‌نیل به‌جمهوری دمکراتیک** وپیروزی کامل دهقانان برملاکان و سرنگون ساختن نیمه‌سلطنت گوچکف ـ میلیوکف وسپس درراه نیل **به‌سوسیالیسم،** یعنی یگانه‌وسیله‌ای که‌میتواندبه‌ملل رنج دیده‌ازجنگ،صلح ،نان وآزادی بدهد،گام بردارد وگام برخواهدداشت". (نامه‌هائی ازدورمجموعه‌آثارومقالات ـ لنین ـ ص ۴۴۹ و ۴۵۰ ـ تاکیددومی ازمن است)

نیروهای محرکه انقلاب و دولت جمهوری دمکراتیک خلق (ترکیب دولت) عبارتند از: پرولتاریا، نیمه‌پرولتاریاولایه‌پائینی خرده‌بورژوازی تهیدستان شهروروستا یعنی دمکراتهای انقلابی.

جمهوری دمکراتیک خلق شکلی از دیکتاتوری پرولتاریاست

دربند۴قطعنامه‌راجع به‌اختلافات برنامه‌ای آمده‌است:

"۴ـ مضمون مرحله‌انقلاب برنامه انتقالی وسمتگیری سوسیالیستی است ودولت جمهوری دمکراتیک خلق دولت نوع پرولتریست ونه‌نوعی ازدیکتاتوری پرولتاریا".

کنفرانس بامبناقراردادن نظرر ـ باباعلی دراین زمینه، ازاوانحرافی ترنظرداد. ر ـ باباعلی درجزوه اختلافات درمسائل تاکتیکی (پاسخی به‌افترائات سخنگوی حکومت نظامی درتشکیلات ما) قسمت دوم ـ ص ۶۱ ضمن متهم کردن سخنگوی اکثریت د ـ س به‌زمزمه‌تجدیدنظر دردیکتاتوری پرولتاریا،درحالیکه‌خود ر ـ باباعلی تجدیدنظر کرده‌بودبعدادرویژه‌نامه‌شماره ۲ مباحثات کنفرانس درص ۳۲ نوشت:

"جمهوری دمکراتیک خلق دیکتاتوری کامل پرولتاریانیست" !!!

بایداول پذیرفت شکلی ازدیکتاتوری هست یانه بعدبرسرکامل بودن یانبودن آن بایدنظرداد. امابدترازهمه‌مصوبه‌کنفرانس، رفقای مادرواقع زیرهمه‌چیزرازدند.

نمایندگان سیاسی پرولتاریایعنی کمونیستهابایستی منطق مبارزه‌طبقاتی و منافع طبقاتی پرولتاریاراراه‌ورسم‌خودقراردهندوسوسیالیسم راتادیکتاتوری پرولتاریا بسط دهند، مضمون انقلاب رانمی‌توان تقسیم کرد: نصف نقد ونصف اصلی وشاهرگ آن رانسیه‌ارائه‌کرد. مضمون هرانقلابی همان دیکتاتوری طبقات انقلاب کننده‌است. پیشروان کمونیستی که‌هنوزنتوانندرابطه‌دولت وانقلاب، دیکتاتوری طبقاتی را درك کنندپس چگونه وبرای چه‌هدفی پرولتاریاراهدایت وسازماندهی خواهندکرد؟ دیکتاتوری درعصرانقلابات انتقال سرمایه‌داری به‌سوسیالیسم یاپرولتاریائیست یابورژوائی ست. نوع دولت جمهوری دمکراتیك خلق نوع پرولتریست ونه‌نوعی از دیکتاتوری پرولتری پس از چه‌نوع است؟ بورژوائی! رفقانسبت به‌ماهیت خرده‌بورژوازی بعدازگذشت سالهاازانقلاب بهمن هنوزتوهم دارند.

برنامه‌انتقالی وسمتگیری سوسیالیستی رافقط باشکلی ازدیکتاتوری پرولتری می‌توان تحقق بخشید، دیکتاتوری این نوع دولت شکلی ازدمکراسی طبقاتی رابه نمایش می‌گذارد. شکست انقلاب وگرایشات سوسیال دمکراسی بعضی ازرفقارانا امید وبه سوسیالیستهای شرمگین تبدیل نموده‌است درحرف تاسوسیالیسم می‌روندامادرعمل ازدیکتاتوری پرولتاریامی‌گریزند. "اپورتونیسم بخصوص دایره‌قبول مبارزه طبقاتی رابه‌نکته‌عمده یعنی دوران **گذار** ازسرمایه‌داری به‌کمونیسم، بدون **سرنگونی و محو** کامل بورژوازی **نمیرساند**. درواقع این دوران بطورناگزیردوران مبارزه‌طبقاتی بی‌نهایت شدیدوشکلهای بی‌نهایت حاداین مبارزه‌است ولذادولت این دوران هم ناگزیربایددولت دمکراتیك **بشکل نوین** (برای پرولتاریاوبطورکلی برای تهیدستان) ودیکتاتوری **بشکل نوین** (علیه‌بورژوازی) باشد. شکل دولتهای بورژوازی فوق‌العاده متنوع است ولی‌ماهیت آنهایکی‌است: این دولتهاهرشکلی داشته‌باشند، درماهیت امرحتماهمه**دیکتاتوری بورژوازی** هستند. دوران گذارازسرمایه‌داری به‌کمونیسم البته نمیتواندشکلهای سیاسی فراوان ومتنوع بوجودنیاوردولی‌ماهیت آنهاحتمایك چیز خواهدبود: **دیکتاتوری پرولتاریا**.

(مجموعه‌آثارومقالات ـ لنین ـ دولت وانقلاب ـ ص ۵۲۹) جمهوری دمکراتیك خلق نوعی ازدولت پرولتری وشکلی ازدیکتاتوری پرولتاریاست هرنظرانحرافی که چنین چیزی راانکارکندبه‌اعتقادم آشکارادرتئوری لنینیسم تجدیدنظرنموده‌است.

حمید

۲۵۰۱۲۰۸۹

انتخابات درنیکاراگوئه

ازصفحه ۲۴

ساندینیست‌ها را می‌توان چنین برشمرد: یك دهه محاصره‌اقتصادی وعوارض آن، تورم شدید، جنگ تجاوزکارانه عوامل امپریالیسم آمریکا (کنتراها)، بعلاوهٔ تاثیرات تحولات اخیردرجهان به‌موقعیت ساندینیست‌هالطمه زد وبقول اورتگا: "مردم نه با سر و قلبشان بلکه با شکمشان انتخاب کردند!" رأی به خانم شامورو، رأی به‌نان، رأی به صلح و رای به‌دلارآمریکائی برای شکمهای گرسنه‌بود، غافل از اینکه مسبب مسائل و مصائب فوق خود بورژوازی وامپریالیسم جهانی و دررأس آن آمریکای جنایتکار بوده

وظیفه روشنگری وآگاه‌نمودن توده‌ها نسبت به نیرنگهاوتوطئه‌های امپریالیستها وعوامل داخلی‌شان اینك بیش از هرزمان دیگربرای کمونیستهاوانقلابیون نیکاراگوئه مطرح است.

انقلاب ۱۹ ژوئیه نیکاراگوئه طی ۱۱ سال گذشته تحولات عمیق اقتصادی،اجتماعی وسیاسی بوجودآورده، که دستاوردهای عظیمی برای کارگران ودهقانان نیکاراگوئه در بر داشته واز پشتوانه قوی آنها برخورداراست. وجود نیکاراگوئه انقلابی (کوبای جدید) بمثابه پشتیبان مبارزات انقلابی وضدامپریالیستی درمنطقه برای امپریالیستها حادثه‌ای ناگواربود. به‌همین جهت آنهاازبدو انقلاب توطئه‌های متعددی را علیه انقلاب و بمنظور سرنگونی ساندینیست‌ها سازمان دادند. درفوریه ۱۹۸۱ ریگان (رئیس جمهورسابق آمریکا) تصمیم گرفت تا با "استراتژی دوگانه"، "محاصره‌اقتصادی" و "جنگ پارتیزانی" حکومت ساندینیست‌هارا به‌زانو درآورد. دراین حال ائتلاف ضدانقلابی بورژوازی داخلی برگرد بورژوازی متوسط (ازجمله‌گردانندگان روزنامه لاپرنسا و...)، شکل گرفته بود. انتخابات نوامبر ۱۹۸۴ وپیروزی اورتگا باآراء ۶۶/۹۷ درصد، پاسخ دندان شکنی بودبه‌امپریالیسم آمریکاوایادی داخلیش.

باآنکه فشار طولانی‌مدت امپریالیسم آمریکا رأی لایه‌هائی ازتوده‌هارا درانتخابات اخیر بسوی ضدانقلاب جلب نمود، ولی‌آینده نیکاراگوئه عرصه‌کشاکش ومقاومت انقلاب دربرابرهجوم بورژوازی وامپریالیسم آمریکابه‌دستاوردهای انقلاب نیکاراگوئه خواهدبود وچه‌بسا اشکال حاد وقهرآمیزی به‌خود بگیرد.

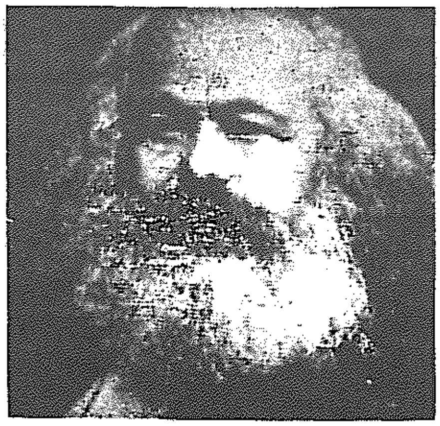
تلاش برای روشنگری،آموزش و سازماندهی توده‌های تحت ستم حول طبقه‌کارگر، در دفاع ازدستاوردهای انقلاب وجلب حمایت کارگران وزحمتکشان سایرکشورها محوری‌ترین وظیفه‌کمونیستها وانقلابیون نیکاراگوئه، وحمایت ازانقلاب نیکاراگوئه وظیفه‌انترناسیونالیستی همه کمونیستها درسراسرجهان است.

ساندینیست‌ها دراعماق ریشه‌دارند! پیروزی کاندیدای UNO درحال‌حاضرتنها به‌معنای انتقال صوری قدرت به‌بورژوازی است و قدرت واقعی هنوزدردست ساندینیست‌هاست، ازاینروست که اورتگا می‌گوید:

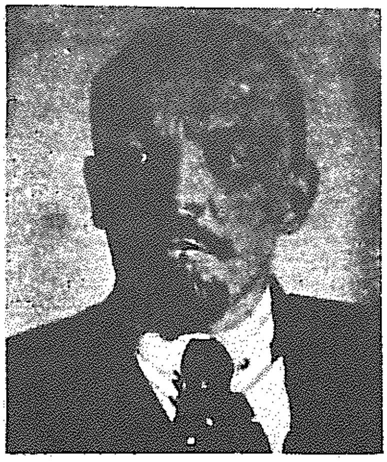
"ما از پائین حکومت می‌کنیم!"

مرگ بر امپریالیسم جهانی به‌سرکردگی امپریالیسم امریکا!

جاودان باد مارکسیسم لنینیسم



یکصدوهفتمین سالروزمرگ مارکس



شصت وششمین سالروزمرگ لنین

گرامی باد هشتم مارس روز جهانی زن !

زنده باد کمون پاریس !

یکصدونوزدهمین سالروز کمون پاریس، نخستین حکومت کارگری جهان را گرامی می داریم!

انتخابات درنیکاراگوئه

ویولتا شامورو (Violeta Chamorro) کاندیدای ۱۴ گروه وحزب ائتلافی بنام Union Nacional Opositora)) اپوزیسیون متحدملی، درانتخابات ۲۵ فوریه با ۵۴/۷ درصدآراء بەپیروزی دست یافت و بدین‌ترتیب ۵۱ کرسی‌پارلمانی‌رابدست‌آورد. UNO متشکل‌ازاحزاب وسازمانهای‌بورژوائی‌وضدانقلابی‌نیکاراگوئه‌است‌که‌ازکمکهای بیدریغ امپریالیسم‌آمریکابرخوردارند. تنها ۹ میلیون دلارآمریکائی بطوررسمی‌وکمک‌ـ های‌غیررسمی‌فراوان امپریالیستها درمبارزات انتخاباتی درکنارتبلیغات قوی داخلی وخارجی‌ـ که‌آنهم‌ازجانب امپریالیسم‌جهانی‌تغذیه می‌شدـ باUNO همراه بود.

پس‌از یک‌دهه محاصره‌اقتصادی، سازماندهی‌تجاوزات ضدانقلابیون‌کنتراهــــا، دخالتهاوتجاوزات غیرانسانی بی‌شمار، میلیاردهادلارسرمایه‌گذاری‌برای‌عملیــــات تروریستی‌وخرابکارانه‌و...، این‌بار معرفی‌تنها یک‌کاندیداازطرف ۱۴ حزب وگــروه ضد ساندینیست باوعده‌خاتمه جنگ، خاتمه خدمت سربازی‌اجباری، وعده دلارهـــای آمریکائی‌برای تامین مسکن‌وسیرکردن شکمهای‌گرسنه، شرایط پیروزی‌کاندیدای ضـد انقلابیونUNO را فراهم ساخت. طبعا تحولات اخیردرکشورهای اروپای شرقــی و شوروی، موضع تعرضی امپریالیسهاوفقدان قطبی‌نیرومنددرمقیاس‌جهانی‌بمثابــــه حامی و پشتوانه جنبش‌های‌انقلابی وضدامپریالیستی‌درشرایط‌کنونی، درتضعیـــــف موقعیت ساندینیست‌هاموثربوده وبایدگفت‌که شکست اورتگادرمقابل‌کاندیدای ضـد انقلابیون باتحولات کنونی‌جهانی‌انطباق دارد.

اما پیروزی‌کاندیدای UNO درحال‌حاضرتنها به‌معنای انتقال صوری قدرت بـه بورژوازی‌است، کمااینکه مهمترین‌اهرمهای‌قدرت هم‌اکنون‌دردست ساندینیست هــــا قراردارد‌وچنگ‌اندازی‌بدانها مستلزم هجوم به‌دستاوردهای‌انقلاب ونقض‌قانون‌اساسی می‌باشد، که شامورو ظاهراقول‌وفاداری به‌آن‌را داده‌است. رئیس‌جمهورشامورو بــرای تجدیدسازمان‌ارتش، پلیس‌ونیروهای‌امنیتی‌و... نیاز به‌تغییرقانون‌اساسی داردو برای‌اینکار به ۶۰درصدآراء پارلمان احتیاج دارد، درحالیکه اکنون UNO با ۵۴/۷٪ آراء ازاکثریت پارلمانی‌لازم برخوردارنیست، بدین‌لحاظ‌رئیس‌جمهور نقدا گروگان ساندینیست‌های انقلابی‌است.

ساندینیست‌ها درانتخابات‌اخیر ۴۰/۸درصدآراء و۳۹ کرسی‌پارلمانی‌را بدســت آوردند. اکنون جبهه ساندینیست بااختلافی‌فاحش‌نسبت‌به‌سایراحزاب وگروههای موجود قوی‌ترین‌نیروی‌سیاسی‌درنیکاراگوئه‌است : ارتش‌خلق، اتحادیه‌ها، سازمانهای توده‌ای، سیستم‌های‌ارتباطی، حمل‌ونقل‌و... تحت نفوذ وپایه حمایتی‌ساندینیستها می‌باشند. دراین‌رابطه بایاردوآرسه (Bayar do Arce) مدیر انتخابــاتــی ساندینیستها و یکی‌از ۹ فرمانده‌انقلاب ساندینیستی، درتجمع جوانان FSLN (جبهه نجات ساندینیست) گفت : "فرماندهی‌کل‌ارتش‌خلق ساندینیست‌پابرجــا خواهدماند! ارتش خلق ساندینیست براساس قانون‌اساسی تنها نیروی مسلح خلق وقدرت نظامی‌است وقوانین خاص خودرا دارد وهیچ حکومتی نمیتواند فرمانده‌کل‌آنــرا تغییردهد."

دربررسی وضعیت نیکاراگوئه ونتایج انتخابات، علل عمده کــاهــش آراء

بقیه درصفحه ۲۲

مرکز ارتباطات

اتحادکارگران انقلابی ایران

(راه کارگر)

۰۴۰ـ ۷۳۱۳۹۹۰

(آلمان فدرال)

نشانی های پستی

اتحادکارگران انقلابی ایران

(راه کارگر)

آلمان غربی

POSTFACH 700442
2000 HAMBURG 70
W. Germany

هلند

P.B 12992
1100 AZ
AMSTERDAM-HOLLAND

سرنگون باد جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق!